جغرافیای

تاریخی ری تهران

تألیف

سرتیپ میرحسین یکرنگیان

استاد دانشکده افسری

۱۳۳۲

قیمت ۳۰ ریال

چاپخانه درخشان خیابان سوم اسفند

تقدیم بروان پاك رادمرد دانش پرور
امیرشهید میرزا تقی‌خان امیرکبیر

جغرافیای

تاریخی ری ـ تهران

تألیف

سرتیپ میرحسین یکرنگیان

استاد دانشکده افسری

۱۳۴۳

این اثر ناچیز را تقدیم روح پرفتوح مرحوم امیر کبیر اتابك اعظم مینمایم
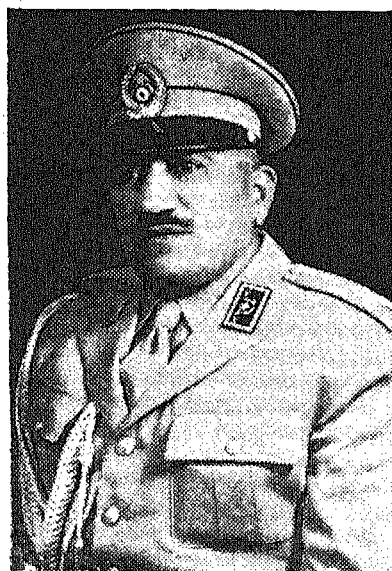
سرتیپ یکرنگیان نویسنده این کتاب که
تألیفات متعددی در تاریخ وجغرافیای
ایران وکشورهای همسایه دارند

فهرست کتاب

سر آغاز

تهران که بیشتراز یك قرن ونیم است مرکز وپایتخت ایران گردیده قاعدتاً بایستی اطلاعات تاریخی و جغرافیائی کاملی ازاین شهرستان وبخشهای تابعه آن دردست باشد، ولی کتبی که تاکنون دراین موضوع تدوین ومنتشرشده آنطورکه باید اطلاعات لازمه را در اختیار نمیگذارد ، وبیشتر اقتباس ونقل و قول ازآثار نویسندگان چندین قرن پیش استکه دراطراف ری مدارکی باقی گذارده اند .

اینجانب که علاقه مخصوصی بجغرافیای کشورخود داشته ودارم وتمام کشور ایران را چند مرتبه گردش کرده‌ام ، چه در مأموریتهای رزمی وچه هنگام شناسائی مرزها ومحورها، یا درفرصت هائیکه درتوقف ممتد استانها حاصل‌میشد ازمشاهدات خود یادداشتهائی جمع‌آوری نموده‌ام که اگرعمری باقی‌بود وفرصتی بدست آمد درتنظیم وتدوین جغرافیای کامل ایران اقدام خواهم نمود .

وچون اصلا تهرانی (و از اولاد امامزاده سید محمد ولی‌که بقعه آن بزرگوار در درکه ونسل پنجم امام چهارم است) هستم مدتها بودکه اطلاعات لازمه را جمع‌آوری میکردم ،کتب قدیم وجدید را بررسی نموده وبرای بدست آوردن اطلاعات بیشتری بکلیه وزارتخانه ها ، کتابخانه ها ودانشمندان مراجعه کرده واز محضرکلیه معمرین مخصوصاً مرحوم مهندس بقایری کسب فیض نمودم ، معهذا آنطورکه منظور نظربود نتیجه بدست نیامد ، بنابراین تاآنجائیکه میسر بود اطلاعات دراطراف شهر ری وتهران قدیم وجدید را جمع‌آوری ودر دسترس خوانندگان عزیز میگذارم ، باشدکه دانشمندان واهل تحقیق نگارنده را بنقائص واشتباهات آن آگاه نمایند تا درچاپ آینده‌کتابی جامع وبی‌نقص تقدیم هموطنان عزیز شود .

موضوع کتاب

دراین کتاب چنانکه اسم او مینماید از جغرافیای تاریخی تهران بحث میشود . بدواً درنظر بود ، موافق ادوار گذشته مباحث این کتاب به بخشهای مختلفه تقسیم و شرح هردوره جداگانه تشریح شود ولی چون تاریخ ری ، تهران ، مهران وشمیران بپوستگی کاملی بهم نداشتند ، لذا به بیان کلیاتی از ری وتهران قدیم اکتفانموده ودرموردتهران‌کنونی،مخصوصاً از زمانیکه پایتخت سلاطین قاجاریه گردید مطالب بیشتر ومشروح تری دراختیار خوانندگان گذارده میشود .
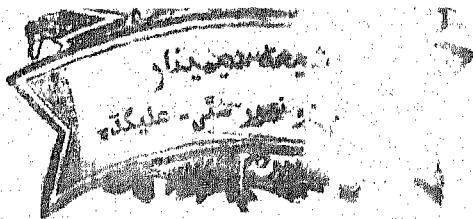
تاریخ چیست، جغرافیا کدام است

تاریخ عبارتست ازگزارش احوال کائنات وتغییرات وانقلابات آن ، این تاریخ را تاریخ عمومی گویند وگفته‌اند آنچه ازآغاز آفرینش تاکنون واقع شده تاریخ گذشته است ونتایج آن تاریخ آینده .

تاریخ اساساً بردونوع است : **تاریخ طبیعی، تاریخ اجتماعی** ؛ تاریخ طبیعی عبارتست ازگزارش انقلابات وتغییرات طبیعت، مانند پیدایش جماد ، نبات ، حیوان ، انسان و انواع آنها بویژه نژادهای متنوعه انسان وحیوان .

اما تاریخ اجتماعی یامدنی عبارتست ازحوادثی که ملازم پیدایش اجتماع وتمدن بشر بوده یاحوادثی که بعدازحصول اجتماع حادث گشته‌است ، مثلا مهد تمدن اولیه بشر درکدام نقطه بوده ، تمدن فلان قوم ازکی آغازشده ، **فلان قطعه ازچه زمانی آبادومرکزاجتماع گشته**، حالات اولیه مردم آن چه بوده، یاسلطنت فلان خاندان از کی تشکیل شده وچه زمانی منقرض گردیده وچه آثاری ازخود باقی گذاشته‌است ، **فلان شهردرکدام قرن بنا شده**، یا فلان بنا درچه تاریخ ویران گردیده ، فلان قبیله وملت بچه وسیله ترقی کرده‌است یا روبانحطاط آورده ، خلاصه آنکه هرچه متعلق بحالات بشر وحوزه های اجتماعی اوست ، همچنین آنچه را که حاکی براتفاقات غیرمنتظره است (قحط ، غلا ، طاعون ، وبا وامثال آن) واین تواریخ بردونوعند: **تاریخ عمومی ، تاریخ خصوصی** .

آنچه عمومیت دارد وراجع بهمه نژادهای بشراست **تاریخ عمومی** نام نهاده‌اند ، ولی آنچه راکه مربوط بقوم ، ملت ، نژاد وکشورمعین باشد **تاریخ خصوصی** مینامند ، باز آنها بخش میشوند به : تاریخ ، تاریخ نظامی ، تاریخ جغرافیائی ونیز جغرافیا بخش‌میشود به جغرافیای طبیعی ، سیاسی ، اقتصادی ، انسانی ، نظامی و جغرافیای تاریخی که بحث ما بیشتر دراین قسمت است .

تاریخ تهران - ری

کتبی که درباره **ری وتهران** نوشته شده باشد یعنی تمام مطالبش اختصاص باین شهرستان داشته باشد وجود ندارد . در **نزهةالقلوب ، مرآت‌البلدان، ناسخ‌التواریخ** وغیره بمقتضای بیان چند سطری دراطراف این دومکان نوشته شده‌است .

کتاب تاریخ **ری واصفهان** تألیف آقای شیخ جابرانصاری وتاریخ تهران تألیف آقای جواهرالکلام‌هم مطالب مربوط باین دومحل را ازسایرتواریخ واسنادگلچین واقتباس نموده‌اند والحق خدمتی بسزا برای روشن شدن پیشینه تاریخی نموده‌اندکه دراین کتاب هم ازمطالب آنان استفاده شده‌است .

ولی برای تشریح وضع جغرافیا وشرح اوضاع تهران دریك قــرن ونیم اخیر بیشتر از مشاهدات و اطلاعــات شخصی ومعلومات معمرین بصیر وپیرمردان مطلع تهران و پرونده های ادارات استفاده شده است .

اینك بشرح تاریخ شهر کهن ری که مدفن حضرت عبدالعظیم (ع) میباشد میپردازیم :

بخش یکم = ری

از گفته امین احمد رازی : ری ولایتی با نام است ، درمسالك وممالك آمده که ازخراسان و عراق ، بجز **بغداد** هیچ شهری بزرگتر و آبادانتراز ری نبوده ، مگر نیشابور که پهناورتر واقع شده .

اصمعی آورده «الری عروس الدنیا» ودر بنـای ری اختلاف بسیار کـرده اند بعضی برآنند: **ری** را ، **رازی بن ثقلان بن اصبهان بن ملوح** بنا کرده، برخی گویند : **راز بن خراسان** ساخته واز **هوشنك** نیز نقل میکنند .

واما **حمداله مستوفی** آورده که شهر ری شهر **شیث** پیغمبـر است ودر زمـان **المهدی بالله** عباسی عمارات شهرری بدینمنوال بوده ، مدارس وخوانق ٦٤٠٠، حمام ١٣٦٠ مساجد ٤٦٤٠٠ ، طاحونه ١٢٠٠ ، کاروانسرا ١٢٧٠٠ ، مناره ١٥٠٣٥ ، یخچال ١٤٥٠ ، عصارخانه ١٧٠٠ ، قنات جاریه ١٨٠٩١ ورودخانه نیز بسیار بوده ، محلات ٩٦ و درهرمحل ٤٦ کوچه ودرهر کوچه ٤٠٠٠٠ خانه و ١٠٠٠ مسجد ودرهر مسجدی ١٠٠٠ چراغدان ازطلا ونقره وغیره بوده که هرشب روشن میکرده اند ومجموع خانه ها هشت بار هزار هزاروسیصد و نودوشش بوده که مردم می نشسته اند لایعلم الغیب الاالله « بنظر نگارنده اغراق ومبالغه است » .

درمعجم البلدان آمده که ری زمان بهرام چنان آباد بوده ، بساغستان ری و اسپهان پیوسته بیکدیگر بوده «مقصود تهران وکرون اصفهان بوده ــ نگارنده» .

واصحاب تواریخ نوشته اند : بکرات آنشهر بقتل عام و زلزله ویران شده وباز عمارت یافته ، تازمان خلافت **ابوجعفر منصور دوانقی** عمارت براصل یافت وروز بروز درتعمیر وآبادانی میافزودند تاحادثه **چنگیز** بوقوع پیوست وکرت دیگر بقتل عام ویران گشت .

شیخ نجم الدین دام قدس سره درکتاب **مرصاد العباد** که ازتألیفات اوست نوشته : دراین فتنه ازشهرری که مولد ومنشاء این فقیراست هفتصد هزارمردم صاحب اعتبار بدرجه شهادت رسیدند، ولایت ری ابتدا نه بلوك بوده بدینموجب «غار» «فشاپویه» «بهنام» «سبورفرج» «خوار» «زرند» «اسفجان» «شمیران» «شهریار» و«ساوجبلاغ» .

ودر **نزهة القلوب** آمده که رودبارقصران ازتوابع ری بوده ودرعهد **غازان خان** تعلق بولایت رستمدار گرفته ودراین ایام چهار بلوك است: نخستین را **ری** اعتبار کرده اند ، باقی را علیحده ساخته اند . چنانچه !! بتقریبات احوال نوشته خواهد شد وحقتعالی آن مقدار خیر و برکت بدان ولایت ارزانی داشته که عقول و اوهام دروادی آن سرگـردانست چنانچه اکثر ضروریات قزوین کــه قرب چهل سال محل اقامت سلاطین صفویه بوده از آن ولایت بحصول

می‌پیوست وایضاًعلة وسامان مردم کاشان ازری بحصول می‌پیوندد واهل **رستمدار** و **ساوه** و **قم** نیزازآن‌شهرمنفعت بخش‌دارند وانواع میوه درآن‌دیارخوب وفراوان میشود، خصوص **خربزه** و **انگور** که هرقدر صفت کنندگنجایش دارد و همچنین **انار** ملیسی که رگی‌ازترشی بااوست و انجیر، **زردالو** و **امرود** که آنرا نطنزی‌نامند **وشفتالو** و **هلو** خوانند درغایت نزاکت‌وشادابی ورا ست مزگی بحصول‌می‌پیوندد که همه عزیزانرا نصیب شودکه دست ودهنی بیالایند ... وخوبی آن زیاده براقطار چون روشنی خورشید در نصف‌النهار از واضحات است واکثری ازفضلا و فصحا در توصیف‌آن جرسی جنبانیده . چنانچه ؟؟ امام خاقانیراست : پست عراق وری و خراسان ری است و ری .....

وچون سطری چند درصفت ری‌گفته شد بهری از مذمت نیز نوشته‌آید ، چو درهمه جا نیك وبد میباشد ، درفصل خزان‌که آغاز اختلاف آب وهوا وتوغان اطباست، مردم بنابررسوم عادت چندان ملاحظه نمینمایند وناهارمیوه بسیار بکارمیبرند لذا تب ولرزمینمایند واین تب و لرزشبانه روزی از دوسه ساعت زیاده نیست ، بعداز آن برخاسته هرچه خواهند میخورند و بهرجا میروند ، چومشهوراست : جمعی از دوستان بایکدیگر براهی میرفتند یکی را تب آمده از همکنان التماس کرد که شما ساعتی توقف نمائید تامن رفته بلرزم وبیایم ، درووقتی چنین **خاقانی** بدان دیار رسیده واز افراط میوه اورا عارضه دست داده وهرآینه این چند بیت انشاء نموده :

خاك سياه بسر سرآب و هوای ری
دور از مجاوران مکارم نمای ری

. . . .

عقرب نهند طالع آن من ندانم آن
دانم که عقرب تن من شد لقای ری

ازخاص وعام ری همه انصاف دیده‌ام
جورمن‌است زاب وگل جانگزای ری

. . . .

ری درقفای جان من افتاده من بجهد
جان میبرم چوسست اجل‌در قفای ری

دیدم سحرگهی ملك‌الموت راکه پای
بی‌کفش میگریخت ز دست وبای ری

گفتم تو نیز، گفت‌چوری دست‌کین‌گشاد
بویحیی ضعیف چه باشد بپای ری

در نزهةالقلوب ازروی طرفگی آورده‌که اصفهانی ورازیرا درباب خوبی‌شهر باهم مناظره افتاد هریك هنرشهرخویش عرض میکردند ، اصفهانی گفت خاك اصفهان مرده را تاچهل سال نریزاند، رازی‌گفت خاك ری مرده را چهل‌سال بردردکان در دادوستد بازدارد ودربیشتر کتب معلوم شدکه اهل ری همیشه مخالف یکدیگرباشند اما بسخا ورادی شهره ومنسوب بوده ، سخن ایشان راست وپسندیده باشد ، بدوستداری پیغمبر وخاندانش مبالغه تمام بکاربرند .

واصل شهرری درحادثه چنگیزخان چنانچه ؟؟گذشت نوعی خراب‌گردیدکه نقش آبادانی بالکلیه محو گشت و امروز در آن مملکت یکی **تهران** و دیگری **ورامین** است که ذکری خواهد شد :

طهران درزمان فرمانروائی شاه طهماسب صفوی بزینت باره وزیور بازار آرایش‌یافت وسمت شهریت پذیرفت والحال بحسب جداول وانهار واشجار سایه دار وباغات جنت آثار مستثنی ازیکدیگر شهر ودیاراست وبرشمال رؤیه‌اش‌کوهستانیست موسوم به **شمیران** که قطعه‌ایست ازقطعات جنان وهیچ مستشهدی درخوبی زیاده برآن نیست‌که درایام سابق این کوهستان

را شمع ایران میگفته اند ودر مضافاتش اقسام میوه نیك میشود، خصوصاً گیلاس که بانهایت خوبی و آفر و بیقیاس میباشد و همچنین کوهستانیست در دو فرسخی مشهور به **کن وسولقان** که آن نیز از بسیاری آب روان وکثرت درختان بامیوه‌های الوان غیرت بوستان جنان تواند بود ، وازفواکهش امرود شفتالو نوعی خوب میشود که هرکس را آرزوی آن میشود که چون زبان همیشه دردهان داشته باشد : ازاین قبیل خصوصیات بسیاردارد .

وباز **هفت اقلیم** جزوحالات عمادی شهریاری مینویسد : **شهریار** بلوکیست از بلوکات ری متضمن قراء معموره و آبادان و بحسب مرغزار و بساتین و باغات رجحان برباقی بلوکات دارد ودرافواه پاره مردم این عهد تهران راگاهی نکوهش میکنند :

تهران و آب سنك لج و باد شهریسار   مدحش مگو که خال رخ هفت دوزخ است

وجزوگزارش قاضی محمد مینگارد: ازسادات ورامین است قاضی عطاءاله برادر قاضی محمد وقاضی عبداله وقاضی سدید پسرانش و (امیررکن الدین) و (میرمحمد قاسم) و (قاضی عهدی) و (امیرعنایت اله) ازمتولیان حضرت عبدالعظیم بن عبداله بن علی بن حسن بن زیدبن حسن بن حسن بن علی امیرالمؤمنین(ع) بوده و(امیرعلیشاه) پسرش و(امیر نورای) متولی و(امیرظهیرالدین ابراهیم) متولی و(امیرمجدالدین اسمعیل) متولی و(شیخ شهاب الدین) متولی امامزاده ابوالحسن و(شیخ ابوالقاسم) پسرش و(آغا غیاث) حضرت بزرگوار عبدالعظیم (ع) در مقبره مشهد شجره در ری مدفون شده ودرآن مشهد حضرت امامزاده حمزه بن موسی الکاظم مدفون بوده که آنحضرت بزیارت وخواندن فاتحه تشریف میبرده وبعد درضلع غربی متصل بشمال زمین را میشکافند جسدصحیحی درآن محل یافتند وآنرا امروز قبه امامزاده طاهر بن طاهرمیخوانند واطراف امامزاده وصحن بزرك پنج صحن دیگرساختمان شده قبوربسیاری از بزرگان دین ودولت است که تذکرةالقبورش مجلدی بزرك میشود ازآنجمله قبر ابوالفتوح رازی ومرحوم حاج ملاعلی کنی وعلمای بزرك دیگر ومشایخ نامی ازسلاطین ناصرالدینشاه وازشعراقاآنی « استخوانهای کریمخان زند را رضاشاه» «پهلوی کبیر باین مکان مقدس انتقال داد مقبره مجللاو نیزدرهمین مکان است . عبدالحسین هژیر» «وسپهبد حاجیعلی رزم آرا از نخست وزیرانیکه بدست افراد متعصب وابسته بفدائیسان اسلام» «کشته شدند نیز درایوان باختری حضرت عبدالعظیم مدفونند ــ نگارنده» .

و **ورامین** زمان پیشین حاکم نشین بوده وقلعه درغایت حصانت داشته الحال بعدازتهران محلی درری ازآن شگرفتر نیست . وازمیوه‌جات !! انگورش برتمام ری رجحان دارد. ومضافات نیك چنانچه ! یکی ازآن مواضع **خاره** است که حاصلش قریب سه هزار تومان است و بیشتر ارتفاعات يك من صد من میشود .

وایضاً حسن آباد است که حاصل آن ازدوهزار متجاوز است وهمچنین چند موضع دارد که حاصل آن پانصد تومان است تاسیصد تومان .

و **دولاب** را نوشته قریه‌ایست ازاعمال ری متصل بتهران که الحال شهرری عبارت از آنست وازمشاهیرمردمش **ابوبشر** محمدبن احمدبن حماد انصاری و...

صاحب هفت اقلیم پس‌ازاین گزارشها نام مردانی هنرپیشه وبـزرك اندیشه شهرری را قریب پنجاه نفر اسم برده که برگزیدگان آنها عبارتند از:

صوفیه وعرفا(ابوذکریا یحیی بن معاذ) ازمحدثین (عبدالرحمن ابی حاتم حنظلی) ازمتبحرین

علوم و نوابغ (امام المتکلمین فخر رازی) از اساتید اطبا (محمد بن ذکریا) و از قضات (قاضی مسعود) و از علما (امیر تاج الدین حسن) و از عرفای ترانه سنج (شاه صفی الدین) از شعرا (غزایری و کمال الدین بنداد) (آشوب تهرانی) (خموش تهرانی) (صفای لواسانی) و... که جمع اسامی و شرح خلاصه احوال آنها مجلدی جداگانه میشود .

در دایرة المعارف **بستانی** مینویسد : ری شهری از بلاد دیلم وجزو عراق عجم و پنج کیلومتری تهران طرف جنوب شرقیست . ولادت **ابوبکر محمد بن ذکریا رازی طبیب و هرون الرشید** در آن سرزمین بوده . شهری مشهور از بزرگترین بلاد عجم که مورخین عرب نامش را برده اند وگفته اند مرکز بلاد جبل؛ از آنجا تا نیشابور یکصد وشصت فرسنگ وتا قزوین بیست وهفت ، وفرودگاه حاج خراسان وترک . وآنشهر را از بناهای **کیخسرو** پسر سیاوش گفته اند وسبب آنداستند : **کیکاوس** تخت روان هوائی درست کرد وسوار آن شده که در هوا بالا رفته بآسمان رود خداوند **بسادد** را بحکم اوگذارد تا اورا بفراز **ابر** رسانید ، بعد اورا در دریای مازندران فرود انداخت . وچون کیخسرو پادشاه شد آن تخت را آورد که بسا او ببابل رود همانا بجایگاه **ری** که رسید درآن سرزمین شهر ساخت ونامش **ری** نهاد .

و **عمرانی** گوید بانی ری فیروز بن یزدجرد بود ونامش را فیروزگذارد وپس از آن ری را ساخت و **رام فیروز** وری بگفته او دوشهر است .

یاقوت گوید رام فیروز را نشناسم ولی **ری** را دیدم شهر نیکو شگرف باآجر وکاشی کبود ساخته درفضائی گشاده وپهلوی آن کوهیست که هیچ گیاهی درآن نروید وری شهری بزرگ است ، بیشترش ویران شده ، اتفاقاً من بویرانه ها گذشتم سال ۶۱۷ که ازهجوم تاتار گریزان بودم دیوارها ویرانه هارا بپا دیدم ومنبرها باقیمانده ونقش ونگار دیوارها پدیدار، زیرا تازه ویران شده ، ازدانائی پرسیدم گفت : سبب ویرانی بس ضعیف بود ولی چون خداوند چیزی را بخواهد بانجام میرسد ، مردم شهر سه گروه بودند : **شافعیان** کمتر و **حنفیان** بیشتر و شیعه ، وآنان سواد اعظم ، زیرا نیمی ازمردم شیعه بودند وجنگها میسان سنی وشیعه ودشمنی بدرازا کشید وسنیان ازنامبردان کس باقی نگذاردند ، همانا که شیعه را برانداختند . دشمنی بین حنفیان وشافعیان افتاد وجنگها شد وباکمی مردم شافعیان چیره شدند تاحنفیان راکشتند وخانه هایشانرا ویران کردند وجز محله شافعیان باقی نمانده وآن کوچکترین محلات ری است . چنانچه؛ می بینی وازشیعه وحنفی کس نیست مگر مذهب خودرا پنهان دارد .

یاقوت گوید همه خانه ها دیدم زیرزمین ساخته ودالان خانه ها تاریک وباریک وبسختی آمد وشد میشد واین نظر به آمد وشد لشگریان تاراج کن ویغمائی بود واگرجزاینگونه خانه ها داشتند جنبنده به **ری** نمیگذاشتند .

و **اصطخری** گفته ری از اسپهان بزرگتر وجز **بغداد** درمشرق شهری بزرگتراز ری نیست وآن شهری مشبك ساختمان وباآبرو وگرامند وپرنعمت ، ویك فرسخ ونیم درازای آن وساختمانها باچوب وگل، وری را دهات بزرك است هریك بزرگتراز شهری ازآنجمله (کوهذ) و (سد) و(مرجبی) وازرستاقهای نامی آن هفده روستاست (قصرآن بیرون ودرون) و(بهزان) و(سن) و(پشویه) و(دنباوند) و(ویمه) و(شلمبه) .

و ابن کلیبی گفته ری بنام مـردی از بنی‌شیلان بن اسبهان بن فلوج ساخته شده ودرشهر بوستانی بوده دختروی به بستان آمده دید دراجی انجیرمیخورد ، دختر گفت «بورانجیر» یعنی دراج انجیر میخورد ، ازاینرو اسم شهرکهنه بورانجیر شد و مردم ری «بهورند» گویند بـه تغییرش از اصل .

وری سال بیست هجری یا ۱۹ بدست عروة بن زیدالخیل طائی گشوده شد که عمار یاسر بفرمان عمر اورا فرستاد . پس‌ازدوماه فتح نهاوند عروه آمده ومردم دیلم بمدد اهل‌ری آمده وجنگیدند ومسلمین ظفریافتند وآنانرا کشتند .

وگویند درخلافت منصور که مهدی به ری آمد ، ری تازه را ساخت وگردان خندقی کند و درآن مسجدی بنـا نمود بدست عمار بن ابی الخصیب و نام او را بر دیوار مسجد نگاشت ۱۵۸ وباروی فصیلی ازآجرگرد ری کشید که گرد بارو خندق بود ونام‌آنرا محمدیه گذارد ومردم ری شهر درونرا بنام ری خوانده وفصیل را شهر بیرون گفته وقلعه معروف بـه «زبیندی» دردرون ری بمحمدیه است ومهدی گفت آنرا تعمیر وترمیم کردند وزمان ولیعهدیش درمحمدیه فرودآمده وآن برمسجد ودارالاماره مشرف بود بعد محمدیه زندان‌شد وپس‌ازرفتن رافع ویرانش کردند وری را درزمان جاهلیه رازی میگفتند وگویند او بزمین فـرورفته و دوازده فرسنگی ری تازه بوده براه خوار میان محمدیه وهاشمیه‌ری ودرآن‌ساختمانهای استواری بپابوده که گواهی بربزرگی‌شهرمیداده وآنجانیز ویرانه‌ایست، ودرری قریه «فرخان» است وآن قلعه بزرك واستواریست ، ومال‌المقاطعه ری دوازده هزار هزاردرم بوده تا مأمون بآن‌گذشته مردم ری شکایت برده وهزارهزار درمش را بخشید .

و اصمعی گفته ری عروس جهانست وبازارگانی مردمان ویکی ازشهرهای نامی‌زمان عبیداله زیاد برای عمر بن سعد ابی وقـاص حکومت‌آنجارا واگذارد بشرطیکه بالشکر آماده برود بجنك حضرت سیدالشهدا امام‌حسین علیه‌السلام . عمرتردید رأی داشت ولی بالاخره حب دنیا وریاست براوچیره شد تابالشکر بجنك امام رفت .

و از امام جعفر صادق (ع) روایت است کـه فرموده ری و قزوین وساوه ملعونه وشوم هستند .

و اسحق بن سلیمان‌گوید شهری را ندیدم‌که پست فطرتان را مانند ری بزرك بنماید . در اخبار پارسیانست هوشنك که مهلائیل بن قینان باشد ونخست سازنده شهرها ، ازآنجمله ری را بساخت وری اولین شهریست که پس‌ازشهر بلخ کیومـرس در دماوند ساخته شده و در ری بگفتاری منوچهر زائیده شده و اشك بن اشکان که با انیتوخوس جنگید دراین شهر نشو ونما یافت ومردی از دیلم بشاهی بهرام بن یزدجرد اثیم برآنجا تاخت ، مردمش را اسیر و شهررا ویران ساخت وبتاراجش پرداخت و قبـاد پادشاه‌پارس درآنجا ازبرابرشمرذالجناح گریخت وشمر اورا دریافت وخونش بریخت ولی بیشتر برآنند که قباد خود مرده .

سال ۲۲ نعیم بن مقرن بفرمان عمر «در واجرد» بجنك مردم ری رفته وجنگیدند و لشکریان را شکسته روبشهر ری‌گذاردند ، زینبی پدر فرخان ازری بیرون‌آمده وبانعیم دیدار

کرده وطالب صلح ومسالمت شده وبا **سیاوخش بن مهران** بهرام‌چوبین پادشاه ری اظهار مخالفت نموده. سیاوخش ازمردم دماوند وتبرستان وقومس‌وجرجان مدد خواسته وآنان ازترس تجاوزمسلمین بکمك او آمدند ودربالای کوهستان‌ری پهلوی شهرسپاه‌آراسته بنای جنك گذاردند، زینبی بنعیم‌گفت شمار ایشان بسیار وشمار شما کم است یکدسته سوار بامن بفرست تامن بشهر ری روم وازسمتی که ملتفت نشوند وتوباآنهاشروع بجنك‌کن‌آنگاه ما ازآنطرف برا برایشان برویم، ایشان برابر تو پایداری نکرده میگریزند، نعیم چنین‌کرد ودسته‌ای سوار بسرداری برادرزاده‌اش منذربن عمرو فرستاد، زینبی سواران را بشهر برده وسیاوخشان ملتفت نشده، نعیم بآن شبیخون زد، آنانرا ازحفظ شهرستان بازداشت وآنها جنك میکردند وپادار بجنك بودند تاآنگاه که آوازتکبیر مسلمین را ازپشت سرخود شنیدند، ناچارگریختند واعراب کشتار زیادی‌کرده‌که مقتولین را باچوب نی میشمردند ودرری باندازه مداین غنائم بهره مسلمین شد، وزینبی مصالحه نمودکه مرزبانی‌ری باا وباشد وهمی‌شرف ری درخانواده زینبی بود ونعیم‌شهر را خراب‌کرد وآن ری‌کهنه است و زینبی بنای ری تــازه‌گذارد، نعیم بوسیله مضارب عجلی فتحنامه باخمس اموال نزد عمر فرستاد وبا **مصمغان** مصالحه‌کرد بچیزیکه فدیه بدهد بـرای مردم دماوند، نعیم پذیرفت.

وگفته‌اند درسال ۲۱ فتح ری بدست **قرظة بن کعب** هجری شد ودرخـلافت حضرت امیر تولیت ری بایزیدبن بحیه تمیمی شد واو سی‌هزار از خـراج ری بشکست وحضرت بحبس تأدیبش فرمود ویزید ازمحبس‌گریخته نزد معویه رفته وبسلطنت او بازحاکم ری شد وبعد در حوزه امارت **زیاد** آمد.

ودرسال ٦٤ مردم ری پس‌ازمرك یزید خروج کرده وسردارشان **فرخ خان رازی** بود وامیرالعراقین‌کوفه عامربن مسعود محمدبن‌عمربن‌**عطارد**دیلمی‌را بجنك فرخ خان فرستاد، مردم ری اوراگریزاندند. سپس **عتاب‌بن ورقا ریاحی**را نامزد جنك ری‌کرده وکشتار فزون گشته و فرخ خان کشته ویارانش گریختند و درسنه ٦۸ **مصعب‌بن زبیر**فرمان بـه **عتـاب‌بن ورقا** والی اصفهان داده‌که به ری رود وبامردم ری بجنگد بگناه مساعدتشان بـا خوارج بریزیدبن‌الحارث وجادادن خوارج را درری وعتاب رفته وآنانرا بحصار سخت‌گرفته تاقلعه راگشوده وغنیمت فزون آورده ودیگر قلاع اطراف را نیز فتح نموده.

خلاصه آنکه پس‌ازیزید فرخ خان رازی آغاز خلافت نهاد وعامر والی ازکوفه نخست محمدتمیمی را بالشگری فرستاد واو بشکست وبعد عتاب‌بن ورقا روانه شد وفرخ خان را بکشت ودرامان مصعب خوارج به ری گریختند مردم ری یاری آنها نموده یزید شیبانی والی خودرا بکشتند ومصعب حاکم اصفهان را مأمور فتح ری نمود تـا ری را بگشود، وعبدالملك اموی عبدالرحمن اشعثی را تولیت داد و **حجـاج** که امیرالعراقین‌شد عدی‌بن‌زیاد را بحکومت فرستاد ودرفتنه عبدالرحمن اشعثی عمربن ابی‌صلت بری غالب شد وقبته از جانب حجاج اورا هزیمت داد وبعدازحجاج درامارت یزیدبن‌مهلب آمد.

ودرسال ۲٤۱ زلزله سختی به ری رسیدکه خانه‌ها ویران شد وگروهی بیشمار بزیرخاك مرده وچهل روزمردم برآنهاگذشتند.

درسال ۲٤۹ زلزله دیگر برگشته وساختمانهای باقیمانده ویران‌گشته مردم فزون هلاك

کشته وبقیه برون شهر گریختند وسال ۲۸۰ آب زمین چنان فرورفت که هیچ آبی نمایان نبود ویك رطل آب بسه درم بهاء رسید وخواربار بسی گران شد وپس از آن زلزله آمد.

ودر ۳۱٤ ری جزو فرمانگذاری آل سامان آمد ودیالمه از آنها گرفتند وبه آل بویه سرانجام رسید و **ابوعلی محتاج** بر آن چیره شد و **وشمگیر بن زیاد** از او گرفت بعد **رکن‌الدوله بویهی** در ۳۳۰ از او بستد. سپس در ۳۳۳ **ابوعلی** بدان تسلط یافت وهمی دست بدست سرداران ترك ودیلم چندسالی میگشت ودر ۳۳۵ گروهی خراسانیان ریختند وخانه جرجیف وابن‌العمید وزیر رکن‌الدوله را بتاراج بردند، ورکن‌الدوله آمده و خراسانیان اورا گریزانیدند. سپس جنك تازه شد ولشکریان رکن‌الدوله حمله مردانه کرده خراسانیان را شکسته وبسیاری از آنانرا کشته واسیر گرفته وپراکنده شدند ودر ۴۲۰ **محمود غزنوی** سبکتکین آمد آنجارا گرفت وهزارهزاردینار زر وبهای پانصد هزاردینار گوهر وششصد هزار تخت جامه و اسباب فزون گرانمایه بستد. واین گواهی برتوانگری بسیار مردم آنشهر میدهد وآنچه دیدم دولت وسلطنتی نبوده ازدول سامانی وبویهی و ترکمانی ودیلمانی ودیگران جز آنکه چشم داشت مهمشان به ری بوده و مورد جنگهای بزرك میان سرداران وشاهان شده ودر آنحال **مجدالدوله بویهی** (۱) شاه ری بود سبکتکین محمود اورا بیرون کرد وملك بستد، واز

---

۱ ــ ملك ترکان حرم فخرالدوله دیلمی ومادر مجدالدوله زنی کاردان وسیاستمدار بود، چون شوهرش ابوالحسن فخرالدوله درگذشت پسرش مجدالدوله هنوز خردسال بود ازاینرو خود ملك ترکان زمام حکومت را بدست گرفته بانهایت اقتدار برتق وفتق امور پرداخت. همینکه خبروفات فخرالدوله بسلطان محمودغزنوی رسید ایلچی نزدملك ترکان فرستاد خزائن وذخایر اورا بازطلبید، ملك ترکان نامهٔ بسلطان محمود نوشت بدین مضمون :

«اگر فخرالدوله مرده بازماندگانش هستند و مایملك او متعلق است باطفال صغیر او»
«والبته شهریاری چون شما درمال یتیم تصرف نخواهیدکرد مادام که شوهرمن زنده بود از»
«سطوت شما اندیشه داشتم. ولی امروز اندیشه ندارم زیرا اگر خدای ناخواسته هوای تصرف»
«درمال صغار اوکنید من برحسب ادای تکلیف مقاومت خواهم کرد، هرگاه مغلوب شدم ننك»
«شماست وفخرمن، اگرهم غالب شدم بازهم فخرمن وننك شما، چه درصورت اول همه گویند»
«سلطان محمود بازنی پنجه زده و اورا مغلوب کرده ودرصورت ثانی گویند : اززنی شکست»
«خورده و گرد این ننك تارستخیز بردامن شما خواهد ماند والسلام. خواهی بسرم بتاز،»
«خواهی بنواز».

چون نامه سلطان محمود رسید بی‌اندازه درشگفت شد وبدانش وکیاست وحسن سیاست آن زن آفرین گفت وسالهای فراوان که سلطان محمود بفتح هندوستان وسایر بلاد اشتغال داشت ملك ترکان فارغبال بتمشیت امورمشغول بود، شمس‌الدوله را بحکومت همدان فرستاد، اصفهان وری زیرنظرخودش بود، تامجدالدوله بسن رشد رسید، آنوقت زمام امورسلطنت رابدستش داد وتاجگذاری مفصلی نمود، ولی توقع داشت مجدالدوله درامورسلطنتی بامادرمشورت کند واو چنین نکرد وبوعلی‌راکه بافخرالدوله مخالفت مینمود بوزارت تعیین نمود لذا ملکه ترکان رنجیده خاطر بقلعه **طبرك** اصفهان رفت و ازآنجا بکردستان شتافت و **بدر بن حسنویه** ازاو استقبال کرد ولشکری بملك ترکان داده جنك مادر وپسر آغاز وملك ترکان برپسر چیره *

شیعیان بسیاری را بکشت ومعتزله را ازخراسان براند وکتب فلسفه ومذهب اعتزال ونجوم را بسوخت وازدیگر کتب یکصد بارشتر ببرد وترکمان غز پس‌ازاو آمدند به ری وطغرل سلجوقی سال ٤٣٤ برآنجا فرمانگذارشد وهمی بدست سلجوقیان بود . درسال ٥٧١ بازهم زلزله شدیدی روح داد و بسیاری ساختمانهـا ویران و مردم هـلاك شدند و درسال ٥٨٨ جـزو سلطنت **خوارزمشاهیان** گشت ، که علاءالدین تکش از طغرل بن ارسلان بن طغرل بن محمد بن ملکشاه سلجوقی بگرفت ، اورا بکشت ولشگری بپاسداری آنجـا گذاشت . پس‌ازآنکه تاتار بکشتار و تاراج بلاد اسلامی آمدند ، درآغازقرن هفتم هجری ازهمه شهرها بیشتر دچارقتل‌عام وویرانی وتاراج شدکه درهجوم مغول نوشته شده ، و آنروز همی بپستی پیش‌آمد تاکنون کـه شهری بی‌اهمیت‌است ازشهرهای دیلم ، ازآن پنبه بسیار بعراق میآوردند، ومنسوب به ری را رازی گویند ، ازآنشهر گروه بسیاری ازاعیان برون آمدند ، قبرکسائی نحوی و قبر محمد بن الحسن ازائمه فقه ودیگرمشاهیر درآنجاست نام‌این‌شهر **راجیس** بوده .

آقای جابری انصاری درکتاب اصفهان وری نیزنوشته‌اند: ازآثار باستانی شهر پرجمعیت ری هیچ برجا نمانده ، جزچند بقعه متبرکه ومقبره علی‌بن بابویه قمی‌که محوطه وساختمان‌آن بهمت صفویه وشاهان بعدشده وگرنه ازدیالمه وسلاجقه آثار مهمی پدید نیست وبرج طغـرل سلجوقی آنهم نظربدشمنی مغول بـاخوارزمشاهیان این برج را نگذاردند دردولت خود ویران شودکه دشمن دشمن را دوست داشتند چه تکش خوارزمشاه طغرل راکشته بود .

لردکرزن درکتاب خود بنام جهانگردی درایران ری را اینطور تعـریف میکند : میان تهران وشاه عبدالعظیم خرابه های **ری** دیده میشود ، آیا این خرابه ها باقیمانده شهر ری عربها و راجیس هخامنشی‌هـا واشکانیان است ؟ من نمیدانم در «وندیدا» نام دومحل بنـام «راجیس» و«دازنا» ذکرشده که شاید همان **ری و ورامین** کنونی باشد . شهر **راجیس** که بـا **نینوا و بـابل** آنروز همسری داشته و معـاصرهم بوده بیش‌از یك میلیون جمعیت داشته است . درکتیبه های بیستون میخوانیم **داریوش‌هخامنشی یاغیان ماد رادرشهر راجیس دستگیر نمود** وازهمین شهر **اسکندرکبیر ، دارای کدمانرا** تعقیب کرد .

سلوکـوس مؤسس سلسله سلوکید ها راجیس را ازنو ساخت ودرسال ٢٥٠٠ قبل‌از میلاد پایتخت اشك اول گردید . اما آن شهرری‌که منسوب بعربهاست در زمان مغول ویـران گردید . مورخین ایران وعرب راجع بآبادی وعظمت این شهر چیزهائی نوشته‌اند کـه قابل تردید میباشد ، مثلا یك نویسنده ایرانی که خودهم اهل ری بوده دراثر تعصب وطن‌خواهی چنین میگوید :

---

* شد ومجدالدوله را دربند نهاد وزمام اموررا بدست خودگرفت ولی مهر مادری موجب شد که مجدداً فرزند خودرا برتخت سلطنت نشاند وتااو زنده بود سلطنت مجدالدوله آبـروئی داشت . پس‌ازمرك آن شیرزن هرج ومرج درعراق پدید شد وبهانه بدست سلطان محمودآمد لشگر بعراق کشید مجدالدوله وپسرش را دستگیر وبغزنین فرستاد زندانی ساخت واقتداردیالمه بپایان رسید وفرزند شیرخواری از مجدالدوله دراصفهان باقی مـاند (ابی‌جعفر علاءالدوله) کـه اوهم بعدهـا بحکومت رسید و اولاد نـواده او نیز همیشه در مقام فرمـاندهی و استانداری بوده‌اند .

«درری ۹۶ برزن بوده وهربرزن ۴۶ کوی و هرکوی ۴۰ هزارخانه ، هزار مسجد»
«وهرمسجد هزار چراغ و قندیل طلا ونقره داشته‌است ومجموع نفوس شهرری وتوابع آن»
«۸۰۰۰۳۹۶ نفر میرسد».

هرون‌الرشید درشهرری بدنیا آمده و **محمود غزنوی** درسال ۱۰۲۷ میلادی برابر ۴۱۸ هجری آخرین فرمانروای **آل‌بویه** را درشهرری منقرض نمود ، **سلجوقیان** مدتی درری اقامت داشتند ، طغرل سلجوقی در ری بخاك رفت ، درسال ۶۱۸ هجری بنابقول مشهور لشگریان چنگیز هفتصد هزار نفر ازاهالی نسامدار ری را کشتند . وچندی بعداز او **امیرتیمور** بازماندهارا ازدم تیغ بیدریغ گذراند . عجب آنکه **شاهرخ** و نواده او **خلیل‌سلطان** از اولاد تیمور مدتی درری اقامت نمودند . خلیل‌سلطان آخرین پادشاه تیموری در همین شهر بخاك رفته و برای عشق وعلاقه به « دلشادالملك » یك امپراطوری پهناوری را برباد داد .

سرپرترارکر S · PERTER · ARKER درزمان فتحعلیشاه خرابه های ری را دیده نقشه جامعی ازآن ترسیم نموده بود ولی اکنون آن نقشه باخرابه‌ها تطبیق نمیکند، زیرابیشتر دیوارها وبناهای پابرجا فروریخته است ، مردم تهران هروقت‌که محتاج مصالح بنائی‌میشوند باکمال بی‌انصافی بیل وکلنك برداشته سروقت این بناهای تاریخی میروند وگذشته ازآجر و سنك جهة پیداکردن سکه ها وظرفهای سفالین‌هم کنده‌کاری میکنند ، البته تاکنون حفاری علمی درشهرری اجرا نگردیده واگربشود ممکن است آثار نفیس مهمی پیدا شود .

اما درخرابه های شهرری یك برج بلند توخالی بارتفاع ۷۰ و بحجم ۱۲۰ پا مسانند منار بسطام وگرگان موجود است ، بالای برج چیزهائی بخط‌کوفی نوشته بودند کـه اکنون خوانده نمیشود ، درمشرق این برج درکنارکوه برج خرابه دیگریست کـه آنهم فروریخته و کتیبه های خط‌کوفی‌آن بزحمت خوانده میشود .

برج اولی‌را آرامگاه طغرل یامقبره سلطان‌خلیل میدانند ومیان تهرانیهابه **نقاره خانه یـزید** یا برج یزید شهرت دارد .

درنزدیکی چشمه علی(۱) مجاور خرابه های ری روی‌کوه شکل یك اسب سواری را با نیزه حجاری‌کرده‌اند وممکن‌است مربوط **ساسانی** باشد ، ولی چون پهلوی آن شکل‌فتحعلیشاه را حجاری نموده‌اند شکل آن اسب‌سوار بخوبی معلوم نیست .

فتحعلیشاه دراینجا نیزه بدست گرفته و برسینه شیری فسرومیکند ، قدری دورتر بازهم فتحعلیشاه را روی تخت حجاری‌کرده‌اند ومطابق معمول پسرانش‌اطرافش ایستاده وبالای‌سرش شکارچیان وچترداران قرار دارند .

---

۱ ــ مرآت‌البلدان درصفحه ۲۳۹ جلد۴ مینویسد «چشمه علی ری ، آب این چشمه»
«اززیر سنك صلب خارائی‌که درطرف شمال شهرقدیم ری واقع‌بود خارج شده بجانب‌جنوب»
«جاری میگردد. بنابرتحقیقات واطلاعات‌نگارنده قلعه ری بندی‌که خلیفه مهدی‌عباسی بنانمود»
«بالای همین‌چشمه وروی تخته سنك بوده چنانکه حالاآثارآن باقی ونموداراست . نیزاحتمال»
«میرود قلعه طبرك (پاورقی‌صفحه ۹ را نگاه‌کنید ـ نگارنده) همین قلعه ری بندی بوده باشد»
«وسایرین آنرا باین اسم موسوم ساخته باشند. وچون درلغت فرس طبر بمعنی‌کوه‌است »

برج گبرها یا قلعه خاموشان مانند برج ببی در نزدیکی چشمه علی و خرابه‌های ری واقعست ، گبرهای ایران مرده های خودرا دراین برج افکنده ، بازان و لاشخورها میهمانی میکنند .

«فعلا زرتشتی ها مرده‌گان خودرا درقصر فیروزه بخاك میسپارند ـ نگارنده» درپنجاه میلی جنوب شرقی پایتخت قصبه **ورامین** واقعست، موقعی ورامین پایتخت ومرکزایران بوده وهم‌اکنون مسجد سلطان ابوسعید فرزند سلطان محمد خدابنده درورامین است .

قلعه‌ایرج بمساحت ۱۸۰۰ متر در ۱۵۰۰ متر بسارتفاع ۲۰ متری آتشکده واقع در آسیاباد بارتفاع ۲۰۰ پا وبدرازای ۳۵۰ پا وپهنی ۳۰۰ پا ازآثارقدیمی ورامین میباشد .

کتاب دهات‌کشور منتشره ازطرف اداره کل‌آمار **ری** را اینطورتعریف میکند: اسم شهر درقرن ششم پیش‌ازمیلاد درکتیبه های داریوش‌کبیر ذکر شده وبمناسبت قدمت بنای‌آن معروف **بشیخ‌البلاد** بوده وچنانکه بلخ را ام‌البلاد میگفتند . ری در قرن اول هجری بتصرف مسلمین درآمد ، ودرقرن سوم هجری هنوز شهر بزرگی بوده‌است وبسه قسمت تقسیم میشده : یکی **شهرستان** دیگری **بازار** سومی **قلعه** .

بین ارك وشهرستان مسجدجامع شهرکه بمسجد جامع مهدی مشهوربوده‌است ساخته‌شده وارك را دربالای‌کوهی بطورجداگانه بنا نموده بودند ، بقسمی‌که تمام شهر ازمحل ارك دیده میشده‌است . طول و عرض شهر **ری** را درآن تاریخ یك فرسخ ونیم نوشته‌اند ، ولی بعداً بتدریج اهالی قسمت شهرستان وقلعه را ترك وباطراف بازار که محل داد وستد بوده روی آورده‌اند وچون رودی از بازار میگذشته ، بازار را **روده** نیزمینامیدند درقرن چهارم شهر ری مورد هجوم طوایف غز واقع وخرابی یافت ولی دردوره سلجوقیان مرمت‌گردید . طغرل سلجوقی درری مدفون است ومدفن او دروسط باغی در ابن‌وابیه دربرجی‌که بنام برج طغرل است میباشد ، ولی بعضی مورخین آنرا مقبره **فخرالدوله** دیلمی‌هم دانسته‌اند . «گویا فخرالدوله راهم پهلوی‌گور طغرل سلجوقی بخاك سپرده باشند ـ نگارنده» برج طغرل‌که اخیراً تعمیرشده تااندازه‌ای تغییرشکل یافته .

خرابی عمده شهرری درسال ۶۱۷ هجری ودراثرحمله مغول بوده‌که بیشتراهالی‌را قتل‌عام وساختمانهارا خراب نمودند .

وقبل‌ازحمله مغول‌هم بواسطه‌اختلافات‌مذهبی‌ونزاعهای‌اهالی قسمتی‌ازشهرخراب‌شده بودو

«* چنانکه طبرستان بمعنی کوهستانست.وطبرك باکاف‌که درفارسی‌علامت تصغیراست بمعنی‌کوه»
«کوچك است واین قلعه برروی‌کوه‌کوچك واقع شده ... بعضی‌گویند منوچهر این قلعه را»
«بناکرده وبرخی قلعه طبرك را زبیده نوشته‌اند ... خاقان خلدآشیان فتحعلیشاه طاب ثراه»
«که اغلب بچشمه‌علی بتفرج میرفتند درسال ۱۲۴۸ حکم‌فرمودند دربالای چشمه‌علی صفحه را»
«هموارکرده وبرروی سنك تمثال این پادشاه ذیجاه بابعضی ازشاهزادگان منقور سازند ...»
«ابن حوقل اسم چشمه علی را **سورنبی** نوشته بقعه ابن‌بابویه درنزدیکی‌چشمه علی میباشد»
«همچنین مقبره صفائیه‌که سه سال قبل بجهة مضجع مرحوم حاج میرزاصفا که ازاجله مشایخ»
«عرفا وارباب دانش بوده درتهران برحمت ایزدی پیوست جناب اشرف امجد مشیرالدوله»
«بنا نموده‌اند درحوالی چشمه علی است» .

بعقیده استاد **بارتولد** جغرافیادان معروف بین اهالی‌شهرری نه تنها ازلحاظ مذهبی بلکه ازجهات مادی واقتصادی اغلب اختلاف بوده ومخصوصاً اختلاف بین اهالی‌شهر وسکنه اطراف اغلب منجر بکشتارهای زیاد وخرابی شهرشده وحمله مغول‌هم مزید برعلت‌گردیده‌است ، بعداز مغول این‌شهر دیگرباهمیت سابق خود نرسیده وحکومت ری ارثی یکی ازخانهای مغول بوده ودرزمان غازان خان قسمتی از خرابیهای آن ترمیم شده ودرشمال شهر دردامنه کوه قلعه‌ای ساخته شده‌که آنرا **طبرك** مینامیدند وتاقرن هفتم این قلعه باقی بود .

پس‌ازمغول ری ضمیمه ایالات شمالی‌گردید و درزمان حمله امیرتیمور گورکانی چون از طرف اهالی ری مقاومتی ابرازنشد ناحیه ری نسبتاً ازخرابی مصون ماند .

آثار خرابه های ارك شهرکه بررروی تخته سنگی بطورسراشیب ساخته شده بود ودر زمان مغول خراب‌گردید هنوزباقیست ، ودرپای‌کوه آثارخرابه های دیگریست‌که ظاهراً همان قلعه **طبرك** باشدکه سابقاً درکوه معروف به سرسره تصویر یکی ازپادشاهان ساسانی در حالیکه سواربراسب بوده ونیزه دردست داشته ولی‌متأسفانه درزمان فتحعلیشاه آن تصویررا محوکرده‌اند وصورت فتحعلیشاه راکه شیری را بانیزه میزند باطرز زننده‌ای نقش‌کرده‌اند .

علت عمده ازبین‌رفتن خرابه های شهرری بناهای جدید است زیرا مصالح ابنیه مخروبه سابق را بمصرف ساختمانهای جدید رسانیده‌اند ، در خرابه های ری درسنوات اخیر ازنظر بدست آوردن اشیاء عتیقه وظروف نفیس ازطرف یهودیها حفریاتی‌شده واغلب آثارموجوده را نیزخراب‌کرده‌اند . بدیهی‌است چنانچه بطریق علمی حفریاتی‌دراین‌محل‌بشود تردیدی نیست که آثاری بدست خواهندآوردکه ازلحاظ روشن‌نمودن قسمتهای تاریك‌تاریخ این‌سرزمین اهمیت بسزائی خواهد داشت .

فرهنك جغرافیائی ایران درباره **ری** مینویسد : ری نام قدیم شاهزاده عبدالعظیم مرکز بخش‌ری تابع شهرستان تهران . ۸کیلومترجنوب تهران سرراه تهران قم . موقعیت طبیعی : جلگه ، هوا معتدل ، سکنه ۱۲۲۱۹ شیعه ، فارسی ، آب ازچند رشته قنات ..... آرامگاه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی ... نه فقط درکشور ایران بلکه دراقطارگیتی غیرازمقبره ناپلئون نظیری ندارد .

آثارقدیمه شهرری مطابق خلاصه اطلاعات باستانشناسی بشرح زیراست :

۱ ـ برج طغرل ، تاریخ بنا ۵۳٤ هجری وتاریخ درچوبی وقفل آهنی۵۳٤ هجری است ، درزمان ناصرالدینشاه‌که روبویرانی بود تعمیرشده‌است .

۲ ـ مرکزشهرسلجوقیان (حدود حسین‌آباد ـ منصورآباد ـ حاجی آباد فعلی شهرری) عهد سلجوقیان‌که درفتنه مغول ویران شده‌است . **مستر اشمیت** باستان‌شناس مشهوربنمایندگی موزه هنرهای شهربوستون درسالهای ۳۱۳ ـ ۱۳۱٤ دراین نقاط کاوشهای علمی‌نموده‌است .

۳ ـ مزار بی‌بی‌شهربانو روی قله نقارخانه .

٤ ـ مقابری اززمان سلجوقیان درروی‌کوه نقارخانه‌که درکاوشها بدست‌آمده .

۵ ـ تپه چشمه علی وقلعه ازآثار ابنیه قدیمی ازقدیم ترین آثار تاریخی است بدست مغولها منهدم شده .

بطورخلاصه شهرستان **ری** درزمان خلافت عمردرسنه۱۹ بدست **عمربن زیدالخیل طائی** که بسرکردگی هشت نفرمردانی‌که شهادت را سعادت میدانستند فتح شد و تاسقوط

بنی امیه یعنی آغاز قیام ابومسلم خراسانی تابع خلفای راشدین یا سلاطین بنی امیه بوده است (۱۳۰ هجری) و از آن تاریخ ببعد بعلت اهمیت موقعیت و استعداد آبادی و مرکزیت تمدن ایرانیان بعد از اسلام، همیشه دستخوش قتل و غارت و ویرانی امرا و کسانیکه داعیه سلطنت داشته‌اند بوده و دو مرتبه هم براثر زلزله بشدت خراب و ویران شده است .

المهدی بالله ، هارون‌الرشید و مأمون خلفای عباسی چندی در این شهر متوقف و بر آبادی بعد ویرانی آن همت گماشتند .

جنك طاهر بن حسین باعلی بن عیسی ماهان سرکرده ارتش امین برادر مأمون در اطراف این شهر بوقوع پیوست .

همچنین جنك بین محمد بن جعفر علوی نماینده حسن بن زید و محمد بن طاهر نیز در این شهر بوقوع پیوست، و مجدداً سران زیدیه به ری هجوم آورده ابن میکائیل نماینده خلیفه را کشتند و روز عید فطر نماز خوانده و مردم را برای بیعت باحضرت رضا(ع) دعوت نمودند .

آبادیهای مهم شهر ری بدین شرح بوده است

۱ ــ خوار	۲ ــ قار (غار)	۳ ــ دماوند (دنباوند)	٤ ــ دولاب
٥ ــ ورامین	٦ ــ بیست	۷ ــ دسبی	۸ ــ رنبویه
۹ ــ زویق	۱۰ ــ کلین	۱۱ ــ مشکاوین	۱۲ ــ مهرقان
۱۳ ــ وهبن	۱٤ ــ محمدیه (نام جدید ری بوده) .		

از این چهارده قریه فقط قراء از ۱ تاه درسال ۲٦۱ که پیدایش نام **تهران** بوده وجود داشته‌اند .

و آبادیهائیکه هنگام پیدایش قریه تهران جزو شهرستان ری و آباد ومعمور بوده‌اند :

۱ ــ **اذون** که جزو قصران بوده	۲ ــ اسفندون	۳ ــ اشنان	٤ ــ بهزان
٥ ــ جراذین	٦ ــ خرماباد	۷ ــ خومین	۸ ــ دزاه	۹ ــ دهك
۱۰ ــ دوربست (درشت یا طرشت)	۱۱ ــ سن	۱۲ ــ طبرك	۱۳ - قصران
۱٤ ــ کرج	۱٥ ــ نرمق	۱٦ ــ هسنجان	۱۷ ــ یزدآباد	۱۸- ورامین

ولی تدریجاً کلیه آنها براثر حوادث وقحط وغلا و بیماریهای ساری و ناامنی ومهاجرت مردم آن بجز خومین ، دوربست ، کرج وورامین از بین رفته یا اهمیتی نداشته‌اند .

ولی پس از حمله مغول واستقرار حکومت اولاد چنگیز در ایران قراء دیگری در اطـراف ری ازنو ایجاد شد مـانند : جاتیج - جاجرود - حبلورد ، شکراب ، ساوجبلاغ ، طـالقان ، فیروزکوه ، سولقان ، کن ، لورا ، شهرستانك ، لار ، لواسان وونك . بنابراین تهران ازسال ۲٦۱ تا ٦۱۷ (حمله مغول) همدوش آبادیهای مهم مانند **دولاب** ، **خوار** و **ورامین** طوری آباد و مرکزیت داشته که حمله مغول هم نتوانسته آنرا نابود سازد ولی ترقی و تنزل شهر ری در او مؤثر بوده .

اما حمله چنگیز که **ری** را ریشه کن و از بیخ و بن بـرانداخت تدریجاً **تهـــران** رو بترقی رفت .

بخش دوم - تهران

هنگامیکه ری برحسب حوادث طبیعی مانند زلزله و بیماریهای ساری همچنین وقایع جنگها واختلافات رو بسقوط وزوال میرفت قریه تهران (طهران) قوس صعودیرا طی مینمود .

بستانی درلغت تهران مینویسد : پایتخت ایران است و ازدریای مازندران تاآنشهر بطرف جنوب هفتاد میل مسافت دارد (گویا بطورمستقیم محاسبه شده است ـ نگارنده) وتااصفهان پایتخت کهنه ۲۱۰ میل مسافت ، کـه شمال اصفهان افتاده در ۴۲ ـ ۳۵ و ۵۰ ـ ۲۰ ـ ۵۱ طول شرقی ، وشمارش مردمش ۲۱۰ هزارند ، درزمستان که همه مردم داخل شهرند وسال بسال همی بفزونیست که پانزده سال پیش نصف این جمعیت را نداشت وآنشهر درصحرای ریگستانیست که ازطرف شمال وشرقش کوههاست وشهرهای طرف غربی آن همه پرنعمت که مـردمش زراعت آن بلاد را خوب مینمایند ، هوای تهران خوب نیست ، تابستانش گرم که شاه ودولت مردمانش درتابستان یابکوههای نزدیك میروند ، یا درزمینهای بلند مجـاورشاهی (منظور داودیه وقصر قاجار است ـ نگارنده) و شمرن چادر میزنند ، شکل تهران مربع بی انتظامیست ، درازای هر ضلعش یك میل یا بیشتر و دایـره محیطش را پنج میل گفته اند ، گرد آن باروی گلی پهناوری و خندقی بی آب است و ازباروی آن گوشه هائی بشکل نیمدایره برآمده و دروازه ها داردکـه پاسبانها گذارده اند ، غروب آفتاب منظره تهران ازبیرون نیك زیبا مینماید ولی کوچه ها تنك است و بی نظم ودرتهران بناهای نیکو ازمساجد ومدارس وکاروانسراها وخانه های بزرگان ایران نمایشی دارد ومخازن امتعه اش بسیار، اما دیگرساختمانهای کوچك وخشت وگل ، ولی کاخ شاهی بزرك بافضای گشاده وایوانهای بدیعه وادارات حکومتی وپاسبانان عمارات سلطنتی بـاطرافش باسیاری ازحمامها وبوستانها وکاخ شاهی خود قلعه ای محفوظ است با باروی شمالی ودرجوار شهر قصردیگریست ازشاه که برمحل بلندیست (قصرقاجار را فتحعلیشاه روی تپه منفردی ساخته بود ـ نگارنده) واطراف شهر گشاده وآبادان وباغات ودهات وخانات دارد . سیم تلگراف از تهران تاحدود ترکیه وقوقاس کشیده شده و درتهران کارخانه های آهن گدازی وغـیره هست و پیشین زمین اهمیتی نداشته تاآقامحمد خان آنجارا پایتخت عجم کرد . سال ۱۲۱۰ هجری و ۱۷۹۶ میلادی، وبازارهای نیکو وکاروانسراها بنا شد وکریمخان زندهم پیش ازاو آنجارا شهرت داده بود پس ازآنکه درهجوم افغان ویران شده . ساختمانهای تازه درآنجا طرح انداخت

ودرکتب عرب است که **طهران** یك دهی ازدهات **ری** بوده وآثار ویرانهـای شهرری تاپانزده میلی تهران است ودرقرون سیزدهم میلادی یك دیه کوچکی شده بود که مردمش درخانه های زیرزمینی برای پاس خود ازدشمن جا گرفته بودند وهمی پیش افتاد وبزرك شد و سزاوار نـام شهریت گردید .

درقرن شانزدهم میلادی وسال ۹۶۱ هجری شاه طهماسب باروئی گردآن کشید که دایره اش ششهزارگام بود و ۱۱۴ برج برای آن قرارداد ودرهربرجی سوره ای ازقرآن گذارد وچهارده دروازه برای باروی قلعه گشوده ودرقرن هفدهم نام آنشهررا شهر **چنار** گـذاردند . ازبسیاری درخت چنارکه چنارستانش میگفتند .

و **بلطرون** جزو سخنانش گوید تهران تازه سازنیست وزمان شاه عباس بزرگ شهری بانام ونشان بوده که شاهان صفوی بسیاراوقات درآنجا میماندند .
درزمان ناصرالدینشاه وشاه حالیه وپسرش اصلاحات بزرگ از آنشهرشده کوچه ها و خیابانهای وسیع ، مدارس وبیمارستان وچراغ گاز وجزآن افزونی آرایش ونمایش پایتختی شگرف است .

صاحب کتاب ری واصفهان گوید : امروزه که پنجاه سال ازروزگار نگارش **بستانی** میگذرد دراهتیازات تهران چندین برابرشده ومیشنوم جمعیتش دراینسال (۱۳٦۱ قمری) به ۷۰۰۰۰۰ بومی ورهگذری رسیده وچند سال پیش نصف این جمعیت بیش نبود ودایره شهررا حدس میزنم بده میل بیش رسیده ...

جنوب تهران امروز بلوك **غار** بنام شهرری خوانده میشود ومرکزش آستانه حضرت عبدالعظیم است و **فشاپویه** مرکزش **رباط کریم** است ، **وشهریار** جنوبغربی حاصلخیزترین ومهمترین بلوکات ودارای دهکده های بزرگ مرکزآن **علیشاه‌عوض وورامین** جنوب‌شرقی است ودومرکزمهم دارد : یکی قصبه ورامین‌که سابقاًشهری بوده ، دوم امامزاده جعفر(ایستگاه راه‌آهن ورامین بنام «پیشوا» درامامزاده جعفر واقعست ـ نگارنده) وشمال‌تهران شمران‌است مرکزش **تجریش** و امروز خود شهر ییلاقی تهـران شده‌است ازبس عمارت درآن ساخته‌اند دنباله آن **بدماوند ولار** مازندران میرسد. دهات بزرگش یکی عمامه‌است **وکن‌وسولقان** هم یکطرف است .

سوهانك ، نیاوران ، سلطنت آباد طرف دیگر **وزرند** مرکزش‌خودزرنداست. وخوارکه شمال شرقیست مرکزش **گرمسار** است **وساوجبلاغ** طرف مغرب افتاده وچندناحیه تقسیم میشود ،کوهستانی دارد دارای دهات بزرگ یکی **برغان** ، **پشند** ونـاحیه جلگه‌اش نیز دهات معظم دارد : چون **ینك امام وهشتگرد** وقصبه **اشتهارد** که مردم بزرگ ازآن بدر آمده جزو ساوجبلاغ‌است ومرکزش کرج‌که خود شهری شده و**نجم‌آباد** قصبه مهمی است ودر این اواخر مجدداً **طـالقان** جزو تهران آمده وازقزوین‌جداگشته. وبس‌است درفضیلت‌طالقان که چون **صـاحب‌بن عباد** وزیر بزرگـی از آن شهر کوچك دلی دانا و زبانی گویـا و کفی دریا داشت .

موریه گوید : پایتخت حالیه ایران طهران است، دورباروی اینشهر ازچهارمیل‌ونیم الی پنج میل است ، این شهررا شش دروازه است‌که سردر وجوانب‌آنهارا کاشی‌کاری کرده ، صورت ببر وحیوانات دیگررا درکاشیها نقش کرده‌اند ، درسمت شمال مغربی تهران بعضی یکه برجها درحوالی باروست‌که دریکی ازآنها یك لولـه توپ ویك زنبورك دیدم ... تنها بنـای قابل ملاحظه مسجد شاه میباشدکه ناتمام است وغیرازاین مسجد شش‌مسجدکوچك درتهران‌هست که قابل ذکر نیست . این شهر سه چهار مدرسه بزرگ بیشترندارد . افواهاً میگویند صدوپنجاه کاروانسرا وبهمین شماره حمام درتهران هست ، دو میدان بزرگ یکی درشهر یکی در اطـراف تهران است ، دوعمارت ییلاقی سلطنتی این شهر داراست ، یکی قصرقاجار، یکی نگارستان‌که تازه بنا مینمایند .

مرآت‌البلدان مینویسد درسال ۱۱۵۱ میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی که بمنصب وزارت وصدارت عظمی سرافراز وفاضلی دانشمند ودبیری بی‌مانند بود چون مدتی‌میگذشت که اطوار و اعمال او منافی رأی مبارك سلطنت ومخالف صلاح وسداد حال دولت بود وغرورمنصب ونخوت ریاست آنجناب را ازمشاورت درامور مراعات رأی مبارك‌پادشاهی بازداشته ونزدیك بود درکار ملك خللی تمام راه یابد چه نیت آنجناب پیوسته توهین امرسلطنت بود.

لهذا هنگامیکه موکب پادشاهی بعزم ییلاقات از شهر بباغ نگارستان نقل‌مکان فرموده وقائم مقام هم درباغ لاله زار متوقف بود در سلخ شهرصفر ۱۲۵۱ آنجنابرا بنگارستان احضار فرموده بی‌آنکه بشرف حضور نایل‌شود وحیاء جبلی پادشاه مکافات کارهای اورا بتأخیر بیندازد هلاك کردند و پیوستگان و فـرزندانش را باخود و بـرادرزاده‌اش میرزا اسحق را ازتبریز مسلوب‌الاختیار نمودند.

در **معجم‌البلدان و آثارالبلاد** وجه تسمیه تهران باتاء منقوطه را باین نحو معین کرده‌اند: که چون اهل‌آنجا دروقتیکه دشمن برای‌آنها بهم میرسید درزیرزمین پنهان میشدند از اینجهة باین اسم موسوم شده‌است که **ته ران** یعنی زیرزمین میرفته‌اند.

هرزمستان ۸۲۰ عمامه خز بعلویین دادی، روزی جام‌آبی بدو دادند یکی‌ازخواص گفتش منوش‌که زهرآگین‌است، گفت ازکجا دانی؟ گفت‌جامدار‌را بگوبنوشد، فرمود روانداریم وجامدار را برون‌کرد اما حقوقش را میداد.

وضع ساختمان اماکن تهران قدیم

قزوینی در **آثارالبلاد** میگوید وجـه تسمیه **تهران** باتاء نقطه دار ازاینجهة است کـه خانه های آنرا ازترس دشمن زیرزمین میساختند و(ته ران) میگفتند.

قاضی‌عمادالدین در **عجایب‌البلدان** مینویسد **طهران** قریه‌ایست معظم جـزو ایـالت **ری** دارای باغات زیاد ودرآن باغات‌اشجارمیوه دار غرس‌شده وسکنه درخانه‌های سرداب‌مانند متوطن‌اند، همینکه دشمنی بایشان حمله آورد بآن خانه‌های تحتانی پناه جسته وهرقدر محصور بودن‌آنها‌امتداد یابد بسبب کثرة آذوقه که ازفرط احتیاط ذخیره کرده‌اند آسوده‌اند و بیرون‌آوردن ایشان ازآن اماکن غیرمقدوراست.

وضع کشاورزی تهران در گذشته

بعلت کوچکی شهر وزیادی آب وضع کشاورزی روزگارپیش تهران قابل‌توجه بوده‌است.

احمد رازی مؤلف تذکره هفت اقلیم دراین‌خصوص مینویسد:

تهران ازز‌مان فرمانفرمائی شاه طهماسب صفوی بزینت باروی اسواق، مجلل گردیده و سمت شهریت پذیرفت، وبحسب جداول وانهار وغرس اشجار سایه دار وباغات‌جنت آثارمستثنی ازبلاد ودیارشد درشمال آن‌کوهستانیست موسوم بشمیران، که قطعه‌ایست ازقطعات جنان، هوااز بوی پرعطروجهان ازرنك چون دیبا وسپهر، وزخوبی‌آن زیادبران، که درایام‌سابق این‌کوهستان را (شمع ایران) میگفتند ودرآن اقسام میوه نیك یافت میشود بخصوص گیلاس که بانهایت خوبی وافر وبی‌قیاس میباشد وهمچنین‌کوهستانیست دردوفرسنگی آن به‌کند وسولقان معروف است، که

آن نیز ازبسیاری آب روان و کثرت درختان میوه های الوان مانند بستان جنان تواند بود و نواکهش نوعی خوب میشود کـه همه‌کس را آرزوی آن میشود و ازاین قبیل خصوصیـات بسیاری دارد .....

مستوفی درنــزهة‌القلوب مینویسد : وتمام ولایات ری ۳۶۰ پارچه دیه است و دیه **دولاب وقصران** درزمین **فیروزرام** ، توهه ، شندر ، طهران و فیروزان ازمعظم نـاحیه **غار** است .

طهران قصبه معتبراست وآب وهوایش خوشتراز ری است ودرحاصل مانندآن ودرماقبل اهل آنجاکثرت عظیمی داشتند .

دون روی دیکلاد سفیر اسپانیا در دربار امیرتیمورکه در ۲۵ ذیقعده سال ۸۱۴ هجری درتهران بوده مینویسد : شهری بسیار بزرك است وحصار وباروئی ندارد کلیه اشیاء درتهران وجوددارد وهوای‌آن بسیارصاف وشفاف ولطیف بوده‌است .

دردوران صفویه‌که هرموقع **عثمانیها** ازباختر و **ازبکان** ازشمال خـاوری فرصت میبافتند بایران میتاختند ، شاه طهماسب راکه ازسلاطین بزرك صفویست و هشتادسال عمرکرده برآن داشت که بعداز قزوین فکرپایگاه و تکیه‌گاه دیگری بیافتد ، وچون **تهران** در معبـر خراسان ، گرگـان ، مازندران ، آذربایجان بوده بعداز قزوین کـه پایتخت بود پناهگـاه دوم قرار داد .

ودرسال ۹۶۱ هجری فرمان همایون بساختن برج وبارو برای تهران صادرشد .

نویسنده **زینت‌المجالس** مینویسد : حضرت پادشاه مغفور (شاه طهماسب) در عمارت تهران‌کوشید وباروئی دورآن‌کشید‌که تقریباً یك فرسخ دورآنست ، این شهراکنون معمور و آباد وارتفاعش غله ومیوه نیکومیباشد .

مؤلف **ریاض‌السیاحه** مینویسد : درقدیم تهران قصبه بوده وبتدریج تبدیل بعمارت نهاده، شاه طهماسب‌بن‌شاه‌اسمعیل صفوی دروسعت وعظمت آن‌کوشید وبرآن حصاری معین‌کشید.

کریمخان زند عمارت آن افزود ودراتساع آن سعی نمود ، شهر در زمین دوراتفاق افتاده‌است وسمت شمالش فی‌الجمله گرفته وسایراطرافش کشاده‌است .

همچنین مؤلف **کتاب روح وریحان** مینویسد شاه طهماسب‌که پایتخت ومرکزسلطنت او قزوین بودگاهی برای زیارت مرقد جدش امامزاده حمزه همچنین حضرت عبدالعظیم (ع) در ری میآمد ، وچون **طهران ومهران** که دوقریه دردامنه شمالی‌کوه شمران شکارگاه خوشی بود برای همین‌نکته چندین‌بار دراین‌محل‌اقامت مینمود . ودرنتیجه همین‌توجه شهریاری بساختن حصار وباروئی برای تهران فرمانداد ، وفی‌الواقع شالوده آبادانی اینشهر برحسب دستور شاه طهماسب ریخته‌گردید .

آنچه ازنوشته مورخین مفهوم میگردد : اطـراف شهرتهران ۱۱۴ بـرج برابر شماره **سوره های قرآن** بدستور شاه‌طهماسب ساخته شده زیرهربرج سوره‌آن‌دفن‌گردید واطراف برج باکاشی چند آیه‌ای از همانسوره نوشته شده بوده‌است .

مجدالدین در دبستان‌السیاحه میگوید : شهرچهار دروازه داشته فاصله هریك یکربع فرسخ بدین شرح : **دروازه حضرت عبدالعظیم، دروازه شمیران** (جلوی بـامنار ـ

نگارنده) دروازه دولاب (بازارچه نایب‌السلطنه — نگارنده) دروازه قزوین (درحدود میدان شاهپور فعلی — نگارنده) وچون خاك خندقها برای‌ساختمان برج و باروکفاف نمیداد از پنج محل (چاله میدان، چاله حصار، گود زنبورکخانه، گود محمدیه و گود قلیخانه که درحدود دروازه‌قزوین بوده) خاك برمیداشتند .

پس‌از تکمیل برج و باروی شهر حمام خانم وتکیه مدرسه خانم بدست خواهرشاه‌طهماسب بنا شدکه آثارآن هنوز باقیست، مدرسه خانم بدست عساکرافغانی‌خراب شد و **صاحب دیوان** جای آن حسینیه بنانمود .

درمحل ارك وعمارت‌گلستان فعلی کـه آنزمان زمینی بایر بوده بدستور شاه عباس‌کبیر چهارباغی بنانهادندکه چنارهای عباسی‌آن تااین اواخر ورد زبانها بود .

درزمان صفویه درایران شانزده بیگلربیگی داشته ازآنجمله مقر یکی ازآنها تهران‌بوده واین نشانه اهمیت تهران درآنزمانست‌که درردیف استانهای مهم محسوب بوده .

کریمخان زند نیز پس‌ازآنکه قشون محمدحسنخان قاجاررا شکست داد وخود اوراکشت در۱۱۷۲ ه . ق . دردیوانخانه تهران بتخت سلطنت نشست ، درتابستان ۱۱۷۳ بشمیران رفت ودستور داد درغیبت او بنای عمارت سلطنتی ودیوانخانه بزرك وباغ‌جنب دیوانخانه ویکدست حرمخانه درتهران بناکنند واوایل زمستان که این ساختمانها تمام شد کریمخان ازشمیران بشهر مراجعت نمود ودرنظرداشت تهران را پایتخت خود نماید .

ولی درسال ۱۱۷۶ ازتوقف درتهران منصرف شد قصد شیرازنمود وفرزندان محمدحسن خان را بقزوین فرستاد .

آغا محمدخان در۱۶ سالگی پس‌ازوفات‌کریمخان (۱۳ صفر۱۱۹۳) باچهارده تن ازخویشاوندان خود دربیستم صفر بحضرت عبدالعظیم رسید و۲۲ صفرکه روزعید نوروز بود در حوالی شهرتهران جلوس نمود .

در **تاریخ گیتی گشا** مینویسد : چون هوای بلده تهران بحرارت وعفونت مـایل و سمیات وبائی درآن ولایت متعدد و ملتزمین موکب خدیو آفاق اکثرپروردگان هوای ییلاق و مردم پیشه ولایت عراق سرحدنشین و معیشت ایشان دراین سرزمین شاق بود ، بلوکیست موسوم بشمیران متصل ببلده طیبه تهران وچون درداه‌ن‌کوه واقع وچشمه‌های آب‌خوشگوار ازآن‌جاری ومراتعش بغایت بسیاری وهوایش بسلامت اقرب وتوقف موکب ظفرکوکب دراین‌سرزمین‌اولی وانسب بود الویهٔ کشورگشائی و اعلام ملك‌آرائی بجانب بلوك‌مزبوردرحرکت .... ایام حرارت هوا وهنگام بودن‌گرما برملتزمین اردوی معلی بخوشی وخوشوقتی‌گذشت ...

چون ایام تموز بانجام وهنگام مدت هوای آتش‌افروز باختتام رسید ، ابرمشگین‌وسحاب عنبرین خیام سنجابی بفضای‌کوه وشجرکشید . اردوی گـردون شکوه ازساحت دشت وکوه بعزم شهرستان مراجعت بسواد تهران نموده ، درعمارات مبارکات‌که بمعماری سعی واهتمام این‌خدیو کیوان مقام صورت انجـام یافته بود مشغول بلوازم عیش و نشاط و اقـدام بمراسم بهجت و انبساط فرمودند ....

درجای دیگرمینویسد : درحالتی‌که خیام عزوشان درسلطانیه وزنجان مرکوب برجیس و کیوان بود ، حکم مقدس جاری وفرمان اقدس برمزاج ملك ساری شد که عمارتی بجهة خاصه سرکار دربلدیه طهران پردازند. کارگزاران دیوان عدالت ارکان شروع بسرانجام کار و تدارك

اسباب بسیار کرده، معماران اقلیدس‌کشا و بنایان کارآزما و نجاران بدایع نگار و نقاشان هیکل‌نگار ازهرگوشه وکنار جمع‌آورده ، شروع باساس این بنای زیبا کرده دراندك روزی این عمارت بهشت رونق ، سرکوب سپهر مطلق وغیرت چرخ معلق و رشك طاق‌کسرا وایوان خورنق‌گشته ، دردیوان‌خلد وخرم ومکانهای کشیکچی وخدم‌بنائی چون باغ ارم آراسته وخانه‌ای چون بیت‌الصنم باتمام رسید .

... بهارخرم آرایشگر عرصه عالم وزینت بخش بسیط غبرا وزینت افزای کوه وصحرا گردید ... دامان‌کوه وکمر ازجوش‌سبزه‌های تر، رشك سپهراخضر وفضای بسیط اغبر ازهجوم گلهای عنبر احمر افق خاورشد . هزاران هزار دستانسرا درصحن‌گلستان بنواهای دبستان سرود خوان شدند وقمریان خوش الحان ، درساحت روز رخشان ، بناله وافغان ، نواسنج ونغمه سرا آمدند ، درعمارات عالیات تهران محافل بهشت مشاکل ومجلس مینو شمایل برسمی‌که سزاوار، وآئینی‌که شایسته آنخدیو صاحب اقتدار بود صورت انجام پذیرفت ... درآنمدت‌که موکب ظفر-نشان ، داورکسری نشان ، درطهران انتظام بخش امورپریشان ولایات عراق و توابع آن بود فرصت‌نموده، بمرور پای جرأت بنواحی بلده تبریز ومراغه وغیره‌گشوده بود ... نوای نای‌ساکنان صوامع ملاء اعلی را کرکرد ونعره روئین درای بنیان قصورسپهر والا را ازبن برآورد ، ورایات شوکت وشأن فلك‌سا ، وماهچهٔ اعلام ظفر توأمان از افق شهر تهران ، پیش‌خانه‌کشان همایون ازخیام فلك نمون بربع مسکون‌گردونهای دیگرگون‌کشیدند .

دروقایع سال ۱۲۰۵ ومراجعت آقامحمدخان از آذربایجان قفقاز مینگارد : بنابرصلاح وقت بولایات آنطرف رود ارس نپرداخته ، بعداز اول میزان قانون حرکت ونهضت را سازو لوای منصوری را باوج فلك و نوای نای عزیمت را بگوش ملك دمساز و مشقهای زرتار اعلام همایونرا بهزار بادصبا مانند عشاق پرسوز وگداز بناله خیزی وشورانگیزی آغازوخروش‌کوس روئین پرده درگوش ساکنین اصفهان وحجاز ونعره‌گورکهٔ آهنین زلزله افکن بنیان طاقت و توان متوطنین نیشابور وشیرازگردید ، ازراه راست اعنی پنجگاه خمسه وعراق روانه دارالملك تهران شدند .

دروقایع سال ۱۲۲۹ هجری ودستگیری لطفعلیخان زندگوید: امنای دولت آقامحمدخان مصلحت وقت را درآن‌یافتندکه بدون قصوری دراعضاء بهیئت صحیح اورا بهمراه اردو بتهران برده باشند . بناء علیه دیده جهان بین اورا ازحلیه بصرعاری و بفاصله چند روز بصوب طهران روانه ساختند .

«گویند آغا محمد خان درباره لطفعلیخان خیلی‌نامردی نمود وبدست‌خود چشمان اورا»
«بیرون آورد ، اعمال زشتی درباره این شاهزاده جوان وزیبا وخوش‌اندام ورشید وجوانمرد»
«رواداشت‌که قلم ازبیان‌آن شرم دارد وزبان ازتقریر عاجز وبالاخره اوراکشت وگوراوگویا»
«درامامزاده زید باشد . علی‌التحقیق یکی‌ازدلیران ناکام ایران وقهرمان شجاعت که درتهور»
«وجلادت ورشادت ثانی جلال‌الدین خوارزمشاه وبزرگتراز منصورآل مظفراست پهلوان زند»
«لطفعلیخان شهسوار ایرانی بوده‌است» .

پس‌از مراجعت آغامحمدخان اهالی تهران دروازه های تهران را براو بستند واوشهر را محاصره نمود (۱) پس‌ازخونریزی زیاد وفوت سرداران مدافع تهران بتصرف شاه قاجار

---

۱ — بدواً در ۱۱۹۷ غفورخان تهران را تسلیم نمینمود پس‌ازآنکه براثر شدت وبا *

درآمد ودر نوروز ۱۲۰۰ درتهران بتخت سلطنت نشست وسکه بنامش زدند خطبه بنامش خواندند وازآنموقع تهران رسماً پایتخت شد.

سرسلسله قاجار دستور داد پرده ها و تصاویر و آئینه‌های عمارت وکیل را از شیراز بتهران آوردند وتالار تخت مرمررا باآنها تزئین نمود همچنین استخوانهای مرده کریمخان را برای بی‌احترامی درکریاس عمارت معروف بخلوت کریمخانی مدفون نمودکه در هرروز ازروی آن عبور نماید «هنگامیکه در۱۱۷۲ شیخعلیخان سر محمد حسنخان قاجار پدر آغا محمد خان را برای کریمخان فرستاد کریمخان داد سر را باگلاب شستند وفرستاد دراسترآباد کـه پهلوی پیکرش دفن نمایند وسه روز عزاگرفت وفاتحه گذارد . عجب تلافی نامردانه‌ای کرد آغا محمد خان ـ نگارنده» .

بخش سوم ـ تهران جدید یا پایتخت قاجاریه

بنابرآنچه گذشت تهران ابتدا قریه‌ای بوده‌است ازتوابع ری که تازمـان صفویه شهرتی نداشته وفقط ازمیوه آن توصیف و ازهوای آن مذمت شده . یك ثلث این دهستانرا خانه‌های سردابی ودوم آنرا باغها وانهار تشکیل میداد .

د سال ۹۶۱ هجری قمری بامر شاه طهماسب صفوی باروئی بدورآن کشیده شد وسپس کریمخان زند عمارات سلطنتی درآن بنا نهاد وارك را ازسایرقسمتهای شهرمجزا نمود .

ودرسال ۱۲۰۰ هجری قمری آغا محمد خان قاجار بعلت نزدیکی باسترآباد ودسترسی بایل قاجار بدواً ساری وسپس تهرانرا مقرسلطنت وپایتخت خود قـرارداد ودرآنموقع غیراز محله ارك که دارای برج وباروئی بود واختصاص بسلاطین وامراء واعیان داشت محلات سنگلج وچاله حصار وچاله میدان درجنوب وباختر آن موجود است . دراین سالها مـردم آن نزدیك پنجاه هزار نفربودند ، بتدریج جمعیت پایتخت روبفـزونی گذارد ، لذا درسال ۱۲۸۶ هجری که مصادف بـا سلطنت طولانی ناصرالدین شاه و وزارت مـیرزا عیسی وزیر بود تهـران توسعه پیدا کرد .

---

* درگذشت ناچارشهر تسلیم شد وچون اردوی‌شاه درشمیران بود وبادرآنجا رخنه کرد واردورا بچشمه علی نقل مکان دادند .

در۱۱۹۸ علیمرادخان زند باچهل‌هزارسوار بتهران آمد واهالی دروازه هارا بروی‌او بازکردند ولی‌او بیمارشد ودرگذشت وآغا محمد خان در۱۲۰۹ تهران را تصرف کرد وفتحعلیشاه ولیعهد و حسینقلیخان برادر تنی خود ومـادرش مهدعلیا را درتهران گذارد وارتش را روانه گرجستان نمود .

فتحعلیشاه نیز روزعید فطر ۱۲۱۳ درتهران برتخت سلطنت جلوس کـرد ودرسال ۱۲۱۸ **نادرمیرزای افشار** را ازنواده نادرشاه افشارکه درمشهد رضوی تمرد نموده بود دست بسته بتهران آوردند . وفتحعلیشاه دستورداد اوراکشتند «گویا درسید ولی دفن است ـ نگارنده» آغا محمد خان برخلاف فتحعلیشاه (که ایرانرا برباد داد) خیلی باین مملکت خدمت نمود ولی ذاتاً مرد خبیث وفرومایه‌ای بود .

گویند هنگامیکه ناصرالدینشاه خواست حدود شهررا توسعه دهد (آنهنگام حدودشمالی شهر خیابانهای برق «امیرکبیر» باغشاه«سپه»وحدود باختری خیابان دروازه قزوین«شاهپور» حد خاوری خیابان دروازه دولاب که بعداً خیابان ماشین معروف بود «خیابان ری» وحد جنوبی خیابان اسمعیل بزاز ،گذر زعفرانباجی ، بازارچه سوسکی ، باغهای وزیرنظام «خیابان مولوی» بود) ازمرحوم حاج ملاعلی کنی نظریه خواست . ایشان موافقت نکرده وفرموده بودند هنگامیکه پایتخت را توسعه دادی مردم ولایات برای استفاده ازنعمت امنیت شهرهارا خالی و بتهران هجوم میآورند آنوقت اداره کردن این جمعیت مشکل است واگریك بیماری ساری پیداشد جمعیت انبوهی تلف خواهند شد بعلاوه درتأمین خواربار مردم تهران بانبودن وسیله وبسته شدن راهها مردم بزحمت خواهند افتاد وگرانی میشود وحتماً سایر شهرها روبخرابی خواهد رفت مگر کاری بکنی که نفوس وجمعیت تهران ازراه ازدواج جوانان وتوالد وتناسل زیاد شود .

ناصرالدینشاه که تازه ازفرنك آمده بود ونقشه پاریس اوراخیره کرده بود مصمم باجرای نظریه خود بود لذا نقشه توسعه شهررا زیرنظرمیرزا عیسی وزیر بموقع اجرا گذارد . حدود شهر بیك سلسله خندق که ازنظردفاعی (بااسلحه های دهن پر آنروز) قابل ملاحظه بود محصور گردید که آثارآن تاسال ۱۳۱۰ باقی بود ومحله های دولت ، بازار، عودلاجان بمحلات سابق افزوده وشهر دارای دوازده دروازه بنام (دولت، شمیران ، دوشان تپه ، دولاب ، خراسان ، حضرت عبدالعظیم ، غار ، خانی آباد ،گمرك ، قزوین ، باغشاه ویوسف آباد) گردید .

درسال ۱۳۰۹ ه . ق . که بنای دروازه و خندقها پایان پذیرفته بود جمعیت تهـران ۱۶۰ هزارنفربود وتهران ۱۸ هزار خانه داشت . بتدریج دراثر ازدیاد جمعیت وتبدیل باغها بخانه واحداث باغهای جدید محله های قنات آباد ، حسن آباد و قاجاریه بوجود آمد وازسال ۱۲۹۷ شمسی نیز درخارج دروازه قزوین محله‌ای بنام شهرنو برمحلات سابق افزوده گردید که زنهای هرجائی راکه چند سالی بود درحدود قاجاریه وخیابان شنی مجتمع شده بودند بآن محل انتقال دادند .

درسال ۱۳۰۱ شمسی ازطرف بلدیه تهران سرشماری شد، جمعیت تهران ۲۱۰ هزارنفر وعودلاجان پرجمعیت ترین محلات شهررا تشکیل داده بود .

پیشه وران تهران درعصر ناصرالدینشاه

درسال ۱۲۳۲ ه . ق . پیشه وران تهران بشرح زیر بودند :

چلینگر۲۶ ، صباغ ۳۶ ، جوراب باف ۱۱ ، خراط ۲۴ ، لحافدوز ۶۱ ، نمد مال۵ ، لواف ۲۶ ،گیوه فروش ۲۵ ، کلاه مال ۱۲۱ ، طباخ ۱۵۶ ، قهوه‌چی ۵۶۱ ، سراج ۱۸ ، دوخته فروش ۳۴ ، زرگر۹۳ ،کله پز۴۷ ، بقال ۸۵۷ ، علاقه بند ۱۸۹ ، صراف ۶۰، بزاز دوره‌گرد ۶۱ ، تنباکوفروش ۳۰۰ ، نفت فروش ۴۵۶ ، عطار۶۸۲ ، خیاط ۱۶۰ ،کلاهدوز ۶۱ ، آجیل فروش ۴۵ ، حلوائی ۱۶ ، ارسی دوز ۱۵۷ ، بزاز مسلمان وکلیمی ۱۸۱ دکان اینك مهمانخانه ومسافرخانه ۱۳۰ ، کافه قنادی ورستوران ۴۵۰ ، قهوه خانه ۲۰۰۰ ، طباخی ۳۵۲ ،کله پزی ۱۱۶ ، مشروب فروش ۲۲۴ ، اغذیه فروش ۱۴۰ مغازه‌است) بوده‌است .

بخش چهارم - جغرافیای تهران

حدود طبیعی ـ شهرستان تهران ازشمال محدود است : برشته کوههای البرز از جنوب بقم وکویر ازخاور بدماوند و ایوانکی ازباختر ببلوکات قزوین وساوه ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۳۷ متر درازای آن ازخاور بباختر ۲٦۰ کیلومتر پهنای آن ازشمال بجنوب ۱۲۰ کیلومتر مساحت آن ۲۱ هزار کیلومتر مربع .

جمعیت شهر تهران ـ درحدود یك میلیون صدهزار نفر .

تهران از نظر طبیعی بدو منطقه تقسیم میشود :

قسمت کوهستانی ـ ازسرچشمه رودهای **جبله رود** و جاجرود وکرج شروع شده وبجلگه تهران ختم میشود .

قسمت جلگه ـ این جلگه ازته نشست رودها وسیلابهای کوهستانی تشکیل یافته وقسمت عمده اراضی جنوب وجنوب خاوری وباختری شهرستانرا تشکیل میدهد .

آب وهوا ـ آب وهوای این مناطق برحسب وضع جغرافیائی قسمتی سردسیراست و قسمتی معتدل مایل بگرمی .

قسمت کوهستانی دارای هوای خنك ولطیف ییلاقی ، دامنه های البرز معتدل ومطبوع است دراین بخش چون بارندگی بیشتر بوده ومقدار برف آن دربعضی قسمتها زیاد است زمستان آن سرد وتابستانها معتدل است .

بخش جلگه را ازنظر آب وهوا میتوان بدو قسمت بخش نمود: ناحیه شمالی آن که در دامنه کوهها واقع است دارای آب وهوای معتدل میباشد وتاحدی از بارانهای کوهستان بهره مند میشود بخش جنوبی بکلی خشك وباران آن کم وفقط ازآبهای رودها استفاده میکنند هوای این قسمت گرم است ولی نه چندانکه موذی ومزاحم ساکنین آن باشد .

رشته مرتفع و مطول البرز موقعیت تهران را از منطقه شمالی گیلان و مازندران متمایز ساخته .

معابر مهم آن عبارتست ازجاده تهران ـ فیروزکوه ـ شاهی ـ ساری وجاده شمشك ـ آمل همچنین جاده مخصوص که تهران را از طریق کرج بچالوس وسواحل دریای خزر متصل میسازد .

راههای مالرو دیگر ازگردنه افجه وش (بین لواسان ـ لار) گردنه خرسنگك (بین رودبار ـ لار) گردنه آهار (بین رودبار ـ شهرستانك) گردنه توچال (بین شهرستان ـ تهران) گردنه قوچك (بین لواسان ـ تهران) نیزموجود است که محل استفاده کاروانها وقوافل خواربار وزغال و مرکبات میباشد .

دهستان مزارع سرسبزوحاصلخیز تهران بعلت وجود آب دردامنه های شمالی وگوشه خاوری وباختری کوهستان واقعست ولی چون قسمت جلگه کم آب است، آبادی ومزارع آن ازهم دورند، برای پیوستگی دهات مالکین باکمك وزارت کشاورزی دست باقداماتی زده اند که دامنه آبیاری وبکاربردن وسایل فنی روزبروز توسعه مییابد .

رودخانه ها ـ معروفترین رودخانه‌هائیکه ازکوهستان شمالی سرچشمه گرفته و بجلگه تهران سرازیر میشوند عبارتند از :

جاجرود ، کرج ، حبله رود .

رودخانه های **ابهررود** ، **گردان** وقسمت مهم آب کرج اراضی ساوجبلاغ وشهریار و غاررا مشروب میسازد .

کوهها ـ درمنطقه جلگه کوههای منفرد و کم ارتفاعی دیده میشوند مانند **کوه‌قره کچ** ، **نمك** و**سه کوهه** درغار ، **کوه بی‌بی‌شهربانو** و **کوه سه پایه** درمرکز **کوه القاد** و**کوه نمك** در باختر و **کوههای حسن‌آباد** درجنوب که تاکویر امتداد پیدامیکند .

بخش پنجم ـ تقسیمات سیاسی تهران

تهران بنابروضع‌زمان واقتضای روز باموقعیتهای‌سیاسی گاهی‌شهرستان ودارای فرماندار بوده‌است وزمانی استان واستاندار داشته‌است .

موقعیکه شهرستان بوده وفرماندار داشته‌است ببخشهای زیرقسمت میشد :

۱ـ **بخش ری** که مرکزآن **شهرری** و دهستانهای **غار** ، فشاپویه تابع آنست .

۲ـ **بخش ورامین** که مرکزآن ورامین‌ودهستانهای **بهنام وسط**، **بهنام عرب**، **بهنام پازوکی** ، بهنام سوخته تابع آن بخش بوده‌است .

۳ـ بخش‌شمیران که مرکزآن **تجریش** وکلیه **شمیران**تابع آنست .

٤ـ **بخش افجه** که مرکزآن **نجارکلا** ودهستانهای **لواسان بزرك** ، **لواسان کوچك** ، **رودبار قصران** تابع آنست .

۵ ـ **بخش کن** که مرکزآن **کن** ودهستانهای‌کن تابع آنست .

٦ـ **بخش‌شهریار** که مرکزآن **علیشاه عوض** ودهستانهای **شهریار** تابع‌آنست .

۷ـ **بخش کرج** که مرکزآن **کرج** ودهستانهای **حومه** ، **ارنگه** ، **لورا** و **شهرستانك** ، **برغان** ، **فشند** ، **ساوجبلاغ** ، **اشتهارد** تابع آنست .

۸ـ **بخش‌طالقان** که مرکزآن **شهرك**ودهستانهای تابع‌آن‌عبارتنداز **بالا طالقان**، **وسط طالقان** ، **پائین طالقان** .

درآینده بشرح هریك ازبخشها ودهستانهای مهم خواهم پرداخت ولی‌هرگـاه تهران از صورت شهرستان خارج و به استان تبدیل‌گردیده بشهرستانهای زیرتقسیم شده :

سازمان اداری استان مرکزی (تهران)

نام شهرستان	نام بخش	مرکز بخش	نام دهستان
تهران	۸ بخش		شرح آن گذشت
قزوین	مرکزی	قزوین	کوهپایه — حومه
	آبیك	آبیك	فشکل دره — کوهپایه — بشاریات
	معلم کلایه	معلم کلایه	رودبار — الموت
	ضیاء آباد	ضیاء آباد	قاقازان — دودانگه
	آوج	آوج	خرقان غربی — خرقان خاوری — افشاریه
	بوئین	بوئین	زهرا — دشتابی — رامند
دماوند	مرکزی	دماوند	حومه - تاررود - جمع آب رود - سیاهرود
	فیروزکوه	فیروزکوه	حومه - قزقانچای - انترو پشت کوه - حبله رود
	گرمسار	گرمسار	قشلاق بزرگ - ریکان - یاطری - ارادان
	ایوانکی	ایوانکی	ایوانکی
قم	مرکزی	قم	حومه - قمرود - قنوات — اراضی نیزار
	دستجرد	دستجرد	حومه — طغرود — راهجرد — مرداب
	کهك	کهك	قهستان
ساوه	مرکزی	ساوه	حومه — فرقان
	نوبران	نوبران	مزدقان — بیات — کوهپایه — رزقچای
	جعفرآباد	جعفرآباد	جعفرآباد
	خرقان	رازقان	خرقان ساوه
محلات	مرکزی	محلات	حومه — پشت گدار
	خمین	خمین	رستاق — گله زن — دالائی — خمرلو
	دلیجان	دلیجان	حومه — نراق — جاسب

مختصات جغرافیای شهر تهران

شهرتهران ازشمال‌وشمال‌خاوری بدهستان شمیران، از باختر بدهستان کن ازخاور بکوههای سرخ‌حصار وسه پایه ومسگرآباد ، ازجنوب بدهستان غار محدود است .

طول شرقی‌آن ۹-۲۵۲-۵۱ درگرنیویچ ، وازجزایر خالدات‌که مبدأ طول قدما بود ۱۹-۳-۶۸ وعرض شمالی ۸۳-۱۶ ٤-٥-۳٥ ازخط استوا بسمت شمال است .

این شهر دردامنه‌کوهستان البرز واقعست ودونوك قله توچال ببلندی ۳۸٤۰ و ٤۱۰۰ متر برآن مشرف میباشد .

استخری وابن‌حوقل ومسعودی تهران را قریه کوچکی ازشهرستان ری دانسته ومشهوراست که درسال ٥٦١ ه . ق . موقعیکه مادر **ارسلان سلجوقی** عازم نخجوان بوده در **دولاب** تهران توقف نموده‌است، ونیز نوشته‌اند : تهران دارای خانه‌های پست زیرزمینی وباغهای میوه زیاد است .

معجم‌البلدان چنین‌مینویسد: تهران به‌کسر اول وسکون ثانی وپارسیان آنرا تهران گویند ، ازقراء ری ومیان آن وری تقریباً یك فرسنگ فاصله است .

دوستی ازاهل ری مرا حکایت‌کردکه تهران قریه بزرگیست‌که خانه های آن زیرزمین ساخته شده وراه ورود خارجیان بآنجا جزباراده ومیل صاحبان‌آنها ممکن نیست . اهالی‌تهران بارها بسلطان عصیان‌کرده وسلطان چاره‌ای جزمدارا باآنها نداشته‌است وبدوازده محل تقسیم میشودکه هرمحله آماده‌جنك باهمسایه میباشد واهالی‌یکی بمحله دیگری وارد نمیشوند، اطراف تهران را باغهای زیاد فراگرفته زراعت‌آنها بواسطه‌گاوآهن انجام نمیگیرد ، بلکه تدریجی و آن ازبیم آنستکه دواب‌آنهارا همسایگان بچپاول ببرند .

بطوریکه گفته شد تهران سابقاً اهمیتی نداشته شاه طهماسب دور آن دیواری کشید شاه عباس چهارباغی درآن بنانهادکه همان مبنای ارك سلطنتی شد ولـی چون آب وهوای تهران اورا بیمارکرد ازطرفی عبدالمؤمن خان ازبك بخراسان حمله نمود ومشهد را قبضه کرد شاه‌عباس بسرعت تهران را ترك‌کرد .

هنگام هجوم افاغنه تهرانیها دربرابرآنها رشیدانه جنگیدند . هنگامیکه اشرف افغان از نادرشاه در مهماندوست شکست خورد افغانهای مقیم تهران غفلتاً شمشیر بروی مـردم ناآگاه کشیده پس‌از قتـل و غارت باصفهان فرار کردند بعد طهماسب میرزا پسر شاه سلطـان حسین بتهران آمد .

درسنه ۱۱٥٤ که نادرشاه ازجنك هندوستان وترکستان برگشته بود رضاقلی‌میرزا فرزند برومند خودراکه مورد سوء ظن وبیمهری او واقع شده بود درتهران‌کورکرد وحکومت تهران را باو واگذارنمود ولی‌آن شاهزاده رشید درتهران مرد وبگور رفت (مورخین دراین قسمت اختلاف عقیده دارند ــ نگارنده) .

درسال ۱۱۷۲ کریمخان زند قصد داشت تهران را پایتخت خویش بسازد وعماراتی بسبك ساسانی که دارای دیوانخانه وپاسدارخانه بود بساخت .

درسال ۱۲۰۰ آغا محمد خان تهران را پایتخت خود ساخت درآنهنگام غیرازمحله ارك که دارای برج وباروئی بود واختصاص بسلاطین وامرا واعیان داشت سنگلج ، چاله حصار(۱)، چاله میدان درجنوب وجنوب باختری قلعه ارك وجود داشت .

جمعیت تهران درسال ۱۱۷۵ بامحسوب داشتن نظامیان ۱۵هزارنفر تخمین شده .

سراوليورانگلیسی که هنگام مرگ آغامحمدخان درتهران بوده (۱۲۱۲) مساحت‌شهر را درحدود دومیل وجمعیتش‌را درحدود پانزده هزارنفر نوشته‌است .

ژنرال گاردان که درسال۱۲۲۲ هنگام سلطنت فتحعلیشاه درتهران‌بوده جمعیت‌تهران را پنجاه هزارنفر تخمین زده‌است .

موریه انگلیسی که چند سال بعد بتهران آمده جمعیت تهران را شصت هزار نفر نوشته است .

در زمان فتحعلیشاه ابنیه دیگری درارك ساخته شد درسال ۱۳۲۳ هجری قمری وسعت شهر به هشت هزارکیلومترمربع رسید و دارای شش دروازه شد ، درجنوب ارك میدانی بنـام «میدان شاه» احداث شد ، مسجد شاه درسال ۱۲۲٤ ه . ق . ساخته شد .

جهانگردان آن عصرکه تهران را دیده‌اند مساحت‌آنرا پنج میل مربع و جمعیت شهررا شصت‌هزار یا درحدودهشتادهزارنفرمیدانندکه نظامیهاودرباریهاقسمت اعظم‌آنراتشکیل‌میدادند .

دورتادور شهر یك دیواربلندی‌کشیده شده بودکه بلندی آن هفت متر وبفاصله هـای غیرمعین درمیان دیوارها برجهای‌کلفتی ازگل برپا بودکه درقسمت خارجی حصار وبرجها خندقی کنده شده بود « بازار کنار خندق روبروی شمس‌العماره تـاجلوی مسجد شاه تاسال ۱۳۱۰ باقی بود » .

توسعه شهر وازدیاد جمعیت‌آن تاسال ۱۲۵۳ ادامه داشت وتوسعه زیاد بجائی رسیدکه برحسب ضرورت دیوارها وخندق‌کهنه را خراب وپرکردند .

---

۱ ــ چاله حصار ــ بین‌گلوبندك ودرخونگاه تکیه ومدرسه‌ای درآنجا بنا شده میرزاآقا خان نوری صدراعظم ناصرالدینشاه قسمت شمالی‌آنرا تعمیرنمود .

مرآت‌البلدان درصفحه ۷۳ جلد چهارم کتاب خود مینویسد : درمحله سنگلج تهران درنزدیکی‌خانه میرزا یوسف مستوفی‌الممالك معروف به «آقا» بوده‌است .

چاله حصار ازقدیم‌الایام‌گودالی بود وفضای زیادی موسوم باین اسم‌که تاشش سال قبل روزعاشورا ودهم محرم هرساله اجتماع وازدحام غریبی ازاهالی تهران آنجا میشد ودرزیرهوا غالباً شبیه مقدمه‌کربلا وتفصیل‌حادثه غم‌انگیز روزعاشورارا درمیآوردند وجزآنروزوسایر ایام واوقات ازنقاط بسیار کثیف وجای هرگونه‌کثافات بود . آقـای مستوفی‌الممالك ثواب بزرك و عمل خیرکثیررا دوراین‌محوطه رانردهٔ چوبی باستونهای آجری نصب نمود ومحوطه میان راباغ عمومی ساخته حالا یکی ازنقاط بسیار باصفای شهرمیباشد ومحل تفرج عامه است وهوای سنگلج که غالباً بواسطه این محل متعفن بود بسیارسالم و لطیف شده است ، یك‌کوچه ازمحله سنگلج تهران‌هم بچاله‌حصارموسوم‌است ـ انتهی» .

گود زنبورکخانه وگود دروازه محمدیه وگود فیلخانه دردروازه‌قزوین چاهائی بوده که برای حصار دورشهر ازآنجاها خاك برداری شده .

کوچه های شهر باریك ، کثیف ، تاریك ویگانه عمارت مهم شهر ارکی بودکه دیوارآن بامرشاه طهماسب اول شروع شد وکریمخان‌زند آنرا تکمیل ودرداخل آن عمارت‌سلطنتی ساخت، آغامحمدخان وفتحعلیشاه عماراتی برآن افزودند وناصرالدینشاه دروازه‌های زیبائی درشش‌طرف آن بنا نهاد «دروازه های باب همایون ، دراندرون ، جلیل‌آباد ، کشیکخانه ، شمس‌العماره ، ارك وتکیه دولت» .

درشش‌کیلومتری شمال شهر روی تپه خشك وبی‌آب وعلفی فتحعلیشاه یك عمارت ییلاقی بنام قصرقاجار ساخت‌که ازهرگونه صنایع ظریفه وزیبائی معماری وخواص دیگری بهره بود .

جمعیت شهر در زمـان محمد شاه روبفزونی گذارد ولـی برای توسعه شهر اقـدام اساسی بعمل نیامد .

درسال ۱۲۸٤ هجری قمری شهربزرك شد ودورآن خندق منظمی کشیده شد وضمن‌این توسعه باغهای لاله زار، نگارستان، بهارستان ، باغ سپهسالار وغیره جزوشهرشد وبرزنهای‌جدید بنام حسن‌آباد ، قنات‌آباد ، قاجاریه نام‌گذاری شد .

درسال ۱۳۰۹ هـ . ق . بنای دروازه ها وخندق دورشهر پایان یافت ، دراین تاریخ‌که چند سالی بپایان سلطنت ناصرالدینشاه باقی بود (ناصرالدین‌شاه درسال ۱۳۱۳ هـ . ق ، درحرم حضرت عبدالعظیم باگلوله میرزا رضای‌کرمانی کشته شد) جمعیت تهران دراینموقع ۱٦۰ هزار نفر بوده وهیجده هزارخانه داشت . قسمتی‌اززمینهای زراعتی وباغهای داخل‌شهر تبدیل بساختمان و عمارت‌گردید «منجمله مسجد سپهسالار» .

دروازه‌های تهران هریك دارای شش یاچهارگلدسته بود وکاشی‌کاری بسیارزیبائی روی آنها شده بود ، تزیینات هردروازه شکل خاصی داشت مثلا نمای دروازه دولت ازخارج نقش رستم وسهراب را داشت . درمحوطه داخلی هردروازه زمینی بوسعت‌یك‌جریب برای فرودآمدن وتوقف کاروانها جهة بازرسی‌بودکه اطراف‌آن بوسیله طاق‌نماها وچنداطاق وآب انبارمحدود شده بود. درماه رمضان درچهاردروازه توپها هنگام افطار وسحررااعلام مینمودند .

لرد گرزن درکتاب جهانگردی درایران مینویسد : «اول چیزیکه پس‌از مشاهده نقش رستم ودروازه تهران توجه مرا جلب‌کرد ، پاسبانها وقراولان دروازه ها بودکه بالباس رسمی دردالان پایتخت قبله عالم‌کشیك میدادند وهمینکه ازدروازه وارد شهرشدم مثل‌این‌بودکه دوباره از شهر بیرون رفته و در صحـرا افتاده‌ام زیرا از خانه و آبادی و بـازار وجمعیت تا مدت مدیدی خبری نبود .

پایه شهرتهران را خیلی عالی برداشته‌اند ، ازاینرو پایتخت هم مانند خود کشور خیلی وسیع ودرعین‌حال‌کم جمعیت میباشد ، بالاخره پس‌از طی مسافت بسیاری بآبادی رسیدم . صدای زنك واگن اسبی بگوشم خورد عمـامه های رنگارنك ، کلاههـای پوستی ، زنهای سیاهپوش تك وتوك کلاه فرنگی ، خانه های‌گلی ، دیوارهای بلند ، حرمسراها و درشکه نقاشی درهـم برهمی را مجسم میساخت» .

مرکزشهرتهران میدان توپخانه بوده‌است «میدان سپه فعلی» درقسمت شمال وجنوب‌آن چندین اطاق‌کوچك یك اشکوبه ودواشکوبه ساخته شده بودکه منزل سربـازان توپچی وانبار اسلحه ومهمات‌آنها بود ، درقسمت خاوری‌آن بانك شاهنشاهی (انگلیس) ، قسمت باختری‌آنهم دیوار قورخانه ، پاسدارخانه وچند اطاق دیگر ساخته شده بود .

دروسط میدان یك حوض آب و چندین توپ دهن پر دیده میشد . آنزمان روزهای عید قربان شتری ازشترخانه سلطنتی دراختیار رؤسای صنف کله پز، آشپز، قصاب ، پالاندوزوغیره میگذاردند وچندروز پیش‌ازعیدآن شتررا بزك کرده وشالهای رنگارنك بسروگردن آن میآویختند رؤسای صنف هم هریك طاق شالی بگردن وبراسترهای بزك کرده سوارشده چندنفر سورناچی نیز درمعیت آنها اطراف ارك میگشتند ومردم‌را برای تماشای روزعید دعوت مینمودند. درروز عید یکی از بستگان سلطنتی که نیم تنه اطلس سه رنك برتن داشت نیزه بدست جلوی این‌قافله بمیدان وارد میشد نزدیك ظهر نیزه را بشترحواله میکرد بلافاصله آن حیوان فلك زده قطعه قطعه میشدکه گوشت‌کردن اورا باندرون سلطنتی برده وبرای اعیان ورجـال قطعه‌ای ازآن گوشت فرستاده میشدکه ازآن بخورند تاموجب طول عمرشان بشود .

خیابان بندی شهرتهران ازآن تاریخ تااوایل سلطنت پهلوی بشرح زیـر بود : میدان توپخانه دارای شش دروازه بود که بشش خیابان بـازمیشد جنوب باختری دروازه‌ای بودکـه بخیابان باب همایون (دالان بهشت یا در الماسیه) باز میشد این خیابان مصفاکه اطراف آنرا چنارها ونارونهای پیوندی‌کهن گرفته بود تاجلوی درب اندرون (وزارت دارائی فعلی) ادامه داشت ازآنجا بسمت راست وچپ بخیابان جلیل‌آباد (خیام) ونـاصریه (ناصرخسرو) میرفت . وضع خیابانهای ارك بازمان فعلی تغییری نکرده مگرساختمانهای سلطنتی و سربازخانه هـای گارد نصرت و گـارد اقدس و مدرسه نظـام خراب شده و بجـای آن وزارت بهداری و دادگستری ساخته شد .

محوطه فعلی جلوی وزارت‌کشور ومرزبـانی واستانداری سابق میدانی بود (بنام ارك یامیدان شاه) دروسط آن‌حوض بزرك گردی بودکه سربازها درآن شنامیکردند وتوپ مروارید هم (فعلا درباشگاه افسرانست)که میگفتند نادرشاه آنرا ازهندوستان آورد وجمعی عقیده داشتنداز توپهای ساحلی پرتقالیها بوده که شاه عباس بغنیمت باصفهان آورده وفتحعلیشاه آنرا بتهران انتقال دادند . این توپ درقسمت جنوبی استخر روی بلندی قرارداشت‌که روز۲۷ ماه رمضان قسمت اعظم زنها ودخترهای تهران واطراف تهران برای بخت‌گشائی یاشوهرکردن یا بچه‌دار شدن دراین‌محوطه اجتماع‌کـرده وبادادن یك پول (نیم شاهی) بسربازان محافظ بـآن دخیل می‌بستند ، جیره و حقوق پاسداران نگهبان یـابعبارت دیگر متولیهای آن توپ مقدس منحصر بحق‌الزحمه‌ای بودکه از زوارهای باایمان توپ مقدس دریافت میداشتند . مجـازات محکومین بـاعدام در این میدان (گاهی درحضور شاه) بعمل میآمد که مجرمین را شکم پاره کـرده یا سر میبریدند .

روبروکمی درسمت‌چپ این‌میدان **سبزه میدان** واقع شده‌که چند درخت سرسبز وچند حوض و قهوه‌خانه آنرا مصفا نموده بود وکسانیراکه باید شلاق بخورند یا دست وگوش‌وبینی ببرند‌گاهی درهمین میدان انجام میشد .

بین‌این‌میدان ومیدان‌ارك خیابان جباخانه(بازارمرغیهاوگلوبندك درپشت‌ودیوارجنوبی‌این خیابان بود) واقع شده‌که اطراف آنرا اسلحه سازها (شمشیرساز، قمه ساز، تفنك ساز وغیره) یراق بافها فراگرفته‌اند وپشت‌آن‌وخیام‌خانه سلطنتی ودوساق‌خانه (محل زندانیهای مهم) بود .

دربالای دروازه ارك نقاره‌خانه بودکه هنگام طلوع وغروب آفتاب وماه رمضان سحرها ونیز روزهای سلام موقعیکه شاه بتخت می‌نشست بنوازش درمیآمد .

خیابان جباخانه درگلوبندك پایان مییافت .

در جنوب خاوری میدان توپخانه دروازه دیگری بود که بخیابان ناصریه باز میشدکه همین میدان ناصرخسرو فعلی است که گشاد شده است.

درخاورمیدان توپخانه دروازه دیگری بودکه بخیابان برق (امیرکبیر) فعلی بازمیشد و این خیابان‌هم تغییری جزتوسعه نکرده‌است.

درشمال خاوری میدان‌توپخانه دروازه دیگری‌بودکه بخیابان لاله زار بازمیشد ودرشمال باختری آن دروازه‌ایکه بخیابان علاءالدوله (فردوسی) بساز میشد واین دوخیابان تاخیابان اسلامبول امتداد داشتند.

در کوچه باختری آن میدان دروازه‌ای بود که بخیابان باغشاه (سپه) بساز میشد و از چهارراه حسن‌آباد چهارخیابان میشد خیابان دروازه‌قزوین یافرمانفرما(شاهپور) خیابان یوسف آباد (شاهپورشمالی).

خیابان جلیل‌آباد (قرینه ناصریه) درحاشیه باختری ارك ساخته شده بود. بقیه خیابانها تدریجاً ساخته شده بودکه واگن اسبی ازکنار یا میان‌آنها عبور میکرد.

اداره ومحل واگنهای اسبی درخیابان فیلخانه یا لختی (اکباتان) درمحل فعلی شرکت‌کل تلفن بود. خط آهن درحدود هفت‌کیلومتر درخیابانهای لاله زار، باغشاه، دروازه قزوین، ناصریه، برق، ماشین واخیراً تاجلوی باغشاه‌کشیده شده بودکه یکی ازروزهای سال ۱۳۰۹ شمسی بفرمان پهلوی‌فقید برچیده شد. سازمان این بنگاه عبارت بود از۳۰ واگن ۱۵۰ اسب روسی، شصت راننده، بلیط فروش ومییز.

محوطه بین خیابانهای مارشال استالین، فردوسی، سوم اسفند وسپه بوسیله دیوارگلی مسدود ودرجنوب خاوری آن در بزرگی داشت بنام میدان مشق ودراختیار قزاقخانه بود و ژاندارمها یاسربازهای ایران بدون‌اجازه حق نداشتند درآن‌میدان بآموزش نظامی بپردازند.

اطراف خیابانهای شاهپور و ری و باغشاه اغلب زمینهای زراعتی بود.

عمارات سلطنتی داخل ارك عبارت بودند از:

۱ ــ عمارت وباغ تخت مرمر.

۲ ــ عمارت موزه‌که بامرناصرالدین‌شاه ساخته‌شده شمشیرهای مرصع امیرتیمورگورکان شاه اسمعیل وشاه عباس وتاجهای سلاطین‌صفوی، تاج‌کیانی، کوه نور، دریای نور، کره جهان نمای مرصع، تخت مرصع وتخت طاوس ومقدارزیادی اشیاء عتیقه‌ذیقیمت وجواهرات تراشیده ونتراشیده پیاده شده وظروف طلای و ... دراین عمارت جا داده شده بودکه بعداً جواهرات آن برای پشتوانه ببانك ملی انتقال داده شد.

۳ ــ عمارت شمس‌العماره‌که بامر ناصرالدینشاه ساخته شده بود.

٤ ــ عمارت خوابگاه.

٥ ــ تکیه دولت‌که شبیه بعمارت ایرت هال لندن بود سقف آن ازمیله های آهن بشکل گنبد ودروسط آن محوطه صفحه بزرك برای شبیه‌خوانی وتعزیه واطراف‌آن غرفه‌هائی بودکه هریك از رجال هنگام عزاداری آئین می‌بستند این غرفه ها دو اشکوبه بود و پسائین آن پله‌کانهای مطول و متعدد برای تماشاچی‌ها ساخته شده بود چند غرفه هم مخصوص شاه و خاندان سلطنتی بود.

عمارات سلطنتی خارج شهر عبارت بود از :

۱ ـ باغشاه که باغ بزرك کروی بشعاع ۵۰۰ متر بود دروسط آن استخری بود که در وسط آن جزیره وروی جزیره مجسمه ناصرالدین‌شاه درحالیکه سواراسب بود نصب شده بود.
قسمت شمال باغ ساختمان مختصری بود که محمدعلیشاه هنگامیکه بامجلس ومشروطه طلبان اختلاف پیدا کرد بآن‌محل تغییرمکان نمود ومرحوم ملك‌المتکلمین‌وجهانگیرخان صوراسرافیل را درهمانجا طناب انداخت .

اطراف این باغ باسب دوانی‌های رسمی اختصاص داشت .

۲ ـ عمارت دوشان تپه که مظفرالدین‌شاه باهزینه مبالغ گزاف دستگاهی ازخارجه وارد کرده بودکه مانند تلمبه آب ازسطح زمین ببالای تپه انتقال میداد و درزمین مسطح مختصری سبزی میکاشتند .

۳ ـ عمارت قصرقاجاربود که بامرفتحعلیشاه ساخته شده وفعلا اثر ازآن نیست .
٤ ـ عمارت فرح‌آباد .
۵ ـ عمارت سلطنت‌آباد که فعلا کارخانه مهمات سازی میباشد .
٦ ـ عمارت ضرابخانه .
۷ ـ عمارت صاحبقرانیه درنیاوران .
۸ ـ عمارت منظریه .
۹ ـ عمارت شهرستانك که شکارگاه ناصرالدین‌شاه بود .
۱۰ ـ عمارت سرخ حصار که آش همدرجوش درآنجا پخته میشد واین آش مخصوص ، محتوی‌کلیه حبوبات وسبزیها بود .
۱۱ ـ عمارت جاجرودکه شکارگاه ناصرالدین‌شاه ومظفرالدین شاه بود .

اشیاء نفیس و جواهرات سلطنتی

لردکرزن درکتاب خود مینویسد : ناصرالدین‌شاه درسال۱۸۷۳ میلادی برابر ۱۲۹۰ هجری ازفرنگستان بازگشت بفکرساختن موزه افتاد وباذوق‌وسلیقه شرقی انباری برای جادادن چیزهای گرانبها بنا نمودکه بیشتر بمغاره علاءالدین کتاب الف لیله شباهت دارد. مثلا درعین‌حال که گرانبهاترین‌گوهرهای شرقی را دریکی اززوایای این موزه می‌بینید فوری همانجا پهلوی آن تکه جواهر یك مسواك‌کوچك بیقدروقیمتی را خواهید دیدکه بیش‌از دوسه قران ارزش ندارد ،کله حیواناتیکه شاه شکارکرده، آلات عادی موسیقی کارسویس، ظرفهای چینی، عکسهای رنگین مجله های انگلیسی و بسیاری چیزهای دیگر بدون رعایت هیچ نظم وترتیبی باصدها اشیاءگرانبها قاطی پاطی شده‌است . بهرحال دراطراف اتاق جعبه آئینه‌های عالی کارگذاشته و پشت‌آنها خرمن خرمن جواهرات پیاله ، تراشیده ونتراشیده رویهم توده شده‌است، درمیان این جعبه‌آینه ها ، جعبه‌آینه مرواریدِ غلطان چشم بیننده را خیره میکند ، شمشیر امیرتیمور ، شمشیر شاه اسمعیل ، شمشیرآقا محمد خان ، زره شاه عباس‌که بطرزشگفتی بجواهر نفیسه مرصع هستند ازنفایس عمده این موضع است . تاجهای صفویه ، تاج فتحعلیشاه ، جیقه محمد شاه ، تاج سلام نوروز ، قلیانهای جواهر نشان ، خنجرهای مرصع ، ظروف بسیارزیبای طلا ونقره بانگین های بسیارعالی ، سردوشی‌های الماس، انفیه دانهای مرصع ، تابلوهای نقاشی،کاشیهای

معروف که از هر جواهری زیباتر است و بسیاری از شاهکارهای نفیس ساخته دست طبیعت و انسان درزیر سقف این بنای محقر ریخته است و اینک قبل از بیرون آمدن ازموزه لازم میدانم پارهٔ از نفایس بی‌نظیر این موزه را بتفصیل بنگارم :

اول ـ کره جواهر ، این کره را بامر ناصرالدینشاه ساخته‌اند ، خودکره از زرناب است و ۷۵ پوند وزن دارد ۵۱۳۶۶ تکه جواهرهای گوناگون بوزن ۳۶۵۶ گرم درساختن آن بکار برده‌اند که تخمیناً یك میلیون لیره میارزد ، بقدری سنگهای قیمتی آن درخشنده است که چشم را میزند و پیدا کردن اماکن جغرافیائی را مشکل میسازد . دراین کره مرصع دریا اززمرد ، افریقا از یاقوت سرخ ، هندوستان ازیاقوت کبود ، ایران از فیروزه ، انگلستان و فرانسه از الماس طرح شده .

دوم ـ سه قطعه جواهر گرانبهای بی‌مانند یکی الماس مشهور بدریای نور برادر کوه نور که هردو جزو جواهرهای محمد شاه هندی بوده و بدست نادرشاه افشار افتادند ، همینکه نادرشاه کشته شد احمد شاه دورانی که جزء ملازمین نادر بود کوه نوررا ربوده و بافغانستان گریخت و در آنجا کوه نور بدست شاه شجاع افتاد و طولی نکشید کــه (رونجت سدارسینك (RONJFT – SEDAR – SYNG هندی مشهور بــه شیرپنجاب کوه نوررا ازشاه شجاع گرفته و بهند آورد ، سپس بخاندان سلطنتی انگلستان انتقال یافت و اکنون در آنجا میباشد ، اما دریای نور که ۱۸۶ قیراط وزن دارد قریب دویست هزارلیره میارزد ودر نتیجه خودپسندی و نادانی فتحعلیشاه بهای آن بصدهزارلیره تنزل یافت باین قسم که فتحعلیشاه برای جاویدان کردن خودخواهی خویش دستور داد نامش را روی دریای نور کنده کاری نمایند، درنتیجه اینکار آن گوهر بی‌مثل ومانند را معیوب ساخت ، دیگر ازجواهرهای قابل ذکر یك تکه یاقوت درشت نتراشیده متعلق به «اورنك زیب» است که اکنون روی تاج کیانی نصب کرده‌اند و بالاخره انگشتر برلیان زیبائی است که ژرژچهارم پادشاه انگلیس برای فتحعلیشاه فرستاده بود .

سوم ـ تخت یاصندلی مرصع پرقیمتی است که بالای اتاق موزه افتاده ودرپاره‌ای اعیاد رسمی شاه روی آن می‌نشیند ویاقوتها وزمردهای عالی درآن بکاربرده‌اند .

چهارم ـ مجموعه عکسهای خاندان سلطنتی انگلستان کــه درسال ۱۸۷۳ بناصرالدینشاه اهدا کرده بودند و بانگین‌های ممتاز نفیس قابهای آنــرا تزئین نموده‌اند ، دست کارهای عــاج تابلوهای استادان نقاشی ایران ، مخصوصاً تابلوهای استاد بزرك ابوالحسن‌خان غفاری ملقب به صنیع‌الملك ، منبت کاریها وچیزهای دیگر این‌موزه هــریك درخور قلمفرسائی بسیارمیباشد و ازقراریکه بمن گفتند علاوه براین انبارها زیرزمین دیگری بنام خزانه درهمان عمارت سلطنتی موجود است که محتویات آن ازحیث گرانبهائی دست کمی ازاشیاء موزه ندارد درهرحال بسیار متأسف شدم که چگونه ملت ایران درنهــایت عسرت و بدبختی بسرمیبرد وازنعمت بهداشت و فرهنك وتمدن محروم مانده واین گنجهای گرانبهاء بدون هیچگونه مصرف دراین پستوها بخاك رفته‌است ، ایکاش پیش‌ازآنکه یك پادشاه طمعکار شرقی یایك فاتح شمالی براین ذخیره های سنگین قیمت دست یابد بهای آنرا صرف ساختن راهها ، آبادکردن شهرها ، حاصلخیزکردن زمین‌ها ، آبیاری دشت ها وبستن سدها بکنند واین ملت باهوش راکــه دراثر جهالت اینگونه تیره روزگشته ازنو زنده سازند .

تخت طاوس ـ دیگرازبناهای قابل‌ذکر عمارت سلطنتی اتاق شوری است که بواسطه تخت طاوس نه بواسطه انجمن شوری اهمیت بسیاری دارد . درباره تخت طاوس واصل ومنشاء

آن چیزهای زیادگفته‌اند ونوشته‌اند : ابتدا تخت طاوس کنونی اطـاق‌شوری را شرح داده و سپس عقاید دیگرانرا درباره آن بگوییم . تخت طاوس تهرانی باصطلاح غربیان صفه یاسکوئیست که هفت پایه مرصع دارد ، روی تخت را ازبرگهای طلا پوشانده‌اند ، بـالای دوپله تخت دو سمندر ساخته‌اند ، لبه های تخت کنده‌کاری شده وپاره‌ای اشعارفارسی نگاشته‌اند ، پشت تخت‌هم جواهرکاریست و دروسط آن درجائیکه تکیه میدهند ستاره جواهرنشان متحرکی تعبیه نموده‌اند که بادانه های الماس مزین میباشد . دوطرف ستاره دومرغ‌کوچك قرارداردکه روبستاره‌اند، نکته جالب توجه‌آنکه‌کوچکترین نشانی ازطاوس دراین تخت نیست ودومرغ مزبور بگنجشك یا بلبل شباهت‌کامل دارند . این بود تفصیل مختصری ازتخت طاوس .

اما درباره تخت طاوس هندکـه جهانگردان خـارجی بویژه تاورنیه در۱۶۶۵ میلادی برابر۱۰۷۶ قمری آنرا در دهلی دیده ...... **سرجـان ملکم** انگلیسی معتقد است که نادر شاه ازجواهرات هندوستان تخت‌تازگی بنام تخت طاوس‌درایران ساخت‌که شاید همین‌تخت‌طاوس فعلی باشد . کلنل **فریزر** معاصر فتحعلیشاه ازقول پیرمردی‌کرد نقل‌میکندکه هنگام کشته شدن نادر خود این پیرمرد حاضربوده وبنابگفته او تخت طاوس نادررا شکسته وبغارت بردند .

من خود ازمردان مطلع‌تهران شنیدم‌آنکه فتحعلیشاه دراصفهان بازنی ماهرو‌بنام طاوس خانم ازدواج نموده وتخت طاوس فعلی تهران بدست استادان هنرپیشه اصفهان بافتخارآن‌جشن عروسی ساخته شد وشاید ازجواهرهای تخت‌طاوس هندهم درساختن‌آن مصرف‌کرده‌اند وخلاصه کلام آنکه تخت طاوس فعلی تهران غیراز تخت طاوس مشهور محمد شاه هندی میباشد زیـرا تخت فعلی باتوصیفی‌که تاورنیه ودیگر جهانگردان ازتخت طاوس هند کرده‌اند تطبیق نمیکند . بعلاوه دراین تخت غیراز دوپرنده‌گنجشك مانند چیزدیگری موجود نیست واساساً حمل ونقل تخت طاوس باوسائل باربری آنروز بسیارمشکل بوده‌که همانطور درسته ودست نزده ازهند بایران بیاید وپس‌از قتل نادر وانقلابات داخلی بدون‌کم وکسر باقی بماند ، اینك که صحبتهای ما از تخت طاوس واطاق‌موزه بپایان رسید ازکتابخانه سلطنتی واسلحه خانه واطاقهای‌یکنواخت‌دیگر عمارات سلطنتی بسرعت‌گذشته وارد حیاط‌گلستان میشویم . دراینجا بنابعادت معمول حوض‌هـای بزرك ، فواره ها وچنارها خودنمائی میکنند . بعلاوه باغچه هـای مصفا بطورمطبوعی‌گلکاری شده وغیراز چنار وتبریزی درختهای سرو صنوبرهم درکناریکدیگر ایستاده‌اند، جویهای آب را کاشی‌کاری‌کرده‌اند ، درحوض‌ها غاز وقو وماهیهای طلائی شنا میکنند ، پلهـای کوچك آهن ، کوشکهای قشنك چراغها ومجسمه‌ها وگلدانها وبسیارچیزهای مطبوع این‌حیاط عـالی را زینت داده‌است وازهمین جهة است‌که مراسم‌سلام قبله‌عالم بیشتر دراین‌سرا برگزارمیشود ومن‌افتخار حضوریکی ازاین سلامهارا داشته .... انتهی» .

آقای جواهر الکلام درصفحه ۸۹ کتاب تاریخ‌تهران درموردجواهرات چنین‌نوشته‌اند: سند نگارش تاریخچه تحف وجواهرات سلطنتی‌که نام ووزن واندازه‌آنهارا مینگاریم سیاحتنامه **شاردن**‌فرانسوی‌سیاح نامی عصرصفوی درایران ودفتررسمی‌اداره بیوتات سلطنتی‌که نگارنده در پایان سلطنت مرحوم احمد شاه قاجار بااجازه‌کتبی خاصی صورت ثانوی آنرا یادداشت‌کرده و تازمان معتدیهم نفایس‌کتابهای‌کتابخانه سلطنتی را بازدید ومطالعه مینمود . چنانکه دررسالـه تاریخ‌کتابخانه های ایران چاپ طهران بسال ۱۳۱۱ شرحی ازآنها بعنوان (کتابخانه سلطنتی) نگاشته ... ونیز ازحسن اتفاق چندمرتبه درب اطـاق موزه را برای برخی ازتماشاچیان یـا

دیپلوماسی مهم بیگانه بازمیگردند بیازدید باقیمانده تخت طاوس وبسیاری ازذخایرملی وغیرملی که درآنجا گردآوری شده موفق گشته .

تاریخچه مزبور جواهرات وکتابهای نفیس کتابخانه سلطنتی تنها تاهنگام انقراض دولت قاجاریه برای مؤلف این کتاب سندیت دارد ومسئولیت تاریخی آن را بعهده خود میداند ولی از این تاریخ تاامروز دسترسی بـ رسند واقعی نداشته و ازبازجوئی بااعتماد برنگـارشات بی‌مدرك روزنامه های وقت خودداری نموده وبرای اینکه خزانه مزبور تااندازئی بخزانه صفویه وخزانه نادرشاه ارتباط تاریخی دارد ، تاریخچه اجمالی آنهارا نیز بطور مقدمه ذکر مینماید .

(۱) خزانه صفویه درقلعه طبرك ثروت هنگفت صفویه واسلحه پرقیمت وتحف و جواهرات ایشان درقلعه طبرك سمت شمالی اصفهان ذخیره میشده‌است . شاردن فرانسوی داخل قلعه مزبور گردیده ومقداری ازاسلحه نفیسه وتحف گرانبهای آنرا بازدید نموده وچنین نگاشته : درقلعه طبرك سه عدد خزینه بوده‌است که آنهارا ازاسلحه قدیمی وشمشیرها وسپرها وپیکانهای طلائی مرصع بگوهرهای نفیس ونایاب مملو نموده‌اند ونیز درآنها صندوقهای بسیاری ازاسلحه تازه کاروساعتهاودوربین‌های باقیمت ودرهمین قلعه خزانه‌ایست که برای جواهرات وتحف بالخصوص ساختند این خزانه دارای چهاراطاق است :

(۱) ــ بـرای **فیروزج** بالخصوص وآنچه ازآن صیقلی شده‌است درکیسه‌های سربسته گذاردند وغیرصیقلی آنهارا برروی زمین افشانده‌اند .

(۲) ــ مختص جواهرات تك وهمتا .

(۳) ــ برای آبگینه های مرصع بانواع واقسام گوناگون جواهر .

(٤) ــ برای ظروف مرصع وآلات طلائی طباخی وغیره است .

شاردن مینویسد : ازجمله نفایسی که دراین خزانه دیده‌ام صندوقی‌است محتوی ششصددانه گوهر بزرك وصندوقیست شامل چهارصد خنجر مرصع بوده‌است، چنانکه درخزانه صفویه جواهرات بسیاری مشاهده کرده‌ام که درخزانه‌های شهریاران هم‌عصر ایشان یافت نمیشوند . ازجمله نفایسی که درآن ملاحظه کرده‌ام پوست ماریست ببلندی ۲۰ قدم وبپهنای ٤ قدم ودرآن لباس امیرتیمور وفرزندش شاهرخ بوده‌است ، بازهم شاردن مینگارد: که دراین خزانه چیزی بسیارجلیل‌القدر بوده است که ایرانیان آنرا بعلم امام عسگری مینامیدند ...

خزانه صفوی فهرست منظمی داشته که درآن آغازتاریخ تأسیس کتابخانه را اززمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی نگاشته شده‌است. چنانکه نام تحف ونفایسی که بغنیمت گرفته شده‌است یا اینکه بطور ارمغان تقدیم گردیده جداگانه نوشته شده .

خزانه نادرشاه افشار

نادرشاه پس‌از نابودکردن دولت صفویه برخزانه آنها درقلعه طبرك استیلا یافت وخود نیز تحف ونفایسی که ازخزانه محمد شاه هندی بغنیمت برده بود برآنها افزوده ولی خزینه نادر شاه پس‌ازکشته شدن او واستیلای زندیه و تسلط قاجاریه برزندیه بیشترذخایر خزانه صفویه و نادرشاه دستخوش غارتگران شد ومتلاشی گردید . خزانه موجوده در دربـار قاجاریه درحقیقت همان باقیمانده خزانه نادرشاه‌است که شهریاران قاجاریه نیز برآن افزوده‌اند . ازنوادر وتحف خزانه نادرشاه که در دربار قاجاریه بوده‌است :

(۱) گوهر گرانبهای موسوم بدریای نور و آن تکه الماسی است درشکل مربع مستطیل ساخته شده است که هیچگونه عیب قیمتی ندارد ، وزن آن هفده مثقال وده دانه است ، این گوهر گرانبها دردرج طلائی مکلل بسیصد وهفتاد وچهار تکه ازالماس قیمتی وچهارده دانه ازیاقوت .

(۲) **تخت محمد شاه هندی** ـ وآن بردوپله طلا استوارشده است وازدوازده تکه مرصع بانواع جواهرات ترکیب یافته است وبرآن تکه زمردی آویخته شده است که وزنش ۳۰ قیراط تا ۲ قیراط میرسد .

(۳) **انفیه دان زمرد** ـ این انفیه دان درهند نیز ازطلای خالص بکار آورده اند که تماماً تیکه های الماس گرانبها وزمرد پرقیمت مرصع است ووزنش ۲۸ مثقال وچهارده دانه است ، این تحفه محمد شاه هندی بنادرشاه تقدیم کرده است . نادرشاه چندکتاب خطی نفیس هم ازهندوستان باخود آورده که درکتابخانه سلطنتی قاجاریه بوده ...

خزانه دولت قاجاریه وتحف گرانبهای آن

این خزانه شامل باقیمانده خزانه **صفویه** وخزانه **نادرشاه** باافزودگی محدودی که درزمان ناصرالدین شاه ازمیان رفته وباقی را دراطاق محکم مخصوصی در دربار ودرجعبه های بسیارمصونی گذاشتند و بجزشاه آنهم باشرایط خاصی احدی نمیتواند آنهارا ببیند یا نگاه بدارد البته این برنامه تاپیش از اندك زمانی صورت قانونی وپارلمانی بخودگرفته بود واجرامیگردید ولی ازآن تاریخ تاکنون ازاوضاع وچگونگی آنها آگاهی درستی نداریم . درهرصورت برطبق احصائیه رئیس دربار وبیوتات سلطنتی قاجاریه که نگارنده ملاحظه کرده کلیه جواهرات وتحف موجوده درخزانه ازاینقرار است :

مجموع شمارش جواهرات بزرك وکوچك

پنجهزاروچهارصدوهیجده تکه است که بیشتر تکه های بزرك آنها شامل چندین تکه از جواهرات متنوعه گرانبهـا میباشد : مانندگوهرنامی معروف به «سردارقزاقی» یك تکه است ولی محتوی شصت وهشت تکه ازجواهرات پرقیمت ونفیس میباشد . ازمعروفترین این نفایس (۱) **دریای نور** (۲) **تخت محمد شاه هندی** (۳) انفیه دان زمرد که ذکرشده است . (٤) تاج کیانی است که بانواع جواهرات آرایش شده است وآنرا باگوهر دریای نور درموقع تاجگذاری شاه وقت میآورند .

و ازآنجمله (۱) **دوکره جواهرات** و آن عبارت از دوکره جواهر بزرك وکوچك است که ناصرالدینشاه بساختن آنها برطبق کره زمین و نقشه های آن دستور داده بود وکره بزرك ازآنها بسا جذاب وزیباست که ازبهترین نفایس و ذخیره های شاهانی بشمار رفته است . ساخت خودکره ازطلای خالص هیجده عیاری است ودرآن نقشه های قاره های پنجگانه زمین باضافه نقشه های دریائی ورعایت ممیزات بانواع جواهر بابهترین تصویرات ونگارشها تصویر شده است ، کره مزبور بوسیله خطهای فلکی نصف النهاری به بیست وچهارقسم ودرهرقسمتی ۲۵ تقسیم شده است که تماماً بالماس ولعل وزمرد وياقوت مرصع گردیده است . کلیه انواع جواهرات که دراین کره بکار برده اند ازاینقراراست : الماس ۱۵٤۷۹ تکه بوزن ۲۸۱۲ قیراط بجز ۹ اند ، یاقوت ۲۷۹۳۳ تکه دروزن ۳۷۵۳ قیراط ، زمرد ۵۰۲٤ تکه دروزن ۱۲٦۹۰ قیراط ، لعل ۳۹۵ تکه در وزن ۲۳۸۹ بجز ۱۲ اند ، زرخالص ٦۲۹٤ مثقال بجز ٦ دانه .

(ب) **سردارقزاقی** ـ وآن سرداریست ازقماش ماهوت سیاه رنك که برآن ٦٨ تکه الماس نفیس ترصیع کرده‌اند .

(ج) **سردوش الماس یا تاجماه** این سردوشی محتوی چند تکه ازالماس که در وزن ۱۱۲ قیراط و ٤ اند درآمده‌است ، شاه‌آنرا درمجالس رسمی سلام وغیره‌ها در برمیکند .

(د) **پیش کلاه سه خواهران** ـ ودرآن سه تکه الماس نفیس که درگوهردان خالص طلائی گذارده‌اند و زیرآن سه تکه الماس صورت دوعدد شیر و دوعدد ازصورت خورشید که با تکه هـای نفیس الماس مرصع شده‌است مجموع وزن این سه تکه المـاس ۱۲۰ قیراط و ۱۲ اند است .

(ه) **پیش کلاه** ـ از زرخالص مرصع بتکه‌های نفیس ازالماس نباتی‌رنك ودرمیان‌آن الماسی است بوزن ۱۱۱ قیراط و ۸ اند وبالای آن تاجی‌است‌که درآن صورت شیروخورشید مرصع بانواع جواهرات است، شاه درموارد رسمی آنرا بکارمیبرد .

(و) **شماره کلیه تسبیح های مروارید وزمرد** ـ یکصد تسبیح است که درمیان آنها تکه‌های نفیس ازمروارید بوزن یك مثقال یافت میشود ، چنانکه نیز دربین آنها یك تکه بزرك زمرد یافت میشودکه دروزن ۳۸۹ ونیم قیراط میباشد .

(ز) **تکه های الماس و زمرد** ـ که بشماره هزاران میرسد وبرخی ازآنهانگین انگشتر یادکمه جامه است یااینکه درزنجیرساعت یا غلاف شمشیری آویخته شده‌است، چنانکه برخی ازاین تکه های الماس بوزن ۱۵۰ قیراط تا ۳۰۰ قیراط هم میرسد .

(ح) **دسته‌های شمشیرهای مرصع** ـ که درحدود یکصد دسته شمشیرمرصع بانواع جواهرات است .

(ط) **زرخالص‌مرصع** ـ وآن بسیاراست که ازآن آبخوریهای معروف بصراحی و رهای قلیان‌گوناگون بیشمارساختند .

(ی) **مجموع وزن مروارید آویخته وافشانده شده خزانه** ـ که درتسبیح ا وجامه ها و شمشیرها وغیره‌است ۲۲ من ایرانی امروزاست (٦٧ کیلو) چنانکه مـروارید فشانده شده درکیسه های سربسته وصندوقهای خاص دراین‌خزانه گذاشتند .

موزه سلطنتی قاجاریه

در دربارقاجاریه که به‌ارك مینامیدند عمارت بسیارمجلل و باشکوهی است معروف بکاخ لستان‌که درآن اطاقهای موسوم به **طالار عاج وطالار بلور وطالار نارنجستان** اطاق موزه‌است درطول ٤۳ ذرع وپهنای ۱۸ ذرع ...

بسیاری ازسکه‌های‌باستانی ومجسمه‌های نفیس‌وتصویرات زیبا وجذاب درآن دیدم ازجمله ایسی‌که درآن بوده مجسمه کرگدن بزرگی است ازمس وساعت بزرك که رقاس‌آن فیل خود حرك باحرکات شگفت‌آور بوده‌است ونیز درآن یازده عدد صندلی قدیمی ساخت اروپا وچین ایران ومقدارزیادی ازظروف وآلات وقالیچه های پرقیمت یافت میشودکه ازتحف ونوادر هان بشمارمیرود وازبهترین نفایس‌آن :

تخت طاوس این تخت بشکل مربع مستطیلی است که برهشت پـایه استواراست و

دارای دوپله است و بر آن چهارده گنبد بدرازای ۲۷۵ سانتیمتر و پهنای ۱۷۷ سانتیمتر وهمگی تخت مزبور از یك قطعه طلای خالص ساخته شده‌است و بر آن رسم و نگارهای زیبائی گل و لاله و حیوانات متنوعه و درآن اشعار مطبوع نگاشته شده‌است . شماره جواهرات آن از اینقرار است :

الماس ۱٤٤٤ تکه زمرد ۱٤۳۱ تکه لعل ۸۵٦ تکه یاقوت ۱۵۸ تکه و برسمت فوقانی این تخت تاجیست ازفلز وجلوآن از زرخالص که بامینا منبت کاری شده‌است . این تاج نخستین تاجیست که برای آقامحمد شاه قاجار ....

واما راجع بقیمت تخت وآنچه ذکرشده‌است بمبلغ یك کرور ونیم است و برخی دیگر بتحقیق ... از ۱۰ میلیون الی ۲۰ میلیون گفته‌اند .

سفارتخانه ها

قدیمترین سفارتخانه ها سفارت عثمانی و بعد سفارت روس بود محل سفارت روس در بازار عباس آباد (باغ ایلچی) بود ولی پس‌ازکشته شدن سفیرروس بدست مردم متعصب شهر محل سفارت بمرکزشهر و به پامنار (بانك روس فعلی) انتقال یافت .

سفارت ییلاقی انگلیس در قلهك را محمد شاه قاجار درسال ۱۲۵۱ به سرجان کمپ بل وزیرمختار انگلیس بخشید ویك قسمت را ناصرالدینشاه بآن اضافه نمود .

سفارتخانه ییلاقی عثمانی و فرانسه در تجریش وسفارت اطریش در رستم‌آباد بودکه تابستانها بآنجا انتقال پیدا میکردند و این هنگامیکه شاه و دربار بقصد ییلاق تهران را ترك میگفتند .

جزو کاروان سلطنتی حرم خانه شاه بود (فتحعلیشاه–۱–گویاهفتصد زن‌عقدی وصیغه داشته) قسمت مهمی ازسوگولیها وزنهای محترم شاه بوسیله کالسکه‌هائیکه ازداخل بوسیله پرده سیاه مستور بود نیربکاخهای ییلاقی منتقل میشدند ، هنگام حرکت فراشها ویساولان فریاد میزدند « دورشو » « کورشو » عابرین و کسبه پشت بکاروان و روبدیوار ایستاده و چشمهای خودرا می بستند .

انتظامات شهر – سابقاًشهر بوسیله کلانتر وداروغه اداره‌میشد محل داروغه روزها درچهارسوق بزرك بود وشبها گزمه وشبگردها باآهنگهای بیدارباش ، هوشیارباش یکدیگررا آگاه ومردم را ناراحت مینمودند .

مشاغل – در دوران استبداد بهترین مشاغل را ازنظر احترام عمومی مأمورین دولت یعنی‌مستوفی‌ها – میرزاها– فراشها (یوزباشی – پنجه باشی – دهباشی، باشی) وغیره داشتند.

پس‌از مشاغل دولتی بهترین شغل پیشه‌وری بودکه شرح آنهاگذشت .

کسبه مورد احترام مردم بودند درمعاملات راستگو ودرست کردارومورد اعتمادبودند .

کنت دوگوبینو سفیرفرانسه درایران درکتاب خود بنام سه‌سال درایران مینویسد: « بعداز میرزاآقا یکی‌از بزرگترین‌طبقات شهرنشین ایران کسبه هستندکه نزدمردم خیلی»

---

۱ – ملك ابن‌سعود پادشاه‌کشور عربی‌سعودیه معلوم نیست چند زن داشته‌که فعلا ۱۵۰ فرزند ذکور زنده ازآنها دارد .

«احترام دارند. کسبه ایرانی مردمانی درستکار وامین میباشند ومن درطول مدت اقامت خود»
«درایران ازهیچیك ازآنها تقلب ندیدم».
«یکی ازعلل درستکاری ایرانی اینست که برخلاف میرزاها سرنوشتشان بتصادف نیست»
«بلکه زندگی ثابت ومطمئنی دارند».
«کسبه ایرانی غالباً پسر بعدازپدر شغل آباء واجدادی را قبول مینماید وهرکاسبی که»
«میمیرد قطعاً برای فرزند خود سرمایه باقی میگذارد وکم اتفاق میافتادکه فرزندکاسب ثروت»
«موروثی را بباد بدهد بلکه غالب چیزی هم برآن افزوده وبرای وارث خود باقی میگذاردند».
«یکروز درتهران بازرگانی را دیدم که بپول فرانسه هیجده هزارفرانك طلا ببازرگان»
«دیگرداد وهمینکه دیگری قبض نوشته ببازرگان اول تسلیم نمود طلبکار خشمگین شد وقبض را»
«پاره کرد وگفت حاجی آقا مگرشما امین نیستیدکه بمن قبض میدهید».
«یکمرتبه دیگرهم که درتهران بودم یکی ازبازرگانان همدان که بهیچوجه اورا نمیشناختم»
«وحتی اسم اورا نشنیده بودم مبلغ پنجهزارفرانك ازسکه های قدیم ایران بوسیله یك چارپادار»
«برای من فرستاد وبعد معلوم شد حتی از چارپادار حامل سکه هاهم رسید نگرفته واین نشانه»
«آن بود که بمن اعتماد کامل دارد و تا خود شخص امین و درستکار نباشد دیگری را»
«امین نمیداند».

هوای تهران

موریه انگلیسی در کتاب خود مینویسد: هوای تهران بجهة نزدیکی آن بکوه البرز و دریای خزرکه پشت کوه البرزاست مختلف میباشد ودرتابستان نهایت ناسازگاری را دارد، زمین شهرپست وبارطوبت وشوره زار است.

فصل گرما جز عجزه درشهرکسی نمیماند، آب تهران نیز تعریفی ندارد البته این اظهار نظر مربوط بهنگامیست خانه های سردابی کم کم بعمارت درسطح زمین تبدیل شده باطلاقهای متعددی درشهر بود، اصطبل های بیشماری مملو ازدام (گاو وگوسفند واسب والاغ وشتر) درشهر بود ودرحقیقت هرسه نفر یك دام داشتند. ولی کم کم هوای تهران تااندازه ئی لطیف شد وعلت آنهم آن بودکه سی قنات آب ازدامنه های البرز بطهران کشیده شد زمینهای بایر داخل شهر مزروع شد، خیابانها درختکاری وروزی دومرتبه آب پاشی میشد، اسفالت وجود خارجی نداشت، شیروانی کم بود.

وبااینکه ییلاق شمیران نزدیك تهرانست آنچه خاطردارم جزمتعینین وخوش نشین ها کسی تابستان بشمیران کوچ نمیکرد مگرروزها وشبهای تعطیل والا باغهای داخل تهران وزیرزمین هائیکه سابقاً میساختند هوای مطلوبی داشت.

ولی ازسال ۱۳۱٤ ارتباط بین شهر و شمیران ازدوراه (پهلوی وقلهك) تأمین گردید موضوع رفتن ییلاق مخصوصاً بین ثروتمندان شهر وبازرگانان وپیشه وران رواج یافت ودرسال ۱۳۲۰ که جمعیت تهران بی تناسب روبازدیادگذارد موضوع خرید زمین وساختن خانه وتبدیل باغها واراضی باماکن مسکونی درقسمتهای مختلفه شمیران حتی لشگرك ومیگون واوشان وکرج رواج گرفت و تابستانها مخصوصاً روزهای تعطیل درحدود یك چهارم جمعیت تهران به ییلاقات اطراف میروند هوای تهران فعلا درتابستانهاگرم وگاهی تا٤٢ درجه میرسد زمستانها اغلب بیشتراز ۱۰ درجه زیرصفررا نشان میدهد.

درفصول بهار وپائیز هوای تهران معتدل ومطلوب است (درخرداد واسفندگاهی بادهای خطرناکی ازسمت قزوین میوزدکه چنارهای عظیم وشیروانیهای بزرك را ازجا میکند) .

مقدارمتوسط بارندگی به ۲۵۰ میلیمترمیرسد ولی آن سرمای شدید وبرفهای سنگین بیایی گذشته دیگر درتهران دیده نمیشود .

فشارهوا درحدود ۶۵۲ میلیمتر درجه هوا ۴۲ و ۱۱ وحدمتوسط ۱۵٫۵ میگردد. هوای تهران بطورمتوسط ۴۴ روز مستعد بارندگی و ۱۱۰ روز هوا ابر و ۲۵۵ روز هوا صاف است. روزهـای یخ بندان درتهران حداکثر دربعضی سالهـا ۷۴ روز حداقل ۲۷ روز حد متوسط ۴۴ روز میباشد .

ارتفاعات آب باران وذوب برف که درتمام سال میبارد بطورمتوسط ۲۲۲ میلیمتر وحد اکثر مقداری که در ۲۴ ساعت دیده شده ۳۰ میلیمتر بوده است .

درجه تابش آفتاب درتابستان ۴۸٫۷۴ درجه ودرزمستان ۲۵٫۳۰ درجه میباشد . درازی روزهـای تابستان بطور متوسط در حـدود ۱۴ ساعت ونیم و در زمستـان بطور متوسط ۹ ساعت ونیم میباشد .

جمعیت تهران درسنوات مختلفه متغیر وروبفزونی بوده است . لردکرزن که دراواخر سلطنت ناصرالدین شاه بتهران آمده مینویسد درتهران سرشماری علمی بعمل نیامده ولی ازروی میزان نان وآب ومسجد وحمام وامارات دیگرمیتوان جمعیت آنرا تادویست هزار وقدری بیشتر تخمین زد . بعضی ها معتقدندکه از ۱۷۵ هزار تجاوز نمیکند ، بیست سال پیش جمعیت آنرا ۱۲۰ هزارنفر نوشته اند ، ازاین جمعیت تقریباً همه مسلمان وشیعه اند، فقط چهارهزاریهودی درپایتخت اقامت دارد ... یهودیها درتهران ده کنیسه وچند مدرسه دایر کرده اند ، بیشترشان دلال وتاجر و طبیب هستند . شماره ارمنی های پایتخت قریب هزارنفراست ، دارای دونمازخانه هستند . گبرها یا پارسیان قریب چند صد نفرهستند ....

اما فرنگیهای مقیم تهران تاسال ۱۸۵۱ منحصر بکارمندان تجارتخانه ها وچند نفر تاجر وچند افسرمتخصص بود، هنگام اقامت من تعداد آنها بپانصدنفرمیرسیدکه بغیرازکارمندان رسمی سفارتخانه ها وچند بازرگان محترم بقیه ازهمان ولگردها وماجراجوهای مشهور اروپا بودندکه درتهران هم مانند قاهره واسلامبول دنبال شکار بلند شده اند .

یك سفارت کبرا ازطرف سلطان عثمانی وشش سفارت فرنگی دائراست : سفارت انگلیس، روس ، آلمان ، فرانسه ، اطریش، ایتالیا ، دولت هلندهم یك کاردار دارد، دربار پادشاهی منتظر وزیرمختار بلژیك میباشد ....

باید دانست که غیرازنمایندگان روس وانگلیس وعثمانی سایرنمایندگـان سیاسی کمترین مشغولیاتی دراین شهرندارند ، ممکن است ازطرف دولت متبوع خودشان بطورمحترمانه باین شهر شرقی تبعید شده اند تاضمناً درصدد استراحت وتجدید قوا برآیند .

راجع باهمیت تهران ازنظرپایتخت بودن میگوید : پاره ای به آغامحمدخان قاجاراعتراض دارندکه این شهربی استعدادرا مرکزحکومت داریوش وکورش نموده وپارهٔ برخلاف حسن انتخاب اورا ستایش میکنند . چیزیکه هست باید موضوعرا ازهم تفکیك نمود : از جنبه صحی وسیاسی شهرچندان خوبی نیست آبش کم است ... حاجی میرزاآغاسی وزیرمحمد شاه کوشش کـرد آب جاجرود وکرج را بطهران برساند ، اقدام اولی بواسطه اعتراض دهاقین ورامین وبی آب ماندن

مزارع جنوب تهران واقدام دومی بوسیله عزل حاجی بی نتیجه ماند (درمرآت البلدان نوشته شده: هم دراینسال بامرهمایون اعلیحضرت محمد شاه ازرودکرج تاشهرتهران که هفت فرسنك مسافت است نهری بزرك بامخارج گزاف بطرف شهر جاری کرده . از بالای باغ نگارستان گذرانیدند که ازدروازه شمیران بشهرمی نشسته وبرسر نهر تیمناً جشنی ملوکانه گرفتند ولی نگارنده اطلاع داردکه ابتکار این عمل باحاجی بوده کمااینکه نهردیگری هم ازکرج به یافت آباد کشیدکه هنوز جریان آب آن باقیست) وتهران باتشنگی وبرشتگی سابق باقیماند ، بیشترآب نوشیدنی تهران بوسیله قناتهائیست که ازکنار البرز سرچشمه میگیرد . این رشته قناتها مسافت زیادی درجویهای گوناگون غلطیده وبیماریهای تیفوئید واسهال وغیره را برای سکنه پایتخت بارمغان میفرستند ، طریقه تنظیف پایتخت ازکثافات وفضولات غیرصحی ولی بهترازسایرشهرهای ایرانست . معمولا درخانه های تهران یکی دوچاه بعمق ۱۵ تا ۲۰ مترمیکنند (خانه من ۱۲۷ متراست و چهارچاه دارد ــ نگارنده) وهمینکه اینها پرشد چاهای دیگری حفرمیکنند ، چون خــاك تهران رسوبی و قابل نفوذ میباشد سرایت محتویات این چاهها بآبهای نوشیدنی وآب انبارهای خانگی وحوضها بدبختیهای زیاد ایجاد میکند، معهذا تهران ۳۰۰۰ پا ازسطح دریا مرتفع میباشد . هوای زمستان وپائیز وبهارآن ازاین نظرقابل تمجید ودرتابستان هم ییلاقهــای کوهستانی نزدیك دردسترس عموم قرار دارد ...

نگــارستان یا جایگاه تابلوهای نقاشی . این عمارت سابقاً خارج تهران بوده، اکنون که شهربزرك شده توی تهران افتاده است ، پادشاه تاجرمنش فعلی بسیاری ازاراضی این بــاغ سلطنتی را بمردم فروخته است این بــاغ وعمارت درروزگار فتحعلیشاه بانی ومؤسس آن بسیار آباد بوده وحالا روبخرابی میرود، آنموقع چندین ساختمان بنام :کلاه فرنگی، استخرهای بزرك چنارهای بلند وبالاترازهمه حمام وصفه مرمرنگارستان عیش گاه پادشاه ایران بود .

سر برترآرکر درسال ۱۸۱۸ موفق بدیدن نگارستان شده وبحمام مرمرهم سری زده است. دروسط حمام حوض بزرك کاشی واطراف حوض صفه های مرمرسراشیب ساخته بودندکه پادشاه پادشاهان پری پیکران عریان را ازفرازصفه مرمر بدرون حوض میکشید .

لردکرزن میگوید من پس ازچندین سال بتماشای آن باغ وحمام شورانگیز رفتم ، صدای قهقهه لعبتان ماه منظر ازدرودیوار بگوشم خورد ولحظه ای خودرا درمیان آن پریرویان افکنده بیاد روزگارخوش آنان سرمست شدم وسپس بحال طبیعی آمده بتماشای تابلوهای نقاشی نگارستان شتافتم ، فتحعلیشاه عشق غریبی داشت که درودیوار ایرانــرا باشکال خود ویك فوج پسرانش منقش سازد ، شکل فتحعلیشاه همیشه باتاج وریش وشمشیر وسینه بند و بازوبند وقبای دراز و خنجر دیده میشود . دریکی ازتابلوهای نگارستان فتحعلیشاه روی تخت طاوس نشسته پسرهایش که شماره آنها دراین تابلو به پنجاه میرسد دراطراف تخت صف کشیده اند . نمایندگان انگلیس یعنی **سرجان ملکم ، سرهافوردجونس ، سرگور اوزلی** در یکطرف و حــریف فرانسوی آنها **ژنرال گاردان** درطرف دیگر ایستاده اند .

بهرحال درسال ۱۸۳۵ برابر ۱۲۵۱ هجری دریکی ازاطاقهای همین عمارت نگارستان میرزاابوالقاسم قائم مقام پسرمیرزا بزرك قائم مقام وزیرمحمدشاه را بامرقبله عالم خفه کردند. شگفت آنکه سه تن ازپادشاهان قاجار(فتحعلی ــ محمد ــ ناصرالدین) سه صدراعظم خودرا (حاجی ابراهیم قوام شیرازی ــ میرزاابوالقاسم قائم مقام ــ میرزا تقی خان امیرکبیر) هلاك نمودند ؟ ! درصورتیکه

هـريك ازاين صدراعظم هـا برای استقرار سلطنت ولینعمت های خود کوششهای فراوانی نموده بودند . (انتها) .

قریه تهران تدریجاً بابخت واقبال همقرین گشته وبراثر توجه سلاطین روبآبادی گذاشت وجمعیت آن باآمدن ومهاجرت عده‌زیادی ازمردم سایرنقاط کشور روبفزونی گذارد بدین‌ترتیب :

درسال ۱۲۶۲ شمسی اواخرسلطنت ناصرالدین‌شاه‌که تهران سرشماری شده نفوس آن ۱۰۶،۴۸۲ نفر بوده‌است وبعد درسالهـای ۱۲۷۰ ، ۱۳۰۱ ، ۱۳۱۱ کـه بوسیله شهرداری ودرسال ۱۳۱۸ بوسیله اداره‌کل آمار ودرسال ۱۳۲۱ بمنظورجیره‌بندی تهران سرشماری‌شده جمعیت آن بشرح زیر بوده‌است :

سال	مرد	زن	جمع
۱۲۶۲	۴۴۷۷۲	۴۶۰۳۷	۱۰۶،۴۸۲
۱۲۷۰	—	—	۱۶۰،۰۰۰
۱۳۰۱	۹۵۸۵۴	۱۰۰۴۰۱	۱۹۶،۲۵۵
۱۳۱۱	۱۳۳۹۴۰	۱۳۱۱۹۹	۲۶۵،۱۳۹
۱۳۱۸	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰۴۹	۵۴۰،۰۸۷
۱۳۲۱	۳۷۹۱۵۲	۳۱۹۹۵۸	۶۹۹،۱۱۰

ولی فعلا (۱۳۳۲) جمعیت تهران ازیك میلیون نفر بیشتراست . چون ساکنین دهـات و کشاورزان تمام‌نقاط ایران برای اینکه کمترزحمت بکشند وازفراوانی نعمت تهران استفاده‌نمایند بطهران روی آورده وفرضاً بهیچ کاری دسترسی نداشته باشند تکدی وسایرامورکم زحمت را پیشه خود میسازند .

ملاکین وصاحبان عنوان شهرستانهاهم بـرای استفاده از نعمت امنیت وآسایش باعواید مختصری قناعت‌کرده هریك در شهر واطراف تهران پارکی تهیه کرده وشهرستانها وآبادیها ورعایا را بی‌صاحب گذارده‌اند .

بخش ششم - شرح دهستانهای اطراف تهران

۱ - حومه تهران

حومه تهران از ۱۹۱ قریه تشکیل شده که همگی دراطراف شهرتهران قرارگرفته ودارای هوای معتدل ، محصول آن بیشتر صیفی کاری وسردرختی است .

اینك دهات خاوری شهر تهران

دولاب ـ این دهکده پیشینه تاریخی دارد وزمانیکه تهران اهمیتی نداشته آنجا آباد بوده و برتهران مزیت داشته وفعلا براثرتوسعه تهران جزوشهرشده‌است عمارات چهارصددستگاه درقسمت شمالی آن بنا شده .

فرح آباد ، **قصرفیروزه** ، **دوشان تپه** که درزمان قاجاریه بنا شده ، تفرجگاه شاهان وشاهزادگان بود .

قصرفیروزه را پهلوی‌فقید بگورستان زرتشتی‌ها اختصاص داد مشروط برآنکه مردگانرا درزیرخاك بگور نمایند ، اطراف فرح آباد شکارگاه خاصه شاه است درجلگه باختری دوشان‌تپه که سابقاً محل جنك هفت لشکر ومیدان اسب دوانی بود ، فرودگاه بزرك هوائی نظامی ومحل آموزشگاههای فنی وخلبانی وکارخانه طیاره سازی شهبازمیباشد .

سلیمانیه قریه‌ایست درخاور دولاب که اینك آنهم بشهرمتصل شده ، قسمتی ازچهارصد دستگاه درزمین‌های سلیمانیه واقع‌شده‌که بانك‌ملی آنهارا ساخت وباقساط طویل‌المدة بکارمندان دولت فروخت .

امامیه که آنهم درشمال چهارصد دستگاه وبشهراتصال یافته وساختمانهای **تهران نو** دراراضی آن واقع شده ویك واحد هواپیمائی نظامی درزمین‌های امامیه واقع وتأسیساتی‌دارند.

دهستانهای شمالی شهر تهران :

عشرت آباد ، **جمشید آباد** ، **عباس آباد** ، **جلالیه** که مقرپادگانهای نظامیست . قسمت زمینهای عباس‌آباد که سابقاً متعلق بحاج میرزا آقاسی بوده و ازآب‌کرج آنرا آبیاری مینمود بعداً جزء خالصه دولتی‌شده‌بود توسط بانك‌کشاورزی بافسران ارتش فروخته شد واینك یکی ازبرزنهای مهم تهران شده وتدریجاً روبآبادانی میرود .

یوسف آباد که بیمارستان شماره۱ ارتش درآن محل ساخته شده وزمین‌های‌آن بین کارمندان دولت تقسیم وباقساط فروخته شد این قسمت نیز بصورت برزن مهمی درآمده .

درقسمت‌خاوری جاده پهلوی وتپه‌های شمال‌باختری عباس‌آباد ازطرف وزارت‌کشاورزی چند سالیست‌که جنگل مصنوعی ایجاد شده واگر تاثمررسیدن درختها مراقبت‌شود درآتیه محل بسیارمصفائی خواهد شد وهوای تهران را تغییر خواهد داد .

قصر قاجار و **حشمتیه** که محل پادگان نظامی و زندان شهربانی و بی‌سیم و دستگاه فرستنده رادیو تهران میباشد.

بهجت آباد و معینیه و یوسفیه بشهر متصل شده‌اند، امیرآباد که بنام کوی دانشگاه نامیده میشود شمال این قسمت اداره لوله کشی آب و مرکز آن اسپریس اسب دوانیست و سابقاً رژه باشکوه سوم اسفند در این میدان انجام میشد.

دهستان باختری شهر عبارتند از :

مهرآباد که سربازخانه و فرودگاه بزرگ کشوری در آن قریه ساخته شده اکبرآباد سلسبیل فعلا داخل شهر است.

امامزاده حسن که روزهای ۲۸ صفر زیارتگاه جمعیت زیادیست **جبی و بریانک** تدریجاً از صورت حومه خارج و بشهر متصل میشود.

دوربست یا طرشت یا درشت ـ تاریخ تهران درصفحه ۳۹ مینویسد: این قریه را دراین زمان درشت میخوانند وازدهات نامی و آباد تهران امروزهم میشمارند، یك فرسنك ازطهران دورمیباشد وازآن بقریه کن نیز یك فرسنك است. ازمردمان معروف دوربست. عبداله بن جعفر بن محمد بن احمد بن موسی بن جعفر ابومحمد دوربستی، قبر وی تاکنون درآنجا معروف نیست.

نوربخشیه در دوربست ـ فرقه نوربخشیه ازفرقه های نامی متصوفه است و به سید محمد نوربخش که سرسلسله و پیشوای صوفیان درعصرخویش بوده منسوب است سیدمحمد نوربخش درطرشت یادوربست تولد یافته وهفت اقلیم گفته که سید محمد نوربخش درایام جوانی بری آمده ودرقریه سلقان اقامت کرده وگروه بسیاری ازمردمان آنمحال به او ارادت داشتند و ازنسل ایشان درآندیار بازماندگان بسیاری مانده‌است.

دهستانهای جنوبی تهران :

قریه **نازآباد** که یك قسمت آن فرودگاه قلعه مرغی وتأسیسات هوائی نظامیست، یك قسمت آن کشتارگاه ویك قسمت آن بلورسازی وسیلوی شهر وانبار پنبه را تشکیل میدهد.

درزاویه جنوب خاوری شهر **نجف‌آباد** واقعست که دستگاه کامل گیرنده وفرستنده بی‌سیم درآن محل است.

بطورکلی براثر توسعه شهر آبادیهای اطراف تهران جزوشهرشده وقسمت جنوبی شهر صیفی کاری میشود وگورستان چهارده معصوم و **آب انبار قاسم‌خان** و **آب متکا** به‌تأسیسات کوره های آجرپزی هوفمان اختصاص داده شده.

وجاده حضرت عبدالعظیم درزمان حکومت سپهبد رزم‌آرا آنمرحوم اطراف خیابان آنرا درختکاری ومصفا نمود.

اینك نظر اجمالی بدهستانهای بخشهای تهران :

۴ ـ بخش کرج

دهستان **ساوجبلاغ** ازشمال محدوداست به **طالقان** وکوههای **فشند** از خاور به

ارنگه ازجنوب خاوری به شهریار ازجنوب وجنوب خاوری بهساوه وازباختر به قزوین.
مرکز این بخش کرج وخاك آن ازسه قسمت متمایز تشکیل میشود.

الف) رود گردان که ازکوههای طالقان سرچشمه گرفته وبطرف جنوب باختری امتداد یافته وپس از عبور ازقریه گردان و ینگی امام وارد خرود قزوین میشود.

ب) رود کرج که درخاور این منطقه جاریست واراضی اطراف آنرا مشروب مینماید، قسمتی ازآب آن بتهران ویافت آباد میآید ومازاد آن بدریاچه حوض سلطان میریزد.

ج) رود القادر که ازکوههای القادر سرچشمه گرفته بطرف جنوب خاوری جاریست وپس از آنکه شهریار وفشاپویه را آبیاری کرد بدنباله کرج متصل میشود.

نزهةالقلوب مینویسد: «ساوجبلاغ ولایتی است که دراوان سلاجقه مآل به ری میداده ودرعهد مغول سوی شده، هوا بغایت خوب دارد، اکثرآبش ازقنوات است، میوه و غله بسیارمیباشد، ونانش درغایت نیکو وحقوق دیوانی او۱۲ هزار دینار مقرراست. ومردم آنجا چون اکثر صحرانشینند مقید بمذهب نیستند وازاعظم قوایآنجا: انجم آباد، سنقرآباد وخراو است، درسنقرآباد سادات عالی نسب وحسب اند والحال خراب است. انتهی».

کرج مرکز ساوجبلاغ ودر سه راهی تهران ـ چالوس ـ قزوین درساحل باختری رودخانه واقع شده ـ مسافت آن تاتهران ۳۹ کیلومتر وتاقزوین ۱۰۱ کیلومتراست.

جمعیت آن درحدود پنجاه هزارنفر، مذهب آنها شیعه وفارسی زبانند ودرفصل گرما به نسبت قابل ملاحظه‌ای نفوس آن زیاد میشود. دانشکده کشاورزی وکارخانه قند درقسمت جنوب باختری آن واقعست ادارات دولتی آن عبارتند ازبخشداری ـ شهرداری ـ کلانتری ـ دارائی ـ گروهان ژاندارمری ـ آمار ـ شعبات بانك ملی وکشاورزی ـ دامپروری ـ بهداری ـ فرهنگ ـ پست وتلگراف وتلفن ـ دامپزشکی. سه دبستان ویك دبیرستان دارد.

کارخانه های آن عبارتند از کارخانه قند سازی ـ سیم سازی ـ مقوا سازی ـ مشروب سازی.

ازطرف جنوب هم یك راه نیمه شوسه به اشتهارد وزرند امتداد دارد. راه آهن تهران ـ آذربایجان ازجنوب کرج میگذرد وایستگاه معتبر راه آهن آن درجنوب آن واقعست.

ازآثار قدیم کاروانسرای شاه عباسی وبنای امامزاده حسن میباشد. درتمام ساعات روز اتوبوس خط تهران بکرج رفت وآمد مینماید.

رودخانه کرج که ازآبهای کچسرویك قسمت ازآبهای کندوان سرچشمه گرفته وقسمتی ازاراضی دهات ارنگه وساوجبلاغ وشهریار وفشاپویه وشهر تهرانرا مشروب مینماید.

چندیست تأسیسات لوله کشی و برق تهران وایجاد منبع جهةآب درمسیراین رودخانه شروع شده.

این تأسیسات شامل یك سد مخزنی ببلندی ۱۷۰ متر وبگنجایش ۱۵۰ میلیون مترمکعب است، آب ذخیره شده را باگرداندن سه دستگاه توربین ۸۰۰۰ کیلواتی مورد استفاده تهیه ۲٤۰۰۰ کیلوات برق قرارگرفته و پس ازآن باید برای کشاورزی و آب مشروب تهران بمصرف برسد.

ساختمان این سد ۲۲۳ میلیون متر مکعب آبراکه هرسال بصورت سیل به مسیله قم میریزد ویا تبخیر میشود مورد استفاده قرارمیدهد ساختمان این سد درنوع خود از شاهکارهـای فن مهندسی میباشد .

درمدخل شهر کرج پل قدیمی بزرگی برروی رودخانه بنا شده‌است . شهر کرج از دو قسمت قدیم وجدید تشکیل شده وقسمت قدیمی آن که قصبه کرج است دارای ساختمانهای کهنه و درکتب تاریخ هم اسم آن ثبت است .

نزهة‌القلوب «کرج وکرهرود ازاقلیم چهارم است طولش ازجزایر خالدات (مذمه) و عرض آن ازخط استوا (لد) بودلف عجلی بوده بعد هارون‌الرشید ساخت کوه سمند برطـرف شمال آنجاست ودرپای آن کوه چشمه بس بزرگ است ، آنرا چشمه کیخسرو خوانند ، مرغزاری عریض وطویل دارد ٦ فرسنگ در۳ فرسنگ آنرا مرغزار کیتو خوانند ودرآنحدود قلعه‌محکم بوده آنرا فرزین خوانند ، حقوق دیوانی یك تومان ویکهزاردینار است. انتهی» .

قسمت جدید شهر که درسرراه واقعشده دارای فلکه و چهار خیابان ساختمانهـای جدید خیابانهـای اسفالته مهمانخانه و باغچه های مصفا میباشد . از مؤسسات مهم کرج : دانشکده کشاورزیست ، مزارع نمونه ، لابراتوار گیـاه شناسی ، انگل شناسی در قسمت جنوبی آن دایر شده‌است .

در قریه **حصارك** (دوکیلومتری باختر کـرج) بنگاه سرم سازی و در **حیدرآباد** (پهلوی حصارك) بنگاه دامپروری بتربیت وازدیاد نژادهای مخصوص حیوانات ازقبیل گوسفند مرینوس ، گاوهای اسکاتلند ، الاغهای قبرسی ومرغ وخروس امریکائی مشغول است .

درجنوب کارخانه قند مقدمات ساختمان عظیم کارخانه بزرك ذوب‌آهن فـراهم شده و بیشتر بناهای اصلی آن ساخته شده وماشین‌آلات ودستگاههای اولیه آنهم وارد شده بودکـه جنك جهانی وواقعه شهریور ۲۰ حمله ناجوانمردانه عملیات ساختمانی کارخانه مزبوررا متوقف ساخت ورفته رفته بیشتر اثاث و ماشین‌آلات موجوده ازبین رفت وبزرگترین خسارت بدستگاه صنایع کشورما وارد شد. ونیزیك کارخانه مقوا سازی درکرج دایرشده‌است .

دهستان ساوجبلاغ از ۱۷۹ قریه وبه سه دهستان پخش میشود :

الف) **اشتهارد** دارای ۹ قریه‌است که درجلگه واقع وهوای آن معتدل وبرای زراعت ازآب قنات استفاده مینمایند محصول آن : گندم ، جو ، حبوبات ، سیب زمینی وچغندر است ، گوسفند داری وتربیت سایرحیوانات وطیورخانگی دراین‌محل متداول است ، دردهستان‌مزبور یك دبستان دایرمیباشد ، قصبه اشتهارد ازمحلهای قدیمی وسابقاً آباد بوده‌است واکنون قریب ٥٤٩١ نفرجمعیت دارد .

ب) برغان از۷ قریه کوهستانی تشکیل‌شده که هوای آن سرد ویئلاقی وبرای زراعت از آب رود **اغشت** وچشمه استفاده مینمایند وچون این دهستان کوهستانیست وزمین‌کافی بـرای زراعت غلات ندارند ومختصری غلات و حبوبات زراعت میشود ، لکن درعوض باغهـای زیاد داشته‌که همه نوع میوه های ئیلاقی دارد ، مخصوصاً گوجه آن معروف است ، در مراتع آن گله های‌گوسفند نگاهداری میشود .

درقریه برغان یك دبستان دایراست ویك پل تاریخی ازآثار زمان شاه عباس روی رود برغان باقیست .

ج) **ساوجبلاغ** دارای ۱۵۰ قریه است : که پنج ده آن درکوهستان وبقیه درجلگه واقعست و هوای آن معتدل و بـرای زراعت آب رودخانه کـرج و کردان و قنات وچشمه استفاده مینمایند .

محصول آن غله بطور وفور وحبوبات وصیفی کاری وچغندر وپنبه وسیب زمینی است ، مخصوصاً **سیب زمینی فشند** معروف است . واغلب دهات وباغهای میوه و اشجار تبریزی وچنار آن مشهوراست . وتربیت حیوانات اهلی وطیورخانگی نیز دراین‌دهستان معمول است .

درساوجبلاغ ۱۱ دبستان دولتی ۲۳ مکتبخانه بطورقدیم دایراست . بطورکلی درتمام حوزه کرج ۱۵ دبستان مختلط ۱ دخترانه ۲۹ پسرانه یك دبیرستان دخترانه ویـك دبیرستان پسرانه دائر است .

برغان وفشند شش فرسخ شمال باختری کرج صنایع دستی آنها عبارتست ازکرباس بافی ، جوراب بافی ، گیوه چینی وجاجیم بافی ، عسل این دهات خوب است . ونیزدردهستان **فشند و دهنو** مخصوصاً درقریه آبیك معدن **زغال سنك** وجود داردکه مشغول استخراج آن هستند .

۴ ـ بخش شمیران

دهستان **شمیران** ازشمال محدود است برشته کوههای البرزکه بشکل قوس ازخاور به باختر میگذرد . ازجنوب بدهستان غار ودهات حومه شمالی وازباختر به کن وازخاور به لواسان .

دهات شمیران در دره های سرسبزمصفای منشعب ازکوههای البرز قرارگرفته وکلیه آنها دارای آب وهوای ییلاقی ودرتابستان عده زیادی ازسکنه تهران برای فرار ازگرما به ییلاقات شمیران پناه میبرند ، مخصوصاً پس‌ازشهریور ۳۲۰ باایجاد ساختمانهای جدید وباغهای زیبا و احداث جاده های اسفالته نزدیك است که ساختمانهای اطراف خیابانهای شمیران بشهر تهران متصل شود .

قراء شمیران که در دره های سرسبز ومصفا ومتعدد دامنه های جنوبی البرز قرارگرفته ، دربهار چشمه سارها وآبشارها طراوت مخصوصی بـآن داده و مازاد آب آن بمصرف زراعت قسمتی ازدهات غار وفشاپویه میرسد .

دره های معروف دامنه البرز عبارتند :

دره **پس قلعه** ، **دربند** ، **امامزاده قاسم** که قصبه تجریش درامتدادآن قرارگرفته .
دره هفت حوض ، درکه که آبادیهای اوین وباقره وونك درامتداد آن قرارگرفته .
دره یونجه زار وفرح زاد ودره شاه‌آباد ودره داراباد .

کثرت ساختمانهای ییلاقی وازدیاد باغها درتجریش وسایرنقاط شمیران مانند **دزاشوب** ، زرگنده ، دروس ، قلهك موجب کم آبی شده بطوریکه ساکنین‌بعضی ازنقاط مزبور ناگزیر بوسیله حفرچاه ونصب تلمبه برقی آب مصرفی خودرا تأمین مینمایند .

ونیز تپه های خشك الهیه براثرآبی که بوسیله لوله از قنات های جدید ولنجك آورده شده محل گردشگاه ثروتمندان ودارای کافه رستوران وسالونهای مجلل برای‌شب نشینی آماده شده .

دهستان شمیران از ۰،٦ قریه تشکیل شده‌که ۳۰ قریه آن کوهستانی وبقیه درجلگه واقع است ، هوای آن در۱۷ قریه کاملا سرد وسایردهات دارای هوای خنك ومعتدل هستند وبرای زراعت از آب رودخانه وقنات وچشمه وچاه استفاده مینمایند . محصول این قسمت‌ها میوه های سردرختی ، صیفی‌کاری وحبوبات وکمی غله است .

دردهات شمیران ٦ دبیرستان و۱۷ دبستان دایراست .

آثار واماکن قدیمه وبقاء متبرکه آن‌که معروفیت دارد درخت‌چنارمعروف امامزاده صالح درتجریش ، ساختمان باغ فردوس (که فعلا بقطعات تقسیم ویك قسمت آن دبیرستان شده است) قصرهای سلطنت‌آباد ــ صاحبقرانیه ، منظریه ، ضرابخانه‌که ازدوره قاجاریه باقیست. و ازساختمانهای جدید کاخهای سعدآبادکه باسبك واصول مهندسی جدید ترتیبات داخلی آن بسیار زیبا وباشکوه ، قالیهای‌کرمان وکاشان وخراسان بابهترین طرز ونقش درقریه سعدآباد ساخته شده ومیهمانخانه بزرك و باشکوه دربند وویلای اطراف آن کـه دارای مناظر بسیار زیبا و با طراوت میباشند.

درسلطنت‌آبادکارخانه مهم اداره تسلیحات‌که قسمت‌مهم‌آن مهمات سازیست ولی‌ازساختن وسایل یدکی واسبابهای فلزی هم بی‌اطلاع نیستند ، برق کارخانه سلطنت‌آباد روشنائی‌شمیران را تأمین ومقداری‌هم به برق تهران کمك میدهد .

در قریه شاه‌آباد بیمارستان مخصوص و آسایشگاه مسلولین دایراست . در نیاوران هم بیمارستانی جهة بیماران امراض‌روحی دایرگردیده .

منطقه اقدسیه به اردوگاه دانشکده افسری‌اختصاص دارد .

۴ ــ بخش شهریار

دهستان **شهریار** ازشمال محدوداست به **ساوجبلاغ** ازخاور بدهستان **غار** از باختر بشهرستان **ساوه** ازجنوب بدهستان **فشاپویه** . این دهستان دارای ۱۳۲ قریه است‌که‌همگی درجلگه‌واقع وفقط درباختر‌آن ارتفاعات‌کمی‌که دنباله‌کوههای **نمك** ساوه است قرارگرفته .

هوای این دهات معتدل وبرای زراعت ازآب قنات وبعضی دهات ازمازاد آب‌کرج و رودخانه القادرکه درشهریار **بسیاه‌آب** معروف‌است استفاده مینمایند و رود شورهم ازجنوب شهریار میگذرد . محصول آن غله ، حبوبات ، چغندر ، سیب زمینی ، صیفی‌کاری ، میوه هـای درختی مخصوصاً انگور فراوانی دارد ، تربیت حیوانات اهلی وپرنده خانگی نیز دراین‌دهستان متداول است ، ولی بواسطه بدی طرزآبیاری دهات دراطراف رودخانه ها باطلاقها وآبهائیرا که تولید **پشه مالاریا** نموده وازاینرو دردهستان شهریار بیماری نوبه (مالاریا) فراوان است‌که تدریجاً به‌کندزدائی آن مشغولند .

درشهریار ۳۲ دبستان و۲ دبیرستان دایراست . در رباط‌کریم خرابه های معبد موسوم بتخت رستم ازعهد اشکانیان باقیست .

۵ ــ دهستان طالقان

دهستان **طالقان** ازشمال وخاور بخاك **مازندران** ازجنوب به ساوجبلاغ ازباختر به **قزوین** محدود است .

طالقان در دره **شاهرود** واقعشده و ناحیه‌کوهستانیست که هوای آن سردسیر وزمینهای زراعتی آن محدود وبواسطه‌گودی مجرای رود شاهرود کمتراز آب آن استفاده میشود. رود شاهرود ازباختر گردنه **کندوان** سرچشمه‌گرفته بطرف خاور جاریست واغلب دهات طالقان در کنار شعب آن واقع شده‌اند. شاهرود درمنجیل وارد **قزل اوزن** شده بنام سفیدرود ازگیلان عبورنموده بدریای مازندران میریزد.

طالقان ازدهستانهای کهن و نزهة‌القلوب آنرا اینطور تعریف میکند:

«طالقان ولایت سردسیراست درشرقی‌قزوین، طولش‌ازجزایرخالدات (فد م ه) وعرض»
«آن ازخط استوا (لوی) درکوهستان افتاده‌است وکلاتها ودیهیها معتبر کمتر میباشد، حاصل»
«آنجا غله وا ندکی جوز ومیوه بود، قهپایه، کن وکرج ازتوابع آنجاست. انتهی».

دهستان فعلی طالقان دارای ۷۹ قریه است‌که همه آنها درکوهستان واقع وهوای‌آن سردسیر وبرای زراعت ازآب چشمه وقنات وکمی ازرودخانه شاهرود استفاده مینماید. محصول آن غله وحبوبات وسیب زمینی است وبعلت‌کمی محصول اهالی طالقان بیشتر احتیاجات خوار بار خودرا ازساوجبلاغ وبرنج را ازمازندران تهیه مینمایند وبواسطه ییلاقی بودن ووجود مراتع درتابستان اغلب احشام ساوجبلاغ بحدود طالقان میروند.

دراین‌دهستان سه دبستان دولتی‌و۲۵ مکتب‌خانه دایراست. ازابنیه قدیمی دریک‌فرسخی شمال ده **هرنج** آثار قلعه خرابه روی‌کوه دیده میشودکه بقلعه منصور معروف است.

جوستان که درکنار شاهرود است تکیه‌ای داردکه بقعه امامزاده هرون درآن واقع ست ودرهای حرم امامزاده ازنظرتاریخی وصنعتی قابل اهمیت است.

همچنین بنای امامزاده یوسف‌که تاریخ بنای‌آن معلوم نیست درمزرعه بادامستان آبادی **دشته** است بنای آن ازنظرتاریخی قابل توجه است.

دراین قریه چشمه آبشوری، وجود داردکه پس‌ازخارج شدن آب ازچشمه در مجاورت هوا تبدیل به نمك شده وازآن نمك استخراج مینمایند.

۶ - بخش ری

این‌دهستان‌که به غار معروف است ازشمال محدوداست به‌کوه **سه پایه** و حومه تهران باختر به **شهریار** از جنوب به **فشاپویه** ازباختربه **ورامین**.

رودخانه های **کن، کرج و رودشور** ازشمال باختری وارد این دهستان شده واز وب باختری آن خارج میشوند، ولی بیشتر اراضی دهستان غار ازآب قنوات کـه ازجنوب ران سرچشمه میگیرند مشروب میشود.

جاده شوسه تهران قم، جاده ورامین، جاده تهران - مشهد از دهات غار عبورنموده و ب دهات غار را بهم متصل مینمایند، بعلاوه شهرری وسیله راه‌آهن حضرت عبدالعظیم کـه ازای‌آن ۸۳۶۰متراست (امتیاز این خط را یك‌کمپانی بلژیکی دراواسط سلطنت ناصرالدینشاه ست آورد وقصد داشت آنرا تاقم امتداد دهد حوادث ووقایع اتفاقیه اورا منصرف نمود) بتخت وصل میشود وراه‌آهن سرتاسری‌کشورهم کـه بمازندران وشاهرود میرود از شهرری ذرد ودرمحل مزبور یك ایستگاه راه‌آهن ساخته شده‌است.

مرکز دهستان غار قصبه ری است چون مدفن قطب الموحدین ابا القاسم حضرت عبدالعظیم (ع) وحمزة بن الموسی (ع) وامامزاده طاهر میباشد . زیارتگاه مردم شهرهای مجاوراست ، اراضی اطراف امامزاده عبداله ، ابن بابویه ، بی بی زبیده که درشمال حضرت عبدالعظیم هستند مدفن عده زیادی ازبزرگان وسلاطین وعلمای دینی میباشد .

حضرت عبدالعظیم درزمان متوکل خلیفه عباسی (که نسبت به سادات وآل محمد (ص) بغض زیادی داشت) به ری آمده ودرسنه ۲۳۹ هجری قمری رحلت فرمود ، مرقد مطهرش در دوره قاجاریه بنا شد ودارای گنبد طلا وضریح نقره است ، درداخل گنبد گچ بری وآئینه کاری زیبائیست که ازنظرصنعت قابل توجه است .

علاوه ازجنبه مذهبی بیشتراهمیت شهرری بواسطه قدمت تاریخی آنست که ازشهرهای بسیارقدیمی ایران و سابقاً فوق العاده آباد و پرجمعیت بوده ، درتهران شهر ری را داجس وکتاب اوستا باسم راگا نامیده شده وبزرگترین شهرزمان خود محسوب میشده (آثارخرابه های آن دلیل این مدعاست) دردامنه جنوبی کوه بی بی شهربانو مقبره ایست که اهالی آنرا قبر بی بی شهربانو دختر یزدگرد سوم شاهنشاه بدبخت ساسانی میدانند ، درشمال خاوری کوه مزبور قلعه زرتشتی است که طبق آئین مذهبی زرتشتیان مرده های خودرا (درسطح آن قلعه که دربلندی واقعست و بانردبان میتوان داخل آن شد) درمحوطه های کوچك کوچك می نشانند وروی صورت او پارچه میاندازند . من شخصاً داخل این قلعه را تماشا کردم یك منبرگلی درمحوطه جنوبی و یك چساه عمیق درقسمت شمالی سطح قلعه است که محل استخوانهای مرده هاست محل وحشتناکی است .

زیرا چندین مرده زن ومرد را دیدم که نشسته بمن نگاه میکنند ویکی دوافرهم بپهلو افتاده اند وده ها باز وقوچ وکلاغ هم روی چینه دیوار انتظارمراجعت منرا داشتند بدر ودیوارهم لعنت هائی شده بود بکسی که تغییری دروضع آنها بدهد ، آفتاب غروب کرد خواستم بادونفری که بامن بودند خارج شویم دیدیم دریچه ورودی راکه هنگام ورود بالاقیدی چفت کرده بودیم دیگر بازنمیشود بالاخره معلوم شدکه رمزی درکاراست هرچه بفکرمان رسید عمل کردیم غفلتاً در بازشد والا خیال میکردیم باید دراین مکان بمانیم ودعاکنیم فوراً یکنفر زرتشتی بمیرد شاید مرگ اوموجب خلاصی مــا باشد اینجاهم باید ممنون علم شد اگر عامی وبیسواد بودیم امکان نداشت بتوانیم رمز بازشدن دررا پیداکنیم .

نزهةالقلوب درمورد ری مینویسد : «تومان ری ، این تومان را سوای ری نبوده است ،» «اکنون که ری خرابست ورامین شهرآنجاست ومواضع دیگرکه ذکرش بیاید هریك قصبه شده» «وحقوق دیوانی آنجا هفتصد تومان بوده وملك ری بعظمتی بوده که حکومتش دراول عمرسعد» «علیه اللعنه باعث قتل امیرالمؤمنین حسین بن علی رضعنها شد وآن حکایت مشهوراست . ری از» «اقلیم چهارم است وام البلاد ایران و بجهة قدمت آنرا شیخ البلاد خوانند طولش ازجزایرخالدات» « (عوك) وعرض ازخط استوا (له‌ل) شهر گرمسیراست وشمالش بسته و هوایش متعفن وآبش» «ناگوار دراو وبا بسیاربوده است . انتهی» درظرف چند سال اخیر مجدداً شهر ری روبآبادی رفته واکنون شهر نامبرده مرکز بخشداری واغلب ادارات دولتی وبانکها درآنجا شعبه دارند . بیمارستان فیروزآبادی درحضرت عبدالعظیم، این بیمارستان مجهز بتمام وسایل جدید دارای کلیه بخشهای جــراحی ، داخلی ، مسری ، گوش وحلق وبینی ، چشم پزشکی ، دندان پزشکی وغیره

چندین سال است که دایرشده و بیماران بی بضاعت اطراف دزآنجا مجانی معالجه و بستری میشوند. جمعیت آن درسال ۱۳۲۱ — ۱۶،۵۷۰ نفر بوده است .

دهستان غار ۱۴۰ قریه دارد که فقط یك قریه آن درکوهستان و بقیه درجلگه واقع است ، هوایش معتدل و برای زراعت ازمازاد آب رودخانه های کن و کرج استفاده نموده و بعلاوه هریك ازدهات قناتی مخصوص بخود دارند ، محصول آن غلات ، حبوبات، چغندر، پنبه مخصوصاً سبزیکاری وصیفی کاری آن زیاد است .

دردهات غارگله داری و گاوداری معمول است ویك قسمت ازشیر وماست مصرفی شهر تهران ازآنجا تأمین میشود، اخیراً باغهای جدید احداث واشجارمیوه زیادی دردهات این دهستان غرس شده است . دردهستان مزبور یك دبیرستان و ۲۲ دبستان و ۱۴ مکتب خانه دایراست .

ازسال ۱۳۱۳ کارخانه بزرك سیمانسازی درنزدیکی قریه دولت آباد شروع بکار نموده وبا دودسته کارگر که تعداد بیشتراز هزارنفراست شبانه روز مشغول کار میباشند کارخانه های دیگری دراین دهستان هست که شرح آن بعد بیاید .

دهستان فشاپویه ازشمال محدوداست به **غار** ازجنوب بدریاچه **قم** وکویر ازخاور بدهستان **ورامین** ازباختر بدهستان **شهریار** وکوههای حسن آباد و **کنارگرد** (ازشمال باختری بجنوب خاوری) این دهستان امتداد یافته، مازاد آب رودخانه های کرج ،کن وررودشور ازدهستان مزبور میگذرد ولی بیشترآب زراعتی دهات فشاپویه بتوسط قنوات که درمحل حفر شده تأمین میشود ، دهستان فشاپویه دارای ٥٤ قریه است که دوقریه آن درکوهستان وبقیه در جلگه واقع وهوای آن معتدل متمایل بگرمی است ، محصول آن غلات ، حبوبات ، پنبه، چغندر، صیفی کاری و سیب زمینی میباشد واشجارآن بیشتر انار وانجیر وسایر میوه ها کمتراست، تربیت حیوانات اهلی و طیور خانگی هم بین ساکنین دهات معمول میباشد ، دراین دهستان سه دبستان دایر است .

۷ - بخش کن

مرکز این بخش کن در ۱۴ کیلومتری شمال باختری پایتخت وابتدای دره سولقان دامنه کوه است ، سردسیر، جمعیت آن درحدود پنجهزاروپانصد نفر، شیعه وازپنج محله بنام سرآسیاب، اسمعیلیان ، درقاضی ، میانده ، بالون تشکیل میشود این محلات درخاور رودکن محصول عمده آن توت وانجیر وانار ، صیفی کاری وغلات است .

ادارات دولتی آن : بخشداری ، دسته ژاندارمری ، نماینده بهداری ، آمـار ، پست ، محضررسمی ویك دبستان شش کلاسه دارد .

ازآثار قدیمی چند تکیه ، دوچنارکهن ، علاوه برآب رودخانه هفت قنات دارد .

حدود **کن، سولقان، ارنگه ولورا** ازشمال بخاك **مازندران** وازجنوب بدهستان **غـار** ازخاور بشمیران وحومه تهران ولواسان و ازباختر به **ساوجبلاغ و شهریـار** محدود است .

اراضی این دهستان در دره کن که ازکوههای **رندان** و **سنگان** شروع شده واقع واین دره نسبتاً خشك است وفقط دربهار سیلاب زیاد داردکه پس از مشروب نمودن قسمتی ازمزارع غار وفشاپویه بوسیله قم میریزد .

اراضی **ارنگه** و **لورا** دردره وسطی رودکرج ودره **شهرستانك** واقع ورودخانه کرج ازگچسر در شمال تا **حصار** درجنوب وازدهستانهای مزبورعبورمینماید وآبهای دره شهرستانك درمحلی موسوم به دوآب وارد رودخانه کرج میشود .

دره **ارنگه** دارای مناظری زیبا و باغهای متعدد واشجارزیاد بوده وراه مخصوص چالوس ازکناررودخانه کرج ازدهستان ارنگه ولورا عبورمینماید. دهستان نامبرده دارای ۲۱ قریه است که بین دهستانها تقسیم میشود .

الف) دهستان **ارنگه** مرکزآن بهمین نام ۲۲ کیلومتری شمال خاوری کرج ، کوهستانی، سردسیر ، سکنه ۷۸۸ نفر . شیعه فارسی ، دو دبستان دارد ، مسجد و تکیه و سه چهار بقعه قدیمی دارد .

این دهستان دارای ۳۱ قریه است کـه همگی درکوهستان واقعند برای زراعت ازآب رودخانه کرج وچشمه سارهـا استفاده مینمایند وبواسطه کمی زمین زراعتی غله آن کـم است بیشترمحصول آن سردرختی واشجار میوه ودرمراتع آن گله های گوسفند و گاو نگاهداری میشود.

ب) **کن وسولقان** ــ سولقان یك فرسخ شمال کن و۱٦ کیلومتری شمال شوسه تهران ــ قزوین ، کوهستانی ، سردسیر، سکنه آن ۱۵۰۰ نفر ، شیعه .

دهستان کن وسولقان از۲۱ قریه تشکیل شده که ۹ قریه آن کوهستانی وسردسیر و۱۲ قریه آن درجلگه واقعست ، هوای آن معتدل وبرای زراعت ازآب رودخانه وقنات وچشمه سارها استفاده مینمایند . محصول آن غله ، حبوبات ، صیفی کاری ، چغندر وپنبه است . باغها واشجار فراوان دارد، مخصوصاً درقصبه کن انار وانجیر بحد وفور بدست میآید .

درشمال کن وسولقان وسنگان وکیگا وبقعه امامزاده داود است، که درتابستان عده زیادی ازاهالی تهران برای زیارت و انجام نذورات بآنجـا میروند ، ولی جاده شوسه تاپونجه زار بیشتر کشیده نشده دراین دهستان ٤ دبستان ودومکتبخانه دایراست .

ج) **لورا وشهرستانك** که از۱۹ قـریه تشکیل شده هوای آن سرد وییلاقی است برای زراعت ازآب رودخانه وچشمه سارها استفاده مینمایند، هوای آن سرد وییلاقیست، اراضی زراعتی آن کم وبیشتر باغ واشجارمیوه دارد .

ازقراء معروف این دهستان یکی **شهرستانك** است که خیلی قدیمی بوده و شکارگاه و ییلاق تابستانی ناصرالدینشاه بوده است .

و دیگری **گچسر** که درابتدای تونل **کندوان** واقع شده واخیراً مهمانخانه آبرومندی درآنجا بنا شده ، اهالی تهران درتابستان برای استفاده ازخنکی هوا ومناظر طبیعی درآنجـا گردش واستراحت مینمایند .

دهات لورا وشهرستانك بین دودره واقع شده : اولی دره سرچشمه رودخانه شهرستانك که ازقله توچال شروع شده و آبشارهای زیبا ومتعددی دارد ، قریه شهرستانك را ازاطراف محصور وبتوسط گردنه های صعب العبور بسایرنقاط مربوط میسازد ، دررودخانه شهرستانك ماهی قزل آلا فراوان دیده میشود .

دیگری دره لورا که سرچشمه اصلی آبهای جاری دراین دره کوههای **کلون بسته** میباشد وآبهای آن درنزدیکی کندوان درقریه گچسر باآبهای کندوان یکی شده بطرف جنوب سرازیر

ودر دو آب برود شهرستانك اتصال یافته ، رودخانه اصلی کرج را تشکیل میدهند ، دراین دهستان فقط یك دبستان دولتی دایراست .

۸ ـ بخش لواسان

دهستان لواسان و رودبار قصران ـ ازشمال محدوداست بخاك مازندران ، از جنوب بشمیران ، ازخاور بدماوند ولاریجان ازباختر به کن وشهرستانك . کوه کلون بسته ازشمال لواسانست وازسه طرف سه رودخانه جاری میشود : یکی دره **رودبار** که سرچشمه های جاجرود را تشکیل میدهد وازجنوب لواسان میگذرد ، دیگری دره لورا وشهرستانك که رودکرج را تشکیل میدهد، سومی **رودلار** که ازدره لار گذشته وبدریای مازندران میریزد. هریك ازقسمتهای این دهستان بوسیله گردنه های سخت که درزمستان مسدود ازبرف است بهم متصل میشود مانند **گردنه افجه** بین رودبار ولار وگردنه **خرسنك** بین رودبارو شهرستانك، گردنه **قوچك** بین رودبار وشمیران که اخیراً جاده شوسه ازاین گردنه به **شمشك** میرود وگردنه **توچال** بین لواسان وتهران .

اراضی **لار** که درشمال خاوری واقع شده بواسطه ارتفاع زیاد وبرف و سرمای شدید آبادیش کم ولی دارای مراتع وسیع درکنار رودخانه لار بوده وچراگاه طبیعی (که پهنای آن ۷ کیلومتر ودرازای آن ۶۰ کیلومتراست) تشکیل داده ودرتابستان بیشتر گوسفند داران اطراف تهران وچادر نشینان برای استفاده ازمرتع مزبور بدره لار میروند .

رودخانه لار دارای چشمه های متعدد مانند **ملك چشمه** و**سفید آب** و**چهل چشمه** است عرض این رودخانه در دره لار زیادتراز رودهراز است ولی درآن درخت دیده نمیشود ودر کوههای آن حیوانات وحشی ودرنده وشکار فراوان است و ارتفاع این دره ازدریا قریب سه هزارمتراست . بعضی جاده‌های کاروانرو بین لواسان و مازندران ازاین دره میگذرد ، در اغلب نقاط آن رگه‌های زغال سنك درسطح زمین نمایان ودربالای خطالرأسهای بعضی رشته کوههای آن آثار خرابه‌های قدیمی دیده میشود .

دهات **لواسان** درشمال **جاجرود** واقع مزارع متعدد مشروب میشود و در قسمت رودبار چشمه سارهای متعدد جاری و ازسه دره بنام **فشم** ودره **میگون** ودره **آهار** آب جاریست که پس‌از اتصال برودخانه **جاجرود** از **لشگرك** بطرف لواسان کوچك جریان یافته **ورامین** را مشروب میکند .

درزمان پهلوی فقید درنظربود درلشگرك باایجاد سد ، آب وبرق تهران تأمین شود ولی چون هزینه آن زیاد میشد طرح آن متوقف ماند .

دهستان نامبرده از ۹۱ قریه تشکیل شده که بین‌بلوك مشروحه زیر تقسیم شده‌است :

الف) دهستان **رودبارقصران** که دارای ۱۵ قریه وهمگی درکوهستان واقع وهوای آن سرد ویلاقیست وبرای زراعت ازآب رودخانه وچشمه سارها استفاده مینمایند محصول آن غلات ، حبوبات و مخصوصاً میوه های سردسیریست ، درتابستان عده زیادی اهالی هنگام شدت گرما ازتهران بدهستانهای آنجا پناه میبرند، دراین دهستان ۳ دبستان دولتی و۱۳ مکتب‌خانه

دایراست . درقریه شمشك معدن زغال‌سنك موجود است که توسط بانك صنعتی باآخرین اسلوب فنی ازآن زغال‌سنك استخراج میشود .

ب) **دهستان سیاه‌رود** از ۳۲ قریه کوهستانی تشکیل شده که هوای آن سرد و برای زراعت ازآب رودخانه وچشمه سارهای متعدد استفاده‌مینمایند، محصول‌آن گندم، جو، سیب‌زمینی وحبوبات میباشد ، باغهای میوه فراوان دارد ، اشجار چنار ، تبریزی ، افرا ونـارون بسیار است ، تربیت حیوانات اهلی وپرنده های خانگی معمول‌است. دراین دهستان شش‌مکتب‌خانه دائر است .

ج) **لواسان بزرگ** ــ دارای ۱۳ قریه کوهستانیست که هوای‌آن سرد ویلاقی و برای زراعت ازآب رودخانه وچشمه استفاده مینمایند ، محصول آن غلات ، حبوبات ومیوه میباشد . در مراتع آن گله هــای گوسفند نگاهداری میشود . دراین دهستان یك دبستان دولتی و ۵ مکتب دایر است .

د) ــ لواسان‌کوچك از ۳۱ قریه‌کوهستانی تشکیل‌میشود هوای آن سرد ویلاقی و برای زراعت ازآب رودخانه وچشمه سارها استفاده مینمایند . محصول‌آن غلات ، حبوبات ومیوه‌های سردرختی است مرکز آن قصبه **افجه** است دراین دهستان سه دبستان و سه مکتب خانه دایر است . جمعاً ۲٤ دبستان ویك دبیرستان .

۹ ــ بخش ورامین

دهستان ورامین از شمال محدود است به لواسان ازجنوب به **کویر و مسیله** ازخاور بـه **گرمسار** وازباختربه **غار وفشاپویه** درشمال‌آن **سیاه کوه** ودنباله‌کوه سه پایه قرار گرفته ورودخانه جاجرود از دره‌های آن‌کوه میگذرد، اراضی‌ورامین تماماً ازرسوبات رودخانه تشکیل شده وبهمین مناسبت فوق‌العاده حاصلخیزاست .

رود جاجرود پس‌ازگذشتن از**پارچین** در**کبودگنبد** بچند شعبه مجزا ازیکدیگرتقسیم شده وهریك ازآنها بمصرف آبیاری قسمتی ازاراضی ورامین میرسد ــ۱ــ تقسیم آب جاجرود

مرآت‌البلدان مینویسد :

۱ ــ «جاجرود دره‌ایست درچهارفرسخی تهران براه مازندران وشکارگـاه معروف» «سلاطین قاجاربود فتحعلیشاه درسال ۱۲۱۳ هجری بنای عمارت‌کاروانسرا درجاجرود دستور» «داد وچون برای توقف اوموقع شکار محلی نداشتند درکنار آبادی معروف به **شکربیك**» «بنائی درجنب سنگی برای اوساختند درهرسال‌دوسه مرتبه برای شکارکبك وتیهو بجاجرود» «میرفت وبطهران بازگشت میکرد ، محمدشاه قاجار نیز سالی‌یکی‌دو بار باین‌شکارگاه میآمد» «ودرسمت غربی دره بساختن قصرعالی مشتمل برحرمخانه وديوانخانه وحمام وباغ‌هم دستور» «داد درکوههای نزدیك این‌قصرگله‌گله قوچ ومیش‌وحشی‌که بادغالی موسوم‌است وبزکوهی» «وتکه یافت میشود وازخوزستان واماکن‌گرمسیر بفرمان شاه **دراج** آوردند و درجاجرود» «رهاکردند واین دراجها بومی شده زاد وولد زیاد نمودند وبعداً نیزازمازندران **مرال و** » «ازسمت خراسان ویزد چندتن گورخرآوردند ودرجنگل جاجرود سردادند . رود جاجرود از» «مغرب بمشرق جاریست ودرکلمه **جائیج** شرحی ازآن نگاشته شده ، دردومعبراین‌رودخانه *»

بین کلیه دهات ورامین بطورمتساوی نیست وفقط دهاتیکه ازسالهای پیش دارای حق آب به ازرودخانه جاجرود هستند ازآب آن استفاده مینمایند ، ولی موقعیت خاك ورامین طوریست که اگر آب رودخانه بقدرکافی باشد تمام دهات سیراب میشوند . پهنای این دهستان ازخاور بباختر ۳٦ کیلومتر، مرکزآن شهرورامین ، جمعیت آن درحدود چهارهزار نفر است .

ورامین ازقراء کهن ایرانست که درکتب وتواریخ اسم آن زیاد برده شده .

نزهة القلوب درمورد ورامین میگوید «ورامین درماقبل دیهی بوده است واکنون قصبه»
«شده ودارالملك آن تومان گشته ، طولش ازجزایر خالدات (عزکه) وعرض آن ازخط استوا»
«(له لط) ، درآب وهوا خوشتر از ری است ودرمحصول غله وپنبه بی مانند ، اهل آنجا شیعه»
«اثنی عشری اند وتکبر برطبعشان غالب است . انتهی» .

ازآثار وابنیه قدیمی درورامین : امامزاده یحیی ، مسجد ورامین ، برج علاءالدین و قلعه ایرج وغیره که درمحل مشهور ومخصوصاً مسجد ورامین ازحیث قدمت وآثارمعماری قابل توجه میباشد ، درداخل مسجد مزبورکاشی هائی بکاررفته که دارای جلدی فلزیست وقسمتی از آنهارا دزدیده اند ، بنای مسجد متعلق به سه دوره مختلف است ، بنای اصلی در دوره سلجوقیان و تاریخ آن قرن ششم هجری است وقسمتی که دارای گنبد مخروطی است از آثار دوره غز نویان ، قسمتهای دیگری که این دوبنارا بهم متصل نموده جدیدتراست ، وبرای ساختن قسمت سوم مقداری ازکاشیهای قدیمی راخراب ودوبنارا بهم وصل کرده اند و کاشیهای ایـن بناها دارای جلدی فلزی میباشد که درنوع خود بی نظیر ودربناهای قدیمی ایران کمترکاشیهائی بظرافت کاشیهای امامزاده یحیی دیده میشود ، کاشیهای مسجد مزبور سه نوع است .

کاشیهای رنك ، کاشیهای برنجی رنك ، کاشیهای قرمزرنك مانند مس واین کاشیهارا در تزئینات داخل محراب وسقف بکاربرده بطوری باهم ترکیب نموده اند که ازلحاظ صنعتی فوق‌ـ العاده جالب توجه میباشد ، بعقیده بعضی ازمتخصصین این کاشیها ازکاشیهای مساجد آسیائی و بناهای ایطالیا بهتر ونفیس تراست وچون دراطراف این ابنیه در دوره مغول هم ساختمانهائی شده ممکن است طول مدت تکمیل آنهارا ازابتدای سلجوقیان تاآخردوره مغول دانست . یك برج خرابه درآنحدود دیده میشود که کتیبه آن ازکاشی وزمینه آجری دارد . این بنا واسطه بین معماری زمان **مغول** ودوره **آق قویونلو** وقره قویونلواست ازقرار معلوم معماران ونقاشـان خارجی هم نقشه زیادی ازطرزبنا وکاشیکاریهای مسجد ورامین برداشته اند .

« * پل محکمی بسته شده یکی درمعبر **گلندوك** ولواسان ویکی دیگر حاجی میرزا بك از»
«فراشهای خلوت خانه های ناصرالدین شاه درمعبر بزرك مازندران ازراه **سرخ حصار** به»
« **بوم هند** دماوند ساخته است وخاصیت ایندو پل اینست که درایام بهار وطغیان آب از»
«مازندران بطهران وازآن بطبرستان ولواسانات ونوروکجور جلوگیری مینماید وپلهای دیگری»
«نیز برروی اینرودخانه بسته شده است . دراغلب کوهها حیوانـات درنده مانند پلنك وخرس»
«وغیره هاست ــ ازطهران بواسطه دوراه بجاجرود میرفتند یکی ازراه سرخ حصار که راه»
«معمول جاجرود است کالسکه وعرابه الی قصرسلطنتی باکمال سهولت وآسانی میآید ، یکی»
«راه مخصوص وشکارگاه پادشاهیست . هیئت و موقع جاجرود طوری واقع شده که هنگام »
«تشریف فرمائی موکب شاهانه بملتزمین رکاب خوش میگذرد. انتهی»

شهر ورامین ازچند سال باینطرف روبآبادی گذارده مخصوصا ازتاریخ تاسیس کارخانه قند ورامین وکارخانه تصفیه روغن وایجاد مزارع نمونه ازطرف وزارت کشاورزی و تقسیم املاک پهلوی بین رعایا باقساط کم و طویل المده برآبادی آن افزود (کارخانه قند ورامین که از سال ۱۳۱۷ شروع بکار نموده بود به محل دیگری انتقال یافت) محصول کارخانه روغن نباتی ۸۰۰ تن روغن درسال است .

دردهستان ورامین سه دبیرستان دولتی و ۱۷ مکتب خانه دایراست دهستان ورامین که از ۲۰۹ قریه تشکیل شده بین چهاربلوك بشرح زیر پخش شده :

الف) **دهستان بهنام پازوکی** دارای ۳۵ قریه است که همگی در جلگه واقع شده وهوای آن معتدل کمی مایل بگرمی است برای زراعت از آب رودخانه جاجرود و قنـات استفاده مینمایند محصول آن غله ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر وصیفی کاریست .

این دهستان محل قشلاق ایلات اطراف و زمستان گله های گاو و گوسفند در آن نگاهداری میشود .

ب) **دهستان بهنام سوخته** ـ دارای ۳٤ قریه است که سیزده ده آن در کوهستان ودارای هوای معتدل وبقیه درجلگه واقعشده وهوای آن کمی گرم است ، برای زراعت از آب رودخانه جاجرود وقنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر، پنبه وصیفی کاریست اشجار باغ میوه هم بسیار دارد .

ج) **دهستان بهنام غـرب** ـ دارای ٦٨ قریه همگی درجلگه وهوای آن گرم وبرای زراعت ازآب رودخانه جاجرود وقنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات وحبوبات بحدوفور وچغندر وپنبه وسیب زمینی، میوه، اشجار وصیفی کاری میباشد ، درمراتع آن زمستانها گله های گاو وگوسفند نگاهداری میشود .

د) **دهستان بهنام وسط** ـ از ٦٣ قریه تشکیل شده ودرجلگه واقع وهوای آن کمی گرم وبرای زراعت ازآب رودخانه جاجرود وقنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات و حبوبات بحد وفور وچغندر وپنبه ، سیب زمینی ، صیفی کاری میوه واشجار میباشد ، درمراتع این دهستان گله های گاو وگوسفند نگاهداری میشود .

بخش هفتم - سوانح وحوادث تهران

وقایع وحوادث تهران بسیاراست وشرح آن چندین جلدکتاب را اشغال مینماید آنچه ازنظر تاریخ مورد توجه است بطورخلاصه یادآورمیشویم :

قضیه رژی

ناصرالدین‌شاه درآخرین مسافرت خود دراروپا امتیاز انحصار تنباکو وتوتون ایرانرا در۱۳۰۸ ه . ق برای مدت پنجاه سال بیك شرکت انگلیسی معروف به رژی REJY واگذار نمودکمپانی‌هم پس‌ازآمدن شاه بتهران مأمورین خودرا بشهرهـا و دهات فرستاد وشروع به جمع‌آوری و بسته‌بندی توتون گردید . مردم نزد علما رفتند وگفتند امروز تنباکورا انحصار نمودند فردا نمك پسفردا نان وآب وگوشت‌را بانحصار اجانب میدهند وپول‌آن خرج مسافرت فرنك یا نیاز خانمهای قشنك خواهدشد. مرحوم میرزای‌آشتیانی حکم بحرمت استعمال‌دخانیات کسرد بدین مضمون « بسم‌اله‌الرحمن‌الرحیم الیوم استعمال تنباکو وتوتون بای نحوکان درحکم محاربه باامام زمانست عجل‌اله فرجه . میرزاحسن شیرازی» این حکم درایران منتشرشد وهمه اطاعت کردند .

مردم نیز غوغا راه انداختند وجلوی قصرگلستان اجتماع نمودند و گویا بنایب‌السلطنه بی‌حرمتی نمودند . نایب‌السلطنه وارد ارك شد و دستورداد درب ارك را ببندند مردم هجوم آوردند آقابالاخان معین نظام‌که لقب سردارافخمی داشت (پدر سرلشکرخسروپناه) بسربازان افواج تحت امرخود دستور تیراندازی داد جمعی‌کشته شدند ولی‌غوغا فرونتشست ناصرالدینشاه بحاج میرزاحسن‌مجتهد آشتیانی‌که درتهران نفوذی داشت وقصد ترك‌ایران‌را نموده بودمراجعه و خواهش نمود که ازمسافرت منصرف شود و درنتیجه جلساتی که در اینمورد تشکیل دادند لغوامتیاز وشش‌کرورتومان‌خسارت‌کمپانی‌را دولت قبول‌کرد وچون‌پولی دربساط نبودگمرکات جنوب را نزد بریتانیای‌کبیرگروگذاردند . این اولین قرضه ایران باجنبی بود وبدبختی ملت ستمدیده ازاین‌تاریخ شروع میشود. شنیدم درآن هنگام این‌خبر بمیرزای بزرك‌که اعلم‌مجتهدین ومقیم نجف بودند داده شد ایشان گریستند وفرمودند وای بحال ایران ، چون انگلیسها نقطه حساس ومقام نافذ را بدست‌آوردند جدیت خواهند نمودکه بین علما فساد ایجاد کرده وطبقه روحانی را مفتضح نمایند .

کشته شدن ناصرالدینشاه قاجار

ناصرالدینشاه چهارم پادشاه خاندان قاجاریه در۲۲ ذیقعده ۱۲۶٤ قمری بتخت سلطنت نشست بنابراین روز ۲۲ ذیقعده ۱۳۱۳ نیم قرن ازسلطنت اومیگذشت درشهرهای ایـران و نمایندگیهای اروپا مشغول تهیه جشن پنجاهمین سال پـادشاهی او بودند تشریفات مفصلی تهیه شده بود ، سکه های طلا ونقره یادگارجشن ضرب شده بود (یکی‌ازآنها نزدمن‌است . نگارنده) که سه روزپیش یعنی بعدازظهر روزجمعه۱۸ذیقعده ۱۳۱۳ هنگامیکه درحرم حضرت عبدالعظیم

بطرف حرم امامزاده حمزه میرفت بدست میرزا رضای کرمانی مقتول شد . معمول ایران بلکه کلیه کشورهای مشرق زمین چنین بود هنگامیکه پادشاه کشته میشد یا میمرد انقلاباتی درکشور روی میداد ، ولی کاردانی ودرایت صدراعظم (امین السلطان) موجب شدکه مردم ازمرك ناصرالدینشاه درروزهای اول مطلع نشدند زیرا اونعش را درکالسکه نشاند وعینك بچشمهایش زد ومرتب بااو صحبت میکرد وگاهی درحین حرکت آب می طلبید وبدهان شاه مرده میگذارد.

میرزا رضا ازمرده واخلاص کیشان سید جلال الدین اسدآبادی (معروف بافغان) بود . اومردی بودکه بااساس سلطنت استبداد ایران مخالف بود بخصوص کینه ناصرالدینشاه را بدل داشت . بهرتقدیر میرزا رضای کرمانی درتهران (سوم ربیع الاول ۱۳۱٤) اعدام گردید دوستان او شیخ احمد روحی ومیرزا آقاخان کرمانی بمجرد ورود بایران محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز آنهاراگرفت ویك ماه قبل از اعدام میرزا رضا بافجیعترین وضعی آنهاراکشت . شیخ جمال الدین راهم مسموم نمودند .

انقلابات مشروطیت

علاءالدوله حاکم تهران بدستور عین الدوله صدراعظم در زمان سلطنت مظفرالدین شاه درروز دوشنبه ۱٤ شوال ۱۳۲۳ بعلت ترقی قند تجارقند فروش تهران را در اداره حکومتی احضار وبآنها اهانت فراوان نمود . وچند نفررا بچوب می بندد منجمله حاج سید هاشم تاجر معروف به سید قندیرا سخت میزند اینواقعه درتهران سروصدائی راه میاندازد. مردم قیام کرده وهیاهو راه میاندازندکه همین سروصدا منجر بمشروطه خواهی شد . سید جمال الدین واعظ در بالای منبر ازمشروطه وقانون وعدالتخانه ومجلس شورا صحبت مینمود سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی وشیخ محمد واعظ بیانات او را تائید وتصدیق میکردند ومرحوم شیخ فضل الله نوری بااین نوع مشروطه مخالف بود .

عین الدوله چند تن از خطبا وناطقین راکه معمولا معمم بودند تبعید نمود وخواست شیخ محمد واعظ راهم تبعیدکندکه مردم دخالت وممانعت نمودند سربازان تیراندازی کردند سیدی کشته شد (۲۸ ربیع الاخر ۱۳۲٤ قمری) .

شاید اولین مرتبه بودکه بازارتهران بعنوان اعتراض برعلیه رفتار دولت بسته شد و مردم درمسجد جامع اجتماع کردند ــ تجار وپیشه وران درسفارت انگلیس (قلهك) بست نشستند تدریجاً اینعده درحدود شانزده هزارنفر شدند درشهرهم ولوله‌ای بود . اتابك مردم مسجدجامع رامحاصره نمود ازرساندن آب ونان جلوگیری کرد چندنفری کشته شدند علما بحضرت عبدالعظیم وقم مهاجرت کردند مردم هم باآنان هم آهنك شده پایتخت ازتجارواهل علم خالی شد . بالاخره صدراعظم تغییر کرد شاه که شخصاً خواهان مشروطه بود تسلیم شد ودرتاریخ ۲۰ ذیقعده ۱۳۲٤ قمری (پنج روزپیش ازمرك مظفرالدین شاه) قانون اساسی مشروطیت راپادشاه امضاء نمود و ولیعهد (محمد علی میرزا) نیزآنرا صحه گذارد وانقلابات تهران و تبریز و دیگر شهرستانها پایان پذیرفت .

بمباران مجلس شورای ملی

ازروزیکه محمد علیمیرزا بر اریکه سلطنت نشست وتاج کیانی بسرسرنهاد وخود بسه

مشیرالدوله گفت این تاج بسرمن سنگینی میکند زمزمه مخالفت بامجلس راآغاز نمود ومعتقد بودکه مجلس شورایملی باید بـاشد **ولی درسیاست دخالت نکند** بهنصب وعزل وزراهم کاری نداشته باشد . لذا میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان اتابك اعظم را که دراروپامشغول گردش وتفریح بود بتهران احضار وپس ازاستعفای مشیرالدوله اورا به نخست وزیری انتخاب نمود مردم ازاو ناراضی بودند زیرا قروضی ازبیگانگان گرفته وکشوررا مقروض کرده بوداز طرف دیگراورا همعقیده‌شاه میدانستند لذا بدست عباس آقانامی درجلوی مجلس شورایملی اورا کشتند .

روزبروز روابط مجلس وملت بادربار وشاه تیره‌ترمیشد انجمن‌های‌ملی تشکیل‌مجاهدین انتخاب شدند . مسجد سپهسالار پربود ازمجاهد وانجمن شاه هم اوضـاع شهر را سخت دید به باغشاه نقل مکان نمود . شاپشال معلم روسی او ـ حسین پاشاخان امیربهادر وزیرجنك او ـ پالکونیك لیاخوف فرمانده روسی قزاقخانه اورابرمقاومت دربرابرملت تشویق‌میکردند تااینکه جنك رسمی شروع شد بختیاری های طرفداران شاه در اطراف تهران باقوای مجاهدین بریاست محمد ولیخان سپهسالار در نبرد بودند یکدسته دیگربختیاریهای ملی باسیلاخوریها وقزاق ها در پایتخت درگیر بودند روزپنجشنبه ١٤ خرداد ١٢٨٧ برابر ٤ جمادی‌الاول ١٣٢٦ جنك شدت پیداکرد مجلس بتوپ بسته شد ـ ملك‌المتکلمین ـ میرجهانگیرخان صوراسرافیل درباغشاه کشته شدند درتهران کشتار زیادشد بالاخره باقرخان و ستارخان تبریزی و قوای سپهسالار رشتی و بختیاریهای طرفدار مجاهدین وملیون قوای دولتی ومستبدین راشکست دادند روز٢٨ تیر٢٣ شعبان ١٣٢٦ شاه و همراهانش به سفارت روس پناهنده شدند وملت احمد میرزارا که کودکی بیش نبود درحالیکه ازترس گریه میکرد بشهرآورده وبپادشاهی انتخابـش کردنـد . درایـن گیرودار روس وانگلیس پیمان ١٩٠٨ رامنعقد وایران رابین خود قسمت کردند .

کودتای ۱۲۹۹

دردوران کوتاه مشروطیت جوان هرج ومرج رواج گرفت بعضی ازجرائد و نویسندگان عفت قلم را رعایت نمیکردند ، ثروتمندان مالیات مقرره را نمیدادند ، پاره‌ای ازقلدرها مانند شیخ خزعل وغیره زیر بار حکومت مرکزی نمیرفتند تقریباً تمام طبقات ناراضی بودند ، شاه نمیتوانست سلطنت کند لذا احمد شاه مرتب کسالت رابهانه کرده اروپـا میرفت ، دولت نمیتوانست حکومت کند وپیاپی سقوط میکرد تراکمه درشمال ، میرزاکوچك خان و احسان‌الله خان وخالو قربان درگیلان ، اقبال‌السلطنه درماکو ، سمیتقو درآذربایجان وکردستان طغیان کردند خلاصه درتمام اکناف واطراف ایران ناامنی وانقلاب بود .

تااینکه درنیمه شب دوشنبه سوم حوت ١٢٩٩ نیروی قزاق که مأمور سرکوبی اشرار و متجاسرین گیلان بودند بموجب طرح تنظیم شده قبلی بفرماندهی رضاخان میرپنج (پهلوی فقید) بدون اطلاع واخطار قبلی تهران رااشغال نمودند . دراین هنگام نیروی پایتخت عبارت بود ازدوژ ژیمـان منظم (فوج ۱ یوسف‌آبـاد و۲ بـاغشاه) ویك باطالیون (گردان‌سوم) ژاندارم که کلنل گلرب سوئدی ریاست آنهارا عهده دار بود ویك بریگاد (تیپ) سربازکه کلنل لومبرك سوئدی سرپرستی آنهـارا بعهده داشت و بریگاد فوق‌العاده بفرمـاندهی سردار انتصار (مظفر اعلم) وگارد نصرت وگارد اقدس (مأمورگلستان) ـ ۱ ـ و در حدود پانصد

---

۱ ـ نیروی پلیس جنوب‌عبارت ازدوتیپ منظم بفرماندهی انگلیسها درفارس وکرمان واصفهان بودند .

آژان (پاسبان) بریاست ژنرال وستداهل سوئدی .

نیروی ژاندارم که اصولا مداخله ودفاعی ننمود نیروی بریگاد یعنی سربازها هم دراطراف خندق باختری شهر موضع گرفته بودند ولی بدون آنکه گلوله‌ای ازدهانه توپ یا تفنگ آنها خارج شود همان شبانه بادریافت حقوق عقب افتاده بسربازخانه مراجعت نمودند .

فقط پاسبانها که درجریان عمل نبودند هنگامیکه قزاقها خواستند نظمیه (شهربانی) و کمیساریها (کلانتریها) را اشغال کنند مختصر مقاومتی نموده بآنها و قزاق ها چند نفری تلفات وارد شد .

درمیدان توپخانه (سپه) ازطرف قزاق ها دوتیرتوپ شلیک شد وسقف یکی ازاطاقهای شهربانی خراب شد .

اهالی تهران که درخواب نازبودند دراثرشلیک توپ ورگبارمسلسل ازخواب پریده از همسایگان میپرسیدند چه خبراست مهتاب آنشب را خوب بخاطردارم که چقدر درخشان بود .

نگارنده صبح زود بخانه رئیس مدرسه نظام (مرحوم سرتیپ محمد باقر امیرنظامی) رفته ایشانرا درکالسکه خود نشانده بطرف مدرسه نظام (قسمتی ازکاخ دادگستری فعلی) روانه شدیم ولی درخیابان فردوسی یك وکیل‌باشی قزاق پرید جلوی کالسکه وپهلوی کالسکه‌چی نشست ومارا برد بقزاقخانه (ستاد ارتش فعلی) آنمرحوم رفت نزد میرپنج رضاخان پس‌از ده دقیقه برگشت قیافه آرام وخندانی داشت ، پرسیدم چه شده وچه باید بشود مرحوم خندید گفت هرچه هست خیراست فعلا مدرسه نظام سه روز تعطیل است .

سرتیپ وستداهل نیزهمانموقع بفرح‌آباد نزد احمد شاه رفته وکسب تکلیف نموده بود، احمد شاه گفته بود برای انتظامات شهر پاسبانها باقزاقها تشریك مساعی نمایند .

صبح‌همانروزدرجلوی دوازده دروازه شهرواطراف‌سفارتخانه‌ها یکعده قزاق ایستاده بود.

زندانیهای شهربانی آزاد شده بودند مسلسل‌ها درایوان شهربانی بحال‌حاضرباش بودند، مردم دچاربهت وحیرت غریبی شده بودند قریب یکصدنفر ازاعیان ورجال منجمله مرحوم مدرس ونصرت‌الدوله دستگیر وزندانی شدند .

عصر روزچهارم اسفند سید ضیاءالدین طباطبائی مدیرروزنامه رعد عمامه راکنارگذارد، سروصورت اصلاح کرده وکلاه پوستی برسر فرمان رئیس‌الوزرائی را دردست‌گرفته بطرف کاخ ابیض روان بود .

آقای حسین‌مکی درکتاب خود مینویسد :

روزچهارم حوت نزدیك غروب بامأموریتی‌که ازطرف سید ضیاءالدین ورضاخان میرپنج بسرهنك باقرخان(مرحوم سرهنك باقر نیك اندیش معروف به‌باقربیی ــ نگارنده) داده شده‌بود بکاخ فرح‌آباد میرود وتقاضای تشرف بحضورشاه مینماید ، شاه اورا بارمیدهد .

شاه همینکه فهمید نماینده پیشوایان‌کودتاست پرسید :

شماها چرا بطهران آمدید ؟!

جواب داد : بمنظورتقویت حکومت مرکزی واجرای اوامر اعلیحضرت همایونی .

شاه پرسید : این رضاخان میرپنج‌کیست وچطورآدمی است ؟

ــ شخصی‌است‌کاملا شاهدوست و وطنپرست .

شاه : پس‌میگویند شما بالشویك شده‌اید ؟

ـ خیر . قربان ، خلاف عرض کرده‌اند ، ماهمه شاهدوست و وطنپرست هستیم و برای اجرای اوامر اعلیحضرت همایونی وحفظ استقلال وطن حاضر بجانبازی میباشیم .

شاه : پس چرا بدون اجازه من حرکت کردید .

قربان ، اولا باآنکه مدتی مدید در سنگرها وبیابانها تاآنجاکه توانستیم فداکاری و جانبازی کردیم ، جراید هوچی مرکزی جانفشانی‌مارا منظورنداشتند وهمه گونه تهمت بمامیزدند، اینك آمدیم که مراتب را بعرض خاکپای مبارك برسانیم واستدعاکنیم که سربازهای شاهدوست بیش‌ازاین طاقت توهین ندارند .

دوم اینکه حکومت مرکزی را تقویت کنیم تااوامر شاهنشاه درتمام کشور بدون هیچگونه تأملی اجرا شود «دراینموقع ولیعهد واردشد وتعظیم کرد ، شاه اشاره کرد وولیعهد بطرف‌مشرق اطاق رفت وایستاد» .

سوم آنکه ماخودرا برای سرکوبی یاغیان ودشمنان شاه ودولت‌حاضر کرده‌ایم وآماده‌ایم قشون منظمی تشکیل‌دهیم .

شاه : شماکه چنین نیت واراده‌ای دارید چرا شب پیش بازار را غارت کردید «گویا شب پیش دراثر نزاع بین قزاقها ویکنفر زرگر جعبه آئینه زرگـر شکسته ومقداری طلاهای او حیف ومیل شده بود ـ نگارنده» .

خیر، قربان خلاف‌عرض شد . اینهم یکی ازهمان موارد است که حقیقت را برخلاف عرض کرده‌اند (صدق‌السلطنه که باسرهنك شرفیاب بود تصدیق نمود) .

شاه : دراینصورت خاطرما خوشوقت است .

سرهنك باقرخان اظهارکرد غیرازاین نیست ، شاه اظهارکرد خیلی‌خوب بروید .

بعد سرهنك باقرخان عرض‌کرد ، استدعائی‌هم دارم : اگراجازه بفرمائید بعرض‌برسانم ، شاه‌گفت بگو . سرهنك باقرخان اظهارداشت برای اینکه خاطرمبارك آسوده‌گردد بایستی‌دولتی تشکیل وجبران گذشته بشود .

شاه پس‌از اندکی تفکر وقدم زدن میگوید : خیلی‌خوب ،کی را درنظر دارید ، سرهنك باقرخان اظهارداشت بعقیده غلامان : سید ضیاءالدین مدیر روزنامه رعــد بدنیست . شاه باز اندکی‌تأمل‌کرده ودندان را برروی‌لب فشارداد وباقیافه‌گرفته شروع بقدم زدن‌کرده گفت بگوئید بکابینه حکم اورا بنویسند ...

« نظر باعتمادیکه بحسن‌کفایت وخدمتگذاری جناب میرزا سیدضیاءالدین‌داریم ، معزی‌الیه »
«را بمقام ریاست وزراء برقرار ومنصوب فرموده واختیارات تامه برای انجام‌وظایف ریاست»
«وزرائی بمعزی‌الیه مرحمت فرمودیم . جمادی‌الثانی۱۳۳۹» .

دستخط زیر نیز روز سه شنبه ٤ حوت ازطرف احمد شاه ازقصر فرح‌آباد صادر ومقرر گردیدکه بتمام ایالات وولایات مخابره شود .

« حکام ایالات وولایات درنتیجه غفلت‌کاری و لاقیدی زمامداران دوره‌های‌گذشته که»
« بی‌تکلیفی عمومی وتزلزل امنیت وآسایش را درمملکت فراهم نموده ، ما وتمام اهالی را از»
«فقدان هیئت دولت ثابتی متأثر ساخته بود مصمم شدیم‌که بتعیین شخص دقیق خدمتگذاری کـه»
«موجبات سعادت مملکت را فراهم نماید ببحرانهای متوالی خاتمه بدهیم» .

« بنابراین باقتضای استعداد ولیاقتی‌کـه درجناب میرزا سید ضیاءالدین سراغ داشتیم»

«هموم خاطرخودرا متوجه معزی‌الیه دیده ایشانرا بمقام ریاست وزراء انتخاب واختیارات تامه»
«برای انجام وظایف خدمت ریاست وزرائی بمعزی‌الیه مرحمت فرمودیم . شهر جمادی‌الآخر»
«۱۳۳۹ احمد شاه» .

رئیس‌الوزرا و رئیس دیویزیون قزاق هریک‌اعلامیه‌های‌مفصلی انتشاردادند قوام‌السلطنه والی خراسان توسط مرحوم کلنل محمدتقی‌خان وصارم‌الدوله والی کردستان دستگیر وبتهران فرستاده‌شد مصدق‌السلطنه والی‌فارس بحکومت کودتا تن‌در نداده ودربین خوانین بختیاری مخفی‌شد.

جمهوری

چندی بودکه ازایالات وولایات تلگرافاتی ازطرف مردم (کـه قطعاً برحسب اشاره مأمورین دولت مخصوصاً نظامیان بود) بمرکزمخـابره وازسلطنت قاجاریه مخصوصاً احمد شاه اظهارتنفرنموده وتقاضای جمهوریتی مینمودندکه سردارسپه رئیس‌آن باشد واین‌عمل بیشترتقلید ازجمهوریت ترکیه وریاست جمهوری مصطفی‌کمال‌پاشا (آتاتورك) بود . بدیهی است دولت و سفیرشوروی دراین‌مورد بیکار ننشسته وتبلیغاتی بنفع سردارسپه مینمودند .

درتهران‌هم اجتماعاتی میشدکه رهبرآنها سهراب زاده بود مجلس‌شوراهم جمعی ازوکلا برهبری مرحوم سید محمد تدین بااین نغمه هم‌آواز ودمسازشدند کارجمهوریت کم‌کم بالا گرفت تااینکه حتی‌روزجمعه اول فروردین سردارسپه وارتش ومأمورین‌دولتی بسلام محمدحسن‌میرزای ولیعهد (آن هنگام احمد شاه درفرنگستان بود) نرفتند وسلام آنسال دربارخیلی تق ولق بود .

روز دوم حمل ۱۳۰۳ که گویا مصادف بامیلاد مسعود حضرت حجة (ع) بود جمعیت زیـادی درحدود سی‌هزار نفر (که قسمت اعظم آنها مخالف جمهوری بودند) باشعارهای جمهوری وضد جمهوری بمجلس‌آمدند آن هنگام من دانشجوی دانشکده افسری بودم و بـالباس مبدل دراین تظاهر بیطرفانه شرکت نموده وخودرا بداخل‌مجلس رساندم .

داخل مجلس ومحوطه جلوی بهارستان مملو ازجمعیت بود حاج‌آقا جمال واعظ اصفهانی وخالصی‌زاده که ازمخالفین سرسخت جمهوری بودند سوار برالاغ بمجلس آمدند . ساعت چهار بعدازظهر سردارسپه کـه تنها در درشکه نشسته بود بمجلس‌آمد سربازان جلوی بهارستان ادای احترام نمودند وجمع قلیلی فریاد زدند **زنده‌باداعلیحضرت سردارسپه رئیس‌جمهور** ولی فوراً مورد ضرب وشتم مردم واقع شدند .

درداخل مجلس‌هم بطرف سردارسپه آجری پرتاب شدکه بدستورایشان سربازان بمردم حمله‌کرده عده‌ئی را کتك زدند الاغ حاج‌آقا جمال دراثرضربات سرنیزه سقط شد عده زیادی ازمردم بکلانتری‌که درمحوطه بهارستان بود جلب وبقیه مردم پراکنده شدند .

سردارسپه هم بطرف سرسرای مجلس روان‌گردید ، مؤتمن‌الملك رئیس مجلس باتغیر و تشدد زیـاد بایشان گفت : این حرکات چیست ، چـرا سربازان مردم را در خـانه خودشان کتك میزنند .

سردارسپه جواب داد: من‌رئیس‌دولتم حفظ انتظامات وجلوگیری ازاغتشاشات بامن‌است.

رئیس مجلس‌گفت : تو‌سمت نداری ، الآن تکلیفت‌را روشن میکنم درحـالیکه ازشدت تغیر میلرزید ، فریاد زد: سید محمود زنك مجلس‌را بزن تاتکلیف رئیس‌دولت را معلوم‌کنم .

سردارسپه‌که دید قـافیه را باخته بـاکمك وکلای موافق خود درصدد رفع ورجوع و

استمالت برآمد . باطاق علما و نمایندگان اصناف تهران که دریکی ازاطاقهای مجلس نشسته بودند رفت وگفت :

حال که ملت ایران جمهوری نمیخواهد منهم اصراری ندارم ، ولی آقایان باید تکلیف من واحمد شاه را معین کنند زیرا بااین ترتیب دیگرمن نمیتوانم باا و کارکنم .

دراین هنگام جمع زیادی باچوب وچماق بمجلس ریخته وباشعار ما دین نبی خواهیم — جمهور نمیخواهیم آقایان علما را بمنزلشان رساندند .

سردارسپه به بوم هن رفت و برحسب اصراروکلا چندروز بعد بقم عزیمت نمود وازعلمای مقیم قم (عدۀازعلمای تهران‌هم بقم رفته قصد مهاجرت را داشتند) ازآقایان علما تحبیب نمود و قول داد دیگر دراطراف تغییررژیم وتبدیل سلطنت بمشروطه اقدامی نکند و پس‌از مراجعت بطهران بیانیه‌ای هم دراین‌خصوص صادرنمود اینك قسمت اخیرآن بیانیه : «... اینستکه بتمام» «وطنخواهان وعاشقان آن منظورمقدس نصیحت میکنم‌که ازتقاضای جمهوریت صرفنظرکرده» «وبرای نیل بمقصد عالی‌که درآن متفق‌هستیم باهم توحید مساعی نمائیم» .

رئیس‌الوزرا وفرمانده کل قوا — رضا

قتل ماژور ایمبری کنسول امریکا در تهران

موضوع امتیازنفت شمال درمجلس شورایملی مطرح بود وکمپانیهای امریکائی برنده شناخته شده بودند . دراین ضمن شهرت پیداکرده بود سقاخانه آشیخ هادی معجزه‌کرده ومردم برای تماشا اطراف‌آن جمع ومعدودی تظاهرات‌مذهبی میکردند بازارومحلات را بهمین‌مناسبت چراغانی کردند دسته‌هائی ازمحلات دیگر بطرف سقاخانه میرفت شعار بعضی‌ازآنها این بود «سقاخانه شیخ هادی ازمعجز ابوالفضل کورشده چشم بابی» .

بعدازظهرجمعه ۲۷ سرطان ۱۳۰۳ (۱۵ ذیحجه ۱۳٤۰) ماژور ایمبری iMBRiE مادرمرده ازهمه جا بی‌خبر بقصد عکس‌برداری ازاداره‌کنسولگری (محل بیمارستان رضانورفعلی) بادوربین عکاسی بحدود سقاخانه‌آمدکه ازاین‌اجتماع عکسبرداری نماید . مردم ازعکس‌برداشتن جلوگیری میکنند آن بدبخت سرسختی میکند دراینموقع آن دستی‌که باید فوراً دخالت‌کرده و مردم را تحریك مینماید مردم بطرف‌کنسول ورفیقش هجوم آورده ولی آنها بداخل درشکه‌ای پریده بطرف خیابان استخر فرارمیکنند ولی مردم دست ازتعقیب برنداشته باچوب وسنك‌اورا مجروح‌میکنند بالاخره‌کنسول‌را بااتومبیل ببیمارستان شهربانی‌میبرند ولی‌ازدحام مردم بآنجاهم رفته وکاراورا یکسره میکنند اینموضوع درجهان بشریت غوغائی راه انداخت ودرتهران چندنفر محرك اعدام شدند ودولت ازدولت امریکا عذرخواهی‌نمود وحکومت نظامی درتهران اعلام شد.

بلوای نان

چندی بودکه محرکین قصد داشتند برعلیه دولت سردارسپه سروصدائی راه بیاندازند ، تصادفاً درسال ۱۳۰٤ موضوع نان تهران بعلت‌کمی غله‌کمی سخت شده بود روزچهارم مهردختر حاجی‌کلانترنامی چادر دورکمر وروبنده دورگردن پیچیده چوب بلندی دست‌گرفته عده‌ئی از زنهای چاله‌میدان را برداشت فریاد الجوع الجوع بلند کرد . بطرف بهارستان روان شدند مردم هم بآنها تأسی‌جسته درعقب سرآنان رهسپارشدند بطوریکه جلوی مسجدکه رسیدند قریب دوهزار زن وهشت هزارمرد بودند .

مرحوم مدرس که آنموقع طرفدار سردارسپه بود (پهلوی فقید دراینموقع نخست وزیر ایران بود) بدولت اطلاع میدهد که ازغائله و هجوم مردم بمجلس جلوگیری کند سردارسپه بمجلس آمده درحالیکه پهلوی مدرس قرار گرفته بود مدرس هرچه مردم را نصیحت کرد مؤثرواقع نشد لذا بسردارسپه اجازه تیراندازی داد بدواً چند رگبارمسلسل روبهوا شد ولی چندنفری فریادزدند مردم نترسید این تیرها پنبه ایست بزنید بکشید اینها مارا ازگرسنگی خواهندکشت مردم باسنك وچوب بطرف سربازان حمله کردند مجدداً چند تیربطرف جمعیت شلیك شدکه یکنفرسیدکشته و چندین نفر مجروح شدند . مجدداً حکومت نظامی اعلام وجمعی بنام محرك دستگیروتبعید شدند.

خلع قاجاریه و پادشاهی رضا شاه کبیر

هنگامیکه سردارسپه ازجمهوریت مأیوس ومنصرف شد بیکارننشست ودست باقدامات و تبلیغاتی برعلیه احمد شاه زد وسودای سلطنت را درکله اش پروراند مردم هم بطورکلی ازخدمات او مخصوصاً امنیت کشور وسرکوبی اشرار و یاغیان فوق العاده راضی وازاحمدشاه وسلسله قاجاریه تنفرداشتند . زیرا دردوران سلطنت این هفت پادشاه لطمات زیادی بکشور وارد شده بود قفقاز ازدست رفت . افغانستان ازایران مجزا شد وخیلی صدمات دیگر...

این بودکه درسال ۱۳۰٤ کم کم فکرخلع قاجاریه درمغزها پیدا شد ومأمورین دولت و عمال آنها درتقویت این فکرکوشا بودند ، مجلس پنجم هم غالب وکلایش ازبرگزیدگان دولت و طرفداران سلطنت سردارسپه بودند مدتها دراطراف آن صحبت شد تادرجلسه پنجشنبه هفتم ابان طرحی بامضاء عده زیادی ازوکلا دایر بخلع قاجاریه پیشنهاد شد. آنروزمذاکرات بنتیجه نرسید و مخالفین مجلس را (بعلت تیراندازی جلوی مجلس و کشته شدن واعظ قزوینی) از اکثریت انداختند .

مجلس سه ربع ساعت پیش ازظهرشنبه نهم آبان تشکیل شد (مؤتمن الملك حاضرنشد وسید محمد تدین نایب رئیس مجلس را تشکیل داد) وپس ازمذاکرات زیاد ماده واحده باکثریت آراء تصویب شد :

« مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت ، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و »
«حکومت موقتی را درحدود قانون و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی»
«واگذار میکند ، تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظرمجلس مؤسسان است که برای تغییر»
«اصول ۳٦ – ۳۷ – ۳۸ – ٤۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود» .

وسرلشگر عبداله خان امیرطهماسبی حکومت نظامی تهران – سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه فرمانده لشگر مرکز وسرهنگ محمد درگاهی رئیس شهربانی ولیعهد را ملاقات واورا باوضع بدی واداد بخروج ازایران نمودند .

مجلس مؤسسان که عده آن ۲۳۰ نفر بود درتاریخ ۱۵ آذر ۱۳۰٤ برابر ۱۹ جمادی الاول ۱۳٤٤ تشکیل وپس ازچهارجلسه مواد لازم قانون اساسی تغییر ورضای پهلوی سرسلسله خاندان پهلوی انتخاب گردید روز ۲۵ آذر ۳۰٤ جلوس نمود وروز ٤ اردیبهشت ۱۳۰۵ تاجگذاری کرد وروز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ مستعفی وازطرف متفقین بجزیره موریس وسپس به ژهانسبورك تبعید گردید .

دردوران سلطنت این پادشاه بزرك که محققاً درردیف بزرگترین سلاطین ایرانست در

تهران حوادث مهمی روی نداد مگر واقعه شهریور ۱۳۲۰ .

حادثه خونین شهریور ۱۳۲۰

ازوقایع شهریور ۲۰ همه کس آگاه است اینجا بطورمختصر تکرارمیشود . روز دوشنبه سوم شهریور دولتین روس وانگلیس باتبانی قبلی درساعت چهار بعدازنیمه شب ازاطراف بکشور بلادفاع ایران حمله کردند (حمله به گیلان ومازندران روزسه‌شنبه چهارم و بخراسان روزچهارشنبه پنجم شهریور صورت گرفت) وسفرای روس وانگلیس درساعت ٤ صبح منصور نخست وزیر ایران را از خواب بیدار نموده و با پیژاما اورا ملاقات و یادداشت هـای دولتین خودرا تسلیم نمودند .

ولی دولت مرکزی نگذارد اهالی تهران تاعصرآنروز ازاین حادثه هولناك مطلع شوند. بعدکه خبرمنتشر گردید ودولت دستورخاموشی شب را داد مردم متوحش شدند البته شئون پنجم روسها هم بیکار ننشسته (یکی دوماه قبل چندین هزارنفر ترك و فارس‌زبان را روسها از کشور خود بیرون کرده وآنهارا بنام ایرانی بودن تحویل مقامات ایرانی دادندکه درتمام ایران پخش شدند و بین آنها مأمورین مخصوص شوروی بودکه برای یك چنین روزی خودراآماده میکردند) ضمن انتشار اخبار دروغ (روسها بزن و دخترها ترحم نمیکنند ــ مردهارا میکشند ، خانه‌هارا آتش میزنند وچنین وچنان میکنند) بروحشت مردم افزوده تاجائیکه قریب سی‌هزارنفرازاعیان واشراف بقم واصفهان ویزد ودهات جنوبی پناه بردند . دولت منصورسقوط کرد ودولت فروغی روی کارآمد این مرد خدماتی بایران نمود ولی نتوانست ازورود اجانب بپایتخت وسقوط پهلوی جلوگیری کند .

چون کشتی اقبال شهریارمقتدر ایران براثرطوفان حوادث وهجوم ناجوانمردانه ارتش‌های روس وانگلیس بایران درهم شکست روز۲۵ شهریور۱۳۲۰ رضاشاه‌کبیر که ازصولتش شیران بیشه شجاعت خواب راحت نداشتند بنفع فرزند ارشد و ولیعهدش محمد رضاشاه پهلوی استعفا نمود وتاج وتخت کیانی را بفرزند برومندش واگذارنمود وپس‌از واگذاری کلیه اموال منقول وغیرمنقول بشهریارجوانبخت ازطریق اصفهان ــ یزد ــ کرمان ــ بندرعباس ازایران طردگردید آزادی بعدازمشقت وتحت قیدوانضباط بودن سالیان دراز تبدیل به افسارگسیختگی شد احزابی تشکیل شدکه احصاءآنها مشکل است بعضی‌آنها بدست اجانب و نفع بیگانگان بود تشکیل شد دائماً حوادث واغتشاشاتی بودکه یکی بعدازدیگری لطمات شدیدی بایران وارد نمود . اشرار تقویت شدند تاجائیکه صولت‌السلطنه درخراسان ادعای سلطنت نمود . خسروقشقائی پسرمرحوم صولت‌السلطنه‌که مرد وطنپرستی بود به تیپ سمیرم حمله نمود افسران راکشت افرادرا متواری واسلحه ومهمات اموال آنهارا غارت‌کرد مردم دائماً متزلزل وهیچکس درکنار راحت وساحل فراغت نیارمید . تهران هم هرروزش یکرنك بود حادثه‌ای پشت حادثه دیگر کشتی تهرانیهارا چهارموجه ساخت ، هربهاری‌که آفتاب فروردین میتابید یك‌انقلاب تابستانی درسر وهرخزانی که خورشید روبه بیمهری شروع مینمود یك آشوب زمستانی دربر داشت . گـرانی اجناس ، حضور ارتش‌های بیگانه ، هجوم مردم‌گرسنه دهات ودیگر شهرستانها بپایتخت ، بیماریهـای ساری مـانند تیفوس و تب راجعه ورواج فسق و فجور مزید بربلا وابتلای اهل پایتخت شده مردم را دچار نکبت ووبال ساخته بود. ازپروردگارتوانا مسئلت‌داریم‌که این‌حوادث تکرار نشود

حوادث بعد از شهریور

بطور کلی پس از دور شدن پهلوی فقید از ایران وحمایت علنی ارتش شوروی مقیم ایران ازحزب توده ورجاله بازیها وضع ایران بخصوص تهران هرآن قابل انفجار بود وصدهـا وقایع اتفاق افتاد مانند «واقعه ۲۱ آذر» حکومت قوام که جمعی جلوی مجلس کشته شدند وواقعه هشتم فروردین ۳۰ که توده ایها درجلوی مجلس بانیروی انتظامی درگیرشده وچهارنفرمقتول چهل نفر مجروح شدند یا حادثه ۱۴ دی که مصدق برای گـرفتن اختیارات خود راه انداخته بود قتل هژیر و دهقان و رزم آرا ترور بی نتیجه فاطمی وغیره ولی مهمتر از همه سه حادثه است کـه شرح داده میشود :

۳۰ تیر ۱۳۳۰

روز ۲۶ تیر مصدق السلطنه قصد داشت ضمن معرفی کابینه ، خودرا بعنوان وزیـر جنگ معرفی کند شاه زیر بار نرفت واظهار داشته بود وزیر جنگ باید مرد نظامی یااقلا شخص توانائی باشد شما بیمار هستید واز زیر پتو خارج نمیشوید . اوهم افکار را تحریک نمود واعلامیه‌ای صادر کرد کـه چون وزارت جنگ را بمن نمیدهند وقطعاً ازاین کار منظوری دارند منهم استعفا میدهم ، مجلس هم بقوام السلطنه رأی داد فرمان اوصادر شد اعوان واطرافیان مصدق ووکلای مجلس طرفدار او روزدوشنبه ۳۰ تیررا تعطیل عمومی اعلام کرده ومردم درخیابانها اجتماع نمودند بتحریک وکلای موافق مصدق وماجراجویان مردم بطرف سربازان حمله کردند بالنتیجه زدوخورد سختی درخیابانهای تهران درگرفت قریب ۳۲ نفر کشته شدند وصدوچند نفر مجروح گـردیدند قوام ناچار باستعفا شد مصدق حرف خودرا سبز کرد ووزارت جنگ راهم ضمیمه نخست وزیری و سپهبد نقدی وسپهبد آق اولی را همه کاره ارتش نمود اولی خیلی خشك وباانضباط بود دومی هم ماهی پنجهزار تومـان بانك سپه پایند بـا کمك مصدق ارتش را بروز سیاه نشاندند واعمـال ناروائی انجام شد .

جلوی کاخ سفید شاه

روز نهم اسفند ۱۳۳۱ کاسه صبرشاه لبریز شد چون مدتی بود بنام لایحه کمیسیون ۸ نفری مصدق نظر داشت که اختیارات شاه را محدود کند وبگوید تمام اختیاراتی که قانون اساسی بشاه داده تشریفاتی است اقلیت زیربار نمیرفتند مصدق هم هرروز بهانه‌ای میتراشید .

گاهی میگفت علیاحضرت ملکه مادر باید ازایران خارج شود شاه گوش میداد گـاهی بوالاحضرت شاهدخت شمس ایراد میگرفت زمانی شاهدخت اشرف بالاخره همه را ازاطراف شاه تارومار کرد .

بهانه اخیرش آن بود که علاء هم ازوزارت دربار باید برود اینها موجب شد کـه شاه بمصدق گفت قصد خروج ازکشوررا دارد اوهم باکمال وقاحت مقدمات سفررا فراهم نمود حتی اتومبیل اثاثیه شاه ازراه زمین ببغداد رفت قرار بود که بعدازظهری شاه باطیاره عزیمت نماید . معلوم نشد این خبر ازچه ناحیه‌ای درشهر پیچید (میگویند چون شاه بـاحجة الاسلام بهبهانی قصد تودیع داشت ایشان مردم را متوجه وخامت اوضاع نمودند) غفلتاً جمعیت شهر بدورکاخ اجتماع کرد مردم گریه کنان فریاد میزدند ما شاه خودرا میخواهیم ما نخواهیم گذارد پادشاه ازکشور

خارج شود دکترمصدق که درکاخ سفید بود واین اوضاع را مشاهده کرد ازدرمخفی خودرا بمنزلش رساند واعلیحضرت همایونی عصر آنروز در برابر مردم نطقی ایرادکردندکه بمنظور احترام و خواسته های شما ازمسافرتی که بمنظورمعالجه خود وملکه بود منصرف شدم ومعلوم نشد محرك چه کسانی بودندکه قسمتی ازجمعیت درحدود هزار نفر بطرف خانه مصدق رفتند (شعبان جعفری در بازپرسی گفته بود قصد ما این بودکه دکترمصدق را ببریم دربـار تااو دست شاه را ببوسد و مانع حرکت بشود) تیراندازی ازطرف محافظین منزل شروع شد یکنفرکشته وچند نفرمجروح شدند ولی مردم هجوم بردند دکترمصدق بادکترفاطمی باپیژامه بدواً خودرا بستادارتش رسانده وازآنجا باهمان حالت رفت بمجلس شورا وقصد تحصن درمجلس را داشت .

واقعه روزسه شنبه ۲۸ مرداد

برای تشریح این واقعه مهم بایستی کمی بعقب برگشت : روز ۲۹ فروردین (سال ۳۲) سرتیپ افشارطوس رئیس شهربانی که ازمنسوبان دکترمصدق بود مفقودگردید . پس از چندروز جنازه او درتپه های تلو اززیرخاك بدست آمد درطی این چندروز عده ئی ازامـرای ارتش وده دوازده نفر اشخاص متفرقه دستگیر وزندانی شدند و بطوریکه انتشار دارد ومتهمین بعداً اظهار نمودند آنهارا مورد آزار وشکنجه (برای گرفتن اقرار) قرارداده اند وازجمله متهمین اصلی مانند حسین خطیبی عضوحزب زحمتکشان وسرتیپ بایندر، مزینی ، زاهدی ودکترمنزه ، آقای دکتر مظفر بقائی استاد دانشگاه ورهبرحزب زحمتکشان ونماینده مجلس شورایملی (ازتهران وکرمان) را محرك این جنایت معرفی نمودند بنابراین عده ئی ازافسران بازنشسته وجمعی از روشنفکران که این صحنه را ساختگی میدانستند رفتند درصف مخالفین دکتر مصدق . درمجلس هم زمـزمه نارضایتی شروع شد بطوریکه درانتخابات هیئت رئیسه که باید فراکسیون نهضت ملی صد درصد موفق شود نشد ومیراشرافی ازمخالفین سرسخت دولت که مدیرروزنامه آتش هم بود با ۴۰ رأی بسمت کارپرداز انتخاب شد منتها چون دیگری هم ۴۰ رأی داشت میراشرافی را انتخاب نکردند همچنین حسین مکی نماینده اول تهران که ازمخالفین معقول و بیصدای دولت بود باچهل رأی بسمت نماینده ملت در بانك ملی انتخاب شد .

دکتر بقائی پس ازچندین جلسه نطق درمورد اینکه قتل سرتیپ افشارطوس صحنه سازیست اسنادی بمجلس سپرد تادر کمیسیون دادگستری بررسی شود .

دولت هم تقاضای سلب مصونیت ازدکتر بقائی را نمودکه باید بدواً در کمیسیون دادگستری بآن رأی گرفته شود .

درانتخاب هیئت رئیسه وکمیسیونها ، بیشتر اعضای کمیسیون دادگستری ازمخالفین دولت بودند دراین جریان عده ئی ازمنفردین دوفراکسیون بنام اتحاد وکشور تشکیل دادندکه وضع آنها بـرای دکتر مصدق روشن نبود و موقعیکه مجلس رأی مخفی میگرفت اینهـا بمخالفین دولت کمك میکردند .

دراین بین یکنفر ازمخالفین دکترمصدق را استیضاح نمود ووزیر کشورهم گفت میآئیم در مجلس و پاسخ میدهیم .

ولی دکترمتوجه شدکه اگرچه ظاهرمجلس بنفع وتحت تأثیراوست لکن بطوریکه درمورد انتخاب مکی ومیراشرافی دیده شد بهیچوجه فراکسیونهای اتحاد وکشور ومنفردین مورداعتماد

نیستند وممکن است استیضاح منجر بسقوط دولت او بشود بخصوص آنکه نظیر افراد مخالف دولت (مانند حائری زاده ، مکی ، دکتر بقائی) درصف موافقین او وجود نداشت اینها مردمانی حراف، نطاق ، مطلع ، متنفذ ودارای وجهه . لذا یگانه چاره دکتر مصدق این بود که مجلس را منحل کند . انحلال مجلس یك راه داشت وآن این بود که طبق مواد قانون اساسی (کـه درمجلس مؤسسان که درسال ۱۳۲۸ تشکیل شد وپاره‌ئی ازمواد قانون اساسی را تصحیح وتکمیل نمود) شاه فرمان صادرکند .

اما دکتر مصدق کراراً دردوره ۱٦ مجلس مؤسسان آنسال را قانونی نمیدانست واین مواد را مضر بحال مشروطیت میدانست وکراراً طرحهائی تهیه کردکه مجلس شورا رأی آن مجلس را لغونماید ولی نمایندگان زیربار نرفتند بعلاوه معلوم نبود اگر اوتقاضای انحلال مجلس را مینمود شاه تصویب کند زیرا قوام‌السلطنه هم درهمان روزهای بحرانی وغوغای اواخر تیرماه ۳۳۰ همین تقاضا را نمود ولی اعلیحضرت همایونی فرموده بودند این اختیاری راکه ملت بمن داده جز درموارد خیلی ضروری ازآن استفاده نخواهم کرد .

یك راه دیگر بـاقی بود آنهم این بود کـه وکلا کلیه استعفا نمایند ولـی اقلیت زیر بار نمیرفت .

فکر بکری بخاطرمصدق رسید ، آن رفراندم وجلب نظر مردم درباره مجلس بود . لذا اخطار کرد که ازمردم خواهم پرسید وروز ۱۲ مرداد درتهران رفراندم انجام گـرفت درتهران ۱۰۱،۳۹٦ نفر بانحلال مجلس و ٦۸ نفر بابقای آن رأی دادند .

روز ۲۰ مردادهم درسایر شهرستانها رأی گرفتند بیشترازیك میلیون نفررأی موافق دادند رویهمرفته موافقین درحدود دومیلیون نفر ومخالفین بیش‌ازچندصدنفر نبودند دراین روزچندنفر درملایر ویکنفر درمشهدکشته شدند . رأی دهندگان بیشتراحزاب توده وچپی بودندکـه هرنفر چندین مرتبه رأی بصندوق انداخته بودند .

این موضوع بیسابقه که درهیچیك ازقوانین ما بآن اشاره‌ای‌نشده شاه را متوحش نمود . اقلیت درمجلس متحصن شدند روزنامه‌های طرفدار دولت وجرائد توده ودست چپی دربار را بباد فحش وناسزا گـرفته وعلناً بشاه فحش میدادند واظهارعقیده میکردند رفـراندم دیگری برای تغییر رژیم لازم است . جز اقلیت وچند نفر ازمنفردین بقیه وکلاهم استعفا داده و در رفراندم شرکت نمودند .

اعلیحضرت همایونی دراین‌هنگام درقصر ییلاقی کلاردشت بودند وقتی وضع را بدینمنوال دیدند فرمان نخست وزیری سرلشگرفضل‌الله زاهدی را درتاریخ ۲۲مرداد صادرنمودند ولـی برای خود اوفرستادند (دراین‌موقع سرلشگر زاهدی ازتحصن مجلس خـارج ومخفی بود ومصدق برای دستگیری او جوایزی تعیین کرده بود) .

نیمه شب ۲۵ مرداد سرهنگ نصیری فرمانده واحدهای‌گارد شاهنشاهی رونوشت فرمان را درمنزل دکتر مصدق باوداد. نخست وزیرفوراً امربدستگیری اوداد وچون همانشب دکترفاطمی وزیرخارجه وچندنفر ازطرفداران دولت دستگیروبعد آزادشده‌بودند این‌واقعه را دولت باشاخ وبرگی کودتای نظامی نیم بند شکست خورده معرفی کردگاردسلطنتی را منحل وخلع سلاح نمود، شاه وملکه‌هم بدون اطلاع قبلی باطیاره ببغداد عزیمت نمودند . وزیرخارجه به سفرا دستورداد شاه فـراری را دیدن نکنند و در روزنامه بـاختر امروز و در رادیو نسبت باو اهـانت و بی‌احترامی کرد .

فراکسیون نهضت ملی هم که برای انجام تشریفات قبول استعفای خود ازحضور درمجلس سر باز زده بودند درمیدان بهارستان جمعیت تهران را خبر کرد، هریك نطقهائی نموده مردم را برعلیه شاه و دربار تحریك نمودند احزاب توده وچپی ریختند مجسمه‌های پهلوی فقید و اعلیحضرت همایونی را شکسته عکس شاه هرکجا بود پاره کرده صحبت ازشورای سلطنتی و تغییر رژیم کردند .

رئیس‌جمهور امریکا ضمن نطق‌خود ازاوضاع ایران اظهارنگرانی نمود . سفیرامریکا که چندی بود بامریکا رفته بود روز ۲۶ مرداد وارد تهران شد او وپاره‌ئی ازسفرا بدکترمصدق اخطارکرده بودند که دولت اورا قانونی نمیدانند زیرا رونوشت فرمان انتصاب زاهدی را در جرائد طرفداردولت دیده بودند .

درسایر شهرستانهاهم دستجات چپ نظیرعملیات پایتخت را مرتکب شده بودند ، خلاصه همه‌کس تصورمیکردکه کارتمام است ورژیم جمهوری عنقریب اعلام خواهد شد حتی توده‌ایها اسم آنراهم‌گذارده بودند (جمهوری سوسیالیستی ۱۷ ایرانستان) .

بگیر و ببند شروع شد دکتربقائی را ازبهارستان بزندان عشرت‌آباد‌بردند ، کفیل وزارت دربار (ابوالقاسم امینی)را بزندان افکندند اوهم نامردانه نامه‌ای بدولت نوشت وبشاه توهین کرد تا آزاد شد .

ناگاه روز ۲۸ صبح جمعی ژولیده وژنده پوش ازچالمیدان حرکت‌کرده وفریاد میزدند زنده باد شاه (باید دانست‌که‌روز پیش باحزاب چپی دستور داده شده بودکه فعلا دست ازتظاهر بردارند بنابراین هیچکدام برای عکس‌العمل آماده نبودند وغافلگیر شدند) جمعیت بخیابان لاله‌زار وشاه رسید مردم هم‌گروه‌گروه بآنها می‌پیوستند تامقارن ساعت ۱۳ که ادارات تعطیل شد مستخدمین ناراضی وسربازها بااین‌جمعیت هم‌آهنك شدند ، سرلشگر زاهدی هم پس‌ازمدتی آفتابی شد روی یکی ازتانکها نشسته ایستگاه رادیورا تصرف نموده وجمعیت را رهبری‌کرده و خودرا بسمت نخست وزیری معرفی‌کرد .

دراین‌گیرودار فراکسیون نهضت ملی و هیئت وزرا درمنزل نخست وزیر جمع بودند بدواً قضیه‌را سرسری‌گرفته وحتی هنگام اشغال‌رادیو برئیس ستاد دستورمیدهند اجامر واوباش را ازاستودیوی رادیو خارج نمایند که ناگاه فریاد زنده باد شاه مرده باد مصدق خانه ۱۰۹ نخست وزیررا بلرزه درمیآورد . سرهنك ممتاز محافظ خانه دکتر مصدق ازورود مردم بخانه دکتر جلوگیری‌نموده وتاهنگامیکه اواسناد واشیاء قیمتی‌خودراجمع‌آوری‌کند بامردم وسربازان مسلح بمبارزه میپردازد درحدود ۴۵ نفر(منجمله یك‌سرهنك ویکنفرستوان)کشته میشوند ومصدق ویارانش‌بوسیله نردبام بخانه‌مهندس پناهنده میشوند پس‌ازیکی دوروز مصدق ویارانش دستگیر (فقط دکترفاطمی بدست نیامد) اعلیحضرت همایون هم بمجرد اطلاع ازرم ببغداد آمده وپس‌از یکی دوروز توقف درعراق درمیان فریاد شعف وزنده باد مردم بپایتخت واردگردید .

ولی حزب توده بکمك حزب نیروی سوم وپان‌ایرانیست وعده‌ئی از بازاریها همه‌روزه اخلال میکنند و درحدود چهارصد نفرآنسان دستگیر بقلعه فلك‌الافلاك ، خرم‌آباد وجزیره خارك تبعید شدند .

درهمین اوقات ورزشکاران چپی‌که بفستیوال اروپا رفته بودند بایران بازگشتند درمرز سرجمله آنهارا تراشیده بطهران فرستادند پس‌از تحقیقات عده‌ئی ازآنها زندانی بقیه آزاد

گردیدند . یکی دومرتبه هم بازار (ظاهراً ازترس غارت حزب توده) ولی باطناً برای سقوط دولت بسته شد ولی دولت بخراب‌کردن طاق بازار اقدام نمود که نیمه‌کاره ماند و بسازارها هم بازشد . تااین تاریخ هنوز اوضاع آرام نیست و فرمانداری نظامی بساشدت عمل در تهران برقرار است .

بخش هشتم - متفرقه

۱ - حرفه و پیشه و هنر

مرآت لبلدان دروقایع سال ۱۲۷۸ تهران مینویسد :

«یك لوله توپ خاندار جهة نمونه از فرانسه ابتیاع شد باتفنگهائی کـه ابتیاع شده بود بدارالخلافه میآورند که ازروی همان‌توپ توپهای خاندارمتعدد دردارالخلافه بسازند، جبه‌خانه و قورخانه دارالخلافه رونقی دارد ومهندس روسی بجهة تسهیل عمل‌کارگران ، راه‌آهن ازکوره توپ ریزی تاکارخانه توپ سوراخ‌کنی‌ساخته‌که لوله توپ ازاین‌کارخانه تاکارخانه دیگردرکمال سهولت حمل میشود ومحتاج بحمل عراده وزحمت کارگرها نیست ...

درچاشنی‌سازخانه نیز مشغول ساختن چاشنی تفنك‌هستند وقرارشد درکارخانه تهران سالی ده‌کرور چاشنی ساخته شود .

کارخانه ریسمان ریسی و شمـاعی وکاغذ سازی و بلورسازی و غیره باهتمام نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم نهایت رونق را دارد .

وشکری‌که‌درکارخانه‌شکرریزی‌مازندران ساخته‌اند نهایت‌خوب وقندهائیکه عمل‌آورده‌اند تفاوتی باقند روسی ندارد . انتهی» .

بطورخلاصه مهندسین فرانسوی وانگلیسی‌که درزمان صفویه وفتحعلیشاه قاجار درایران کارخانه‌های اسلحه سازی ومهمـات سازی تأسیس نموده‌اند خیلی ازهوش وذکاوت کارگـران ایرانی تعریف وتمجید نموده‌اند ولی درهرحال‌صنایع دستی یاکارگاههائی درتهران معمول‌نبود.

ولی درزمان پهلوی فقید موضوع کار وکارگر درتهران رونقی بسزا گرفت‌که اگردنبال میشد تهران تدریجاً بیك شهر صنعتی تبدیل میگردید .

درسال ۱۳۱۶ مقدار۱۳۰۴۲۴ تن ماشین‌آلات وافزار بکشوروارد شد بدبختانه کم‌کم واردات کارخانه روبنقصان‌گذارد ولی بجای‌آن ورود اشیاء لوکس افزوده شد .

مثلا درسال ۳۱۸ (٤٤٤) عدد اتومبیل ببهای هفت میلیون ریال واردکشور شد ولـی اینکه اخیراً بچندین هزارو۱۸۰ میلیون ریال رسیده‌است. بالاخره درسالهای اخیرصدها میلیون ریـال ارز بدون احتیاج ازکشورخارج وبهمان اندازه افراد فقیر وملت پریشان‌گردید .

صنایع ایران

وضع کار وکارگر درکلیه ایران مخصوصاً درسه نقطه آبادان ، اصفهان ، تهران صورت مخصوصی بخودگرفته تاآنجاکه برای‌نظم وترتیب ونظارت درپیشرفت امور وازدیاد بهره‌کار

وارتباط بین کارگر و کارفرما وزارت کار تشکیل وقوانینی درخصوص وظایف کارگر و کارفرما و بیمه کارگران وغیره ازمجلس شورای ملی گذشت .

دراوایل سلطنت پهلوی فقید کارخانه های مهم ایران منحصر بکارگاههای نفت آبادان و کارخانه پارچه بافی وطن اصفهان بود ولی شاهنشاه فقیدکه درپیشرفت صنایع کشور دقت خاصی داشت موجبات توسعه کارخانه‌های دولتی را فراهم مینمود . .

اینك کارخانه های تهران و اطراف تهران

سه کارخانه نساجی

۱ ـ کارخانه نساجی صنیع الدوله ۲ ـ ریسمان ریسی و پارچه بافی تهران ۳ ـ چیت سازی .

سیزده کارخانه کشبافی وجوراب بافی

۱ ـ شرکت پیرایش ۲ ـ شرکت محدود ۳ ـ امیدوار جورابچی ٤ ـ منصوریسان ٥ ـ برادران جورابچی ٦ ـ حقیقت ۷ ـ نیکفر ۸ ـ کشباف صبا ۹ ـ شهپر ۱۰ ـ قدس جورابچی ۱۱ ـ بافندگی ارجمند ۱۲ ـ کشبافی غلامعلی ۱۳ ـ جورابچی و برادران .

دوازده کارخانه مشروب سازی

۱ ـ آرکو ۲ ـ شمس ۳ ـ مجیدیه ٤ ـ البرز ٥ ـ خورشید ٦ ـ سه‌گانه ۷ ـ آریول ۸ ـ تهران ۹ ـ مهر ۱۰ ـ میهن ۱۱ ـ ایران ۱۲ ـ یگانه .

سه کارخانه قند

۱ ـ کارخانه قندکرج ۲ ـ کهریزك ۳ ـ ورامین (که بعداً منتقل شد) .

کارخانه های مهم دیگر

۱ ـ کارخانه دخانیات
۲ ـ کارخانه سیمان .
۳ ـ کارخانه‌های اسلحه سازی ومهمات سازی ارتش .
٤ ـ کارخانه جوهر نمك
٥ ـ کارخانه تصفیه مس غنی آباد .
٦ ـ کارخانه گلیسرین دولت آباد
۷ ـ کارخانه تصفیه روغن ورامین .
۸ ـ کارخانه تعمیرات ونك
۹ ـ کارخانه شمالی امین آباد .
۱۰ ـ کارخانه سم‌سازی امین آباد
۱۱ ـ کارخانه آجر نسوز کرج .

کارخانه کبریت سازی فرشته ـ کبریت سازی شرق .

کبریت سازی اکباتان (درایران ۳٥ کارخانه کبریت سازی ومحصول آن ۲۳۰ میلیون جعبه است) .

صابون سازی داروگر
صابون سازی پاك

کارخانه ماکارونی سازی لوبل — آرد سازی گیلان آرد .

بلورسازی توکلی — بلور سازی اسد — بلورسازی مکا — بلورسازی مالک — بلورسازی محمود کاشانی — بلورسازی بنی‌هاشمی — بلورسازی تهران — بلورسازی خورشید .

کارخانه چرمسازی تهران — شرکت سهامی — چرمسازی روک .

کارخانه اسلانیاس (درایران ده کارخانه چرمسازی تأسیس شده) .

محصول کارخانه های نوشابه سازی ایران سالیانه ۱۰ میلیون بطرعرق وشراب ، کنیاک وآبجو ، فقط ازاین مقدار ۱۵۰ هزاربطر الکل صنعتی میباشد .

باهمین سم است که ما بانتحار تدریجی مشغولیم ؟ !

۴ — زیارتگاه و مزارها

درایران مشاهد ومزارهای زیادی دیده میشودکه بعضی‌ازخود میپرسند اولاد ائمه‌اطهار درایران چه میکردند .

باید دانست که این آقازاده‌ها وآل علی بعللی در دوران مختلفه بایران روی آوردند زیرا بنی‌امیه و بنی‌عباس که غاصب خلافت بودند اولاد علی‌را مورد اهانت وتحقیرقرارمیدادند لذا عده زیادی ازسادات عظام درایام ولایتعهدی حضرت امام رضا علیه‌السلام ازحجاز ویمن و عراق بعزم خراسان حرکت نمودند اما هنوز غالب آنها بمقصد نرسیده بودندکه واقعه شهادت حضرت رویداد لذابنا براشاره خلیفه حکام وامرا کلیه سادات را دستگیر و بعضی‌را مقتول ساختند . مهمترین کاروانیکه بطور دسته‌جمعی حرکت مینمودند دوقسمت بودند :

اول — جماعتی که باحضرت فاطمه ملقب بمعصومه بنت موسی بن‌جعفر(ع) همراه بودند و درحدود ساوه مورد تعرض لشگرمأمون واقع مقتول ویا پراکنده شدند . همچنین ساداتی کـه دراثرفشار حکومت جابره حجاج بن یوسف ثقفی درعراق بایران پناه آوردند .

دوم — دومین دسته ازسادات عظام که باهیمنه خاصی ازحجاز وارد ایران شدند اتباع وهمراهان امامزاده احمدبن‌الموسی‌الکاظم (ع) معروف بشاه چراغ هستند .

امامزاده‌های شهرری عده بیشماری بوده‌اندکه غالباً دردوره سلاطین آل بویه درامور دولتی و عمومی‌هم شرکت داشته‌اند اسامی ونسب آنـان در کتاب منتقلة‌الطالبیه وجنة‌النعیم مفصلا درج شده .

اینک مقابر امامزاده‌ها وبقاع و اماکن متبرکه شهرری وتهران واطراف تهران راکـه با جغرافیای تهران ـ ری ارتباط دارد بترتیب مینویسیم :

بقاع و اماکن متبرکه تهران و حومه

۱ — حضرت عبدالعظیم باچهار واسطه اولاد امام حسن (ع) مدفون درشهر ری .

۲ — امامزاده حمزه اولاد امام موسی‌کاظم (ع) « « «

۳ — امامزاده طاهر نواده حضرت سجاد (ع) « « «

۴ — امامزاده عبداله باچهارواسطه اولاد حضرت سجاد (ع) « « «

۵ — ابن بابویه ابوجعفر محمد بن حسین بن موسی بن بابویه   درشمال خاوری ری
٦ — بی بی زبیده اولاد امام حسین (ع)   کنارجاده تهران — ری
٧ — امامزاده هادی مسجد ماشاءالله باچند واسطه اولاد امام موسی کاظم شمال شهرری
٨ — دوبرادران باهفت واسطه اولاد امام حسن مجتبی (ع)   شهرری
٩ — سه دختران   جنوب باغ سراج الملك   «
١٠ — امامزاده ابوالحسن فرزند امام جعفرصادق (ع) آب اندرمان شمال باختری ری
١١ — جوانمرد قصاب   درمنصورآباد شهرری
١٢ — بقعه چهل تن   دولاب
١٣ — سید ملك خاتون خواهر امام رضا (ع)   مسگرآباد دولاب
١٤ — امامزاده اهل بن علی اولاد امیرالمؤمنین علی(ع)   «   «
١٥ — امامزاده معصوم صالح فرزند حضرت سجاد (ع)   فرح زاد شمیران
١٦ — امامزاده ابوطالب باچندواسطه اولاد امام حسین (ع)   «   «
١٧ — امامزاده داود عماد بن جعفر بن نوح بن عقیل بن هادی بن حضرت سجاد(ع) شمال فرح زاد
١٨ — امامزاده مطیب باسه واسطه اولاد امام موسی کاظم (ع)   تپه ادین
١٩ — امامزاده عزیز فرزند محسن بن موسی کاظم (ع)   «   «
٢٠ — امامزاده سید محمدولی باچند واسطه اولاد حضرت سجاد (ع) کوههای درکه
٢١ — امامزاده ابراهیم   پس قلعه شمیران
٢٢ — امامزاده صالح فرزند امام موسی کاظم وچنار کهن   تجریش
٢٣ — امامزاده قاسم ازاولاد امام حسن (ع)   بین تجریش ودربند
٢٤ — امامزاده علی اکبر ازاولاد امام زین العابدین (ع)   چیزر شمیران
٢٥ — امامزاده اسمعیل بن زکریا   در «   «
(تپه چیزر پیش ازاسلام محل آتشکده ایرانیهای مقیم ری بوده) .
٢٦ — امامزاده چهار برادران (سالم ، ابوطالب ، رضا ورحیم)
ازاولاد شیث فرزندکاظم بن حضرت سجاد (ع)   درتپه های لویزان شمیران
٢٧ — امامزاده حسن فرزند امام حسن (ع)   در جی علیا باختر تهران
٢٨ — امامزاده عبدالله فرزند ابوالفضل العباس (ع)   «   «
٢٩ — امامزاده معصوم فرزند امام محمد باقر (ع)   بریانك «
٣٠ — امامزاده عین علی وزین علی باچند واسطه اولاد امام حسین (ع)   در پونك
٣١ — بقعه شیخ عبدالله (ازعلمای معروف)   در طرشت
٣٢ — هفت چنار (آنهارا اهالی متبرك میدانند)   در بریانك
٣٣ — امامزاده ابراهیم ازاولاد امام موسی بن جعفر (ع)   بازارعباس آباد پایتخت
٣٤ — امامزاده زید فرزند امام حسن مجتبی (ع)   «   خیاط ها
٣٥ — امامزاده سید محمد ولی   «   ارسی دوزها
٣٦ — امامزاده سید ناصرالدین   خیابان خیام
٣٧ — امامزاده سیداسمعیل فرزند زکریا اولاد امام موسی کاظم (ع) بازار آهنگرها
٣٨ — امامزاده غیبی   بازار
٣٩ — امامزاده یحیی   باغ پسته بك

۴۰ــ مقبره پیرعطا	سه راه دانگی
۴۱ــ چهل تن	بازار
۴۲ــ هفت دختران	خیابان سیروس
۴۳ــ چهارده معصوم	باغچه علیجان خیابان ناصرخسرو
۴۴ــ سقاخانه نوروزخان	پهلوی مسجدشاه
۴۵ــ چنار پنجعلی (محل دخیل بستن زنهای درباری قاجاریه)	داخل عمارت گلستان

تکیه دولت

تکیه دولت که تاچند سال پیش باقی بود محل عزاداری دربار بود. بدواً دارای سقف چوبی بود وچون اطاقهای اشکوب چهارم بواسطه سنگینی سقف شکست برداشته بود لذا طبقه چهارم آنرا برچیدند و مهندسین اروپائی نقشه‌ای برای این فضای بزرگ کشیده وسقف آهنی بآلمان سفارش دادند واین سقف بپول آنروز (۱۲۰ هزارتومان) خریداری شد ومبالغ گزافی هم هزینه برداشت تاآنرا درمحل پیچ ومهره وسوارکردند.

تکیه دولت بدواً چهارطبقه داشت که دورتادور آن بالاخانه‌های متعدد قرارگرفته بود ومانند اپراها وتئاترهای بزرگ فرنگی بالاخانه‌ها صورت لژرا داشت ودرهرطبقه‌ای نیز تعداد زیادی ازاین بالاخانه‌هــا ساخته شده واردین از دالانیکه ازبیرون بالاخانه‌هــا بیکدیگر متصل میگردید وارد میشدند.

دراطاقهای اشکوب اول شاه واهل‌حرم واندرون می‌نشستند. جلو تمام بالاخانه‌ها کــه خانمهای درباری نشسته بودند پرده زنبوری کشیده میشد وچون شاه همه روزه درمجلس تعزیه حاضرمیگردید لذا پیش‌ازحضورشاه مراسم آغاز نمیشد، نشانه آمدن شاه‌هم این‌بود که چــراغ مخصوصی برابر بالاخانه مقرشاه بالماس درشتی که روی کلاه شاه بود پرتو میانداخت ودرنتیجه تلؤلوئی دست میداد و تمــاشاچیان ازدیدن اشعه میفهمیدند کــه اعلیحضرت وارد جایگــاه مخصوص شده‌اند.

دروسط تکیه محل وسیع گردی بودکه یك متر ازسطح‌زمین بلندتر بود واین‌محل‌فی‌الواقع صحنه تئاتر واختصاص بشبیه خوانها داشت.

دورتــادور این سکو راهروئی بود خیابان مــانند بپهنای چهارمتر کــه اختصاص بعبور تخت‌روان یزید وحجله قاسم پالکی وکجاوه اسیران وتاخت وتاز شمر وابن‌سعد وحرکت فیل و شتر واسب داشت.

بعداز این‌خیابان بازهم سطح زمین بلندترمیشد ودراین‌محل خانمهای تماشاچی با روبند سفید می‌نشستند. دورتادورتکیه بصورت پله ساخته شده‌بود، دربرابر این پله‌ها (یعنی پشت‌سر جمعیت) طاق‌نماهای متعدد ساخته شده بودکه اعیان واشراف وحکام ولایات تزئین کــرده وبنام آنها اختصاص داشت. چراغهای بزرگ وپرنور فضای تکیه را همچوروز روشن میساخت.

شبیه خوانی همیشه محزون نبود بعضی‌اوقات مخصوصاً روزهائیکه سفرا ومأمورین بیگانه دعوت‌داشتند تعزیه‌های خنده دارمانند یوسف ـ زلیخا وسلیمان ـ بلقیس که دیوها باکلاه وماسکهای عجیب وغریب و ادا واطوارخنده دار شرکت میکردند خوانده میشد.

ازسقف تکیه اطاقك زیبائی که مزین بگل ولاله بود باقرقره وطناب جبرئیل یاحضرت

سلیمان را بالا وپائین میآورد یاپیغمبر بآن وسیله بمعراج میرفت .

پیش‌ازشروع تعزیه دسته موزیك عزیزالسلطان کـه آلات‌آن ازنقره ساخته شده‌بود و ملکه انگلستان برای شاه بارمغان فرستاده بود بنواختن آهنگهای مخصوصی شروع کرده ودور تکیه گردش میکردند . سپس اسبهای یدکی باطاقه‌شالهای گران قیمت وزین وبرگ مرصع عبور کرده بعد دسته زنبورکخانه میآمد سنك میزدند .

باید دانست تمام دستگاههای موزیك بطور کامل باتمام گوشه‌ها دراین تعـزیه خوانده میشد که امروز کمترخوانندهها مطلع بآن‌نکات دقیق‌وحساس‌آن هستند وبچه‌های کاشی‌را بزحمتی آماده وتعلیم میدادند .

درشب‌آخر تعزیه در تکیه را می بستند وقرق میکردند وشاه وعزیزسلطان بوسط صحنه میآمدند وخواجه‌باشی میرفت جلوی طاق‌نمای اعیان وبزرگان وهریك ازصاحبان طاق‌نما مبالغی پول طلا بابت هزینه تعزیه تقدیم شاه مینمودند .

۴ ــ آب تهران

موضوع آب تهران اززمان آغامحمد خـان قاجارکسب اهمیت نمود وهمیشه مطمح نظر اولیای امور بوده‌است . در اواسط سلطنت محمدشاه (۱۲۵۵ هـ . ق) حاجی‌میرزا آغاسی دونهر بزرك ازرودخانه کرج جدا کرده بتهران‌آورد . یکی ازآن نهرها ازدامنه البرز عبور واز شمال طرشت‌گذشته بقریه عباس‌آباد منتهی‌میشد وهنوزآثار آن نهرباقیست .

پس‌ازعزل میرزا آغاسی ازآوردن آب جلوگیری وآن نهر بی‌استفاده شد .

دیگری نهریست کـه از زیر جـاده قزوین گذشته تاقریه یافت‌آباد ادامه یـافت و هنوزهم دایر است .

ازاین تاریخ ببعد آب تهران منحصر بچند رشته قنات وقفی وغیروقف شده واهالی‌ازحیث آب درمضیقه افتاده بودند تاآنکه میرزاعیسی وزیر اقدام بحفرچندین قنات نمود .

دراواخرسلطنت ناصرالدین‌شاه چندنفر اروپائی امتیاز حفرچاههای عمیق را گرفته ودر شمال تهران شروع بکارنمودند ولی درضمن‌عمل مته چاه‌کنی شکست وبواسطه نبودن وسائل و مشکلات دیگر صـاحب‌امتیاز موفق بادامه کارنشد ودیگر درموضوع آب اقدامی بعمل نیـامد تاسال ۱۳۰۰ زمان نخست وزیری آقای سید ضیاءالدین‌که شهرداری تهران سروصورت‌اساسی قانونی بخودگرفت وبرای تنظیم امر آبیاری اقداماتی بعمل‌آورد ودرنظر بود بدواً سدی در جاجرود بسته شود ولی‌چون هزینه آن نزدیك دومیلیون تومان میشد و شهرداری‌هم سرمـایه نداشت لذا موضوع معوق ماند ولی درسال ۱۳۰۶ کـه خشکسالی بود وآب تهران خیلی‌کم شد مجدداً فکرشق نهرازکرج قوت‌گرفت وپس‌از بررسی‌های لازمه مجرائی ازبالای **بیلقان** قریه **سرجوب** کشیده شدکه نزدیك جمشیدآباد ظاهرمیشود . طول‌آن ۵۳ کیلومترکه ۲۰ کیلومتر آن زیر زمین است وازکلاك وارد درمجرای متوازی میشودکه هرثانیه یك مترمکعب آب وارد مجرای شهرمیشود.

درسال ۱۳۲۵ موضوع لوله‌کشی‌که سالها بود دراطراف‌آن صحبت میشد بصورت جدی بمرحله عمل درآمد وتاکنون قریب صد میلیون تومان هزینه‌آن شده وباشرکت سرالکساندرگیب پیمان انجام آن بسته شده‌است ومحتمل است تاسال ۱۳۳۳ (اگرحوادث ووقایعی‌مانع ادامه کار

نشود) امر لوله کشی بپایان برسد ودرهمین حدود مبلغ هزینه بقایای کار تا اتمام آنست اینک منابع آن ساخته وپرداخته ونزدیک باتمام است .

سه منبع بزرگ سه قسمتی در یوسف آباد ــ بهجت آباد ــ عباس آباد که هریک شصت هزار مترمکعب آب میگیرد .

وسه منبع کوچک دوقسمتی درقصرقاجار ــ جلالیه ــ عشرت آباد که هریک چهل هزارمتر مکعب آب میگیرد .

طول لوله کشی تهران ۳۶ کیلومترلوله فولادی ازمخزن تامجرای کرج و ۸ کیلومترازمجرا تا تصفیه خانه ششصدکیلومتر لوله اصلی و ۳۰۰ کیلومتر لوله فولادی فرعی وتاپایان سال ۱۳۳۲ هفتادوپنج درصد کار لوله کشی باتمام رسیده . وضع آب تهران فعلا بصورت اسفانگیزی درآمده و هیچکس ازخطر بیماریهـای تیفوئید و غیره مصون نیست مگرآنکه آب را شخصاً جوشانده و تصفیه نماید .

آب تهران از دو منبع تأمین میشود :

الف) **از رودخانه کرج** حداقل ۱۲۰ وحداکثر ۱۴۰ سنك .

ب) **آب قنات** که ازقناتهای مشروحه زیر بدست میآید :

۱ ــ قنات مخلص آباد ۲ ــ قنات وزیر ۳ ــ قنات بهجت آباد ۴ ــ قنات کرجی
۵ ــ قنات کریم آباد ۶ ــ قنات کوثریه ۷ ــ قنات داراآباد ۸ ــ قنات نجف آباد
۹ ــ قنات یوسف آباد ۱۰ــ قنات سلیمانیه ۱۱ــ قنات مجیدیه ۱۲ــ قنات سردار
۱۳ــ قنات ناودانك ۱۴ــ قنات ولنجك ۱۵ــ قنات باغ کوکب ۱۶ــ قنات دیبا
۱۷ــ قنات بابك سپه ۱۸ــ قنات باغ صبا ۱۹ــ قنات اداج ۲۰ــ قنات گل افشان

وقناتهای وقفی مانند :

۱ ــ قنات شاه ۲ ــ قنات سنگلج ۳ ــ قنات مهرگرد ۴ ــ قنات پامنار
۵ ــ قنات حاج علیرضا ۶ ــ قنات نظامیه ۷ ــ قنات مدرسه سپهسالار ۸ ــ قنات بریانك
۹ ــ قنات اکبرآباد ۱۰ــ قنات ناصرالملك ۱۱ــ قنات جنت آباد رحمت آباد ۱۲ــ قنات پونك
۱۳ــ قنات صدقه ۱۴ــ قنات صاحب الزمانی ۱۵ــ قنات حاج محمدعلی ۱۶ــ قنات ناصری
۱۷ــ قنات شهاب الملك وقناتهای باغشاه ، امیرآباد ، شمیران ، سفارت انگلیس وروس .

وچون این آبها کفایت احتیاج تهران را نمیداد لذا شهرداری واشخاص بحفرچاههای عمیق اقدام نمودند که کمك قابل ملاحظه ای بآب تهران نمود .

چاههای عمیق سازمان لوله کشی :

۱ ــ میدان شهناز ۲ ــ میدان فردوسی ۳ ــ آتش نشانی ۴ ــ دروازه قزوین
۵ ــ خیابان کاشانی ۶ ــ پشت شهرداری ۷ ــ خیابان بهار که جمعاً ۷۵۰ اسب قدرت موتور آنهاست .

چاههای عمیق شخصی که درتهران تاکنون حفرشده که عمق آنها گاهی ازصدمترهم تجاوز کرده وهریك پنج یاشش سنك آب دارند .

۱ ــ چاه عمیق کاخ همایونی ۲ ــ دخانیات ۳ ــ بیمارستان بازرگانی
٤ ــ باغ بی‌سیم نجف‌آباد ٥ ــ کانون‌آموزش ٦ ــ شیروخورشید باغ فردوس
۷ ــ خیابان جهان پناه ۸ ــ سلسبیل تخته سه‌لائی ۹ ــ یخچال زیبا دولاب
۱۰ ــ باغ سهام‌الدوله ۱۱ ــ زمردی ۱۲ ــ الهیه فخرالدوله
۱۳ ــ باغ فردوس شمیران ۱٤ ــ باغ‌کوکب قلهك ۱٥ ــ ممنوی قیطریه

پرآب ترین قناتها قنات مخلص‌آباد ، قنات شاه وقنات وزیراست که هریك بیش‌از ۸ سنك آب دارند .

همچنین چاه عمیقی‌در **شیان** شمیران زده شده‌که درحدود ٥۰ سنك آب دارد .

پست و تلگراف

ایران یکی ازکشورهای‌کهن است‌که بایجاد پست مبادرت ورزیده‌است آنچه محققاست دولت ایران ازآغاز تشکیل سلطنت هخامنشی‌ها پیك وچاپارهارا بترتیب خاص و بنابمقتضیات آنزمان بوجود آورده‌است ولی پست بصورت امروزی تقریباً هشتاد سال پیش (اواسط سلطنت ناصرالدینشاه) تأسیس شده‌است وروزبروز بطرف کمال میرود وازهمان تاریخ هم تمبر پست بچاپ‌رسیده ومورد استفاده قرارگرفته‌است وامروز خطوط پستی درتمام نقاط ایران دایربوده و بیشتراز دوهزارفرسنك چه بوسیله راه‌آهن واتومبیل وراههای دریائی وچه بوسیله پیك سوار وپیاده وپست‌هوائی قبول مراسلات ومحمولات مینماید .

تاسال۱۲۹۱ هجری قمری پست ایران بدست‌چاپارچی اداره میشد واوهم زیرنظروزیر ارتباط کارمیکرد بدین‌ترتیب‌که‌گیرنده وفرستنده نامه هردو مبلغی باید بپردازند ، بعلاوه موقع چاپ‌کردن تمبرصدهزارتمبرهم برای‌خود چاپارچی‌باشی طبع‌میکردند .

بالاخره در سال ۱۲۹۲ پستخانه ایران را بشخص اطریشی موسوم به (جی . ریدرر) واگذارکردند وبرای‌اولین‌مرتبه پست‌ایران هفته یکدفعه ازتهران به تبریز، رشت حرکت‌میکرد.

درسال ۱۲۹٤ هـ . ق . دولت ایران بعضویت پست بین‌الملل پذیرفته شد وهمان سال (ستاهل) نام روسی بجای (ریدرر) آمد، مدت ریاست ستاهل‌خیلی‌کوتاه بود بعداً بدست ایرانیها با مستشاران بلژیکی اداره میشد بطوریکه درهفتاد سال پیش ۷۳ پستخانه در ایران دایر بود .

تلگراف ــ درسال۱۲۷٦ که ناصرالدینشاه ازمسافرت اروپابرگشت یکرشته سیم‌تلگراف بین تهران وسلطانیه وسپس تاتبریز دائرگشت وتاسال ۱۲۷۹ تساجلفا کشیده شد . چندی بعد کمپانی هند واروپای انگلیسی سیمهای تلگراف جلفا ـ بوشهررا احداث‌کردکه درزمان پهلوی فقید بدولت ایران واگذارشد .

مطبوعات تهران

اساساً تاریخ روزنامه نگاری باکشمکشهای دسته ها وطبقات واختلافات حزبی توأم بوده وغالباً مدیران یاصاحبان امتیاز ونویسندگان‌گرفتار مشقات وسختیها شده وگاهی برشدايد غلبه جسته ومنویات خودرا بروفق دلخواه بموقع اجراگذارده‌اند . البته بعضی درراه رسیدن بمقصود فدا شده‌اند وعده‌ئی شاهد فتح وظفررا درآغوش‌گرفته بهدف نهائی‌خود رسیده‌اند .

چنانکه میرزاجهانگیرخان شیرازی مدیر ونویسنده روزنامه انقلابی صوراسرافیل ومدیر

روزنامه (روح‌القدس) ومتین‌السلطنه صاحب امتیاز وناشر روزنامه (عصرجدید) وزکن‌الاسلام مدیر روزنامه (کوکب ایران) محمد مسعود مدیرروزنامه (مرد امروز) واحمد دهقان مدیرمجله (تهران مصور) شربت نـاگوار شهادت را چشیده ونیز کسانی همچون مجدالاسلام کرمانی مدیر روزنامه(ندای وطن) ومیرزا حسین‌خان صبا مؤسس ستاره ایران وکسان بسیار دیگر تبعید شدند یا بزندان افتادند .

ازطرف دیگر مردان دیگر بذروه ارتقاء رسیدند مانند مرحوم داور مدیرروزنامه (مرد آزاد) سیدحسن تقی‌زاده نویسنده مجله (کاوه) سیدضیاءالدین مدیر روزنامه (رعد) مرحوم سید محمد تدین مدیر روزنامه (صدای تهران) دشتی ، مسعودی ، فرامرزی وغیره بمقام وکـالت ، سفارت ووزارت ونخست وزیری رسیدند .

اولین روزنامه باسم‌روزنامه (وقایع اتفاقیه)در ربیع‌الثانی۱۲۶۷ هجری بنابتشویق مرحوم امیرکبیر درتهران منتشرشد . همچنین‌روزنامه (دولت علیه‌ایران) بمدیریت ابوالحسن‌خان‌غفاری درتهران انتشاریافت .

خلاصه آنکه ظهور روزنامه در اوایـل سلطنت ناصرالدینشاه شروع واوایـل سلطنت مظفرالدینشاه برقدرت ونفوذ مطبوعات فارسی افزوده شد . مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی روزنامه (عروةالوثقی) وپرنس‌ملکم‌خان روزنامه(قانون) ومؤیدالاسلام (حبل‌المتین) را درخارج انتشارداد. ولی‌خریداران آنها بیشترتهرانیها بودند .

بعداز اعلام فرمان مشروطیت و دایرشدن دارالشورای ملی روزنامه‌های زیادی بظهور رسیدند وپس‌ازبمباران مجلس ازبین رفتند، مانند : ندای وطن، مساوات ، تمدن ، روح‌القدس، صوراسرافیل ، شرافت ، آئینه غیب‌نما ، پرورش ، اقیانوس ، اصناف ، ارشاد وغیره .

دراستبداد صغیرکه روح ارتجاع طلبی وخودسری دربار باغشاه فوق‌العاده قدرت داشت، نه‌تنها ازانتشار وطبع مطبوعات اجتماعی‌که زائیده‌مشروطیت بود جلوگیری شد . بلکه کاشیهای تازه‌کار جهة شماره‌گذاری خانه‌ها ودکانها را افراد سرباز سیلاخوری وسواران قراجه داغی و لوطیهای محلات تهران بعنوان یادگار مشروطه ومخالفت بادین‌مبین !! شکستند وبدورریختند .

دردوره دوم‌مجلس شورای‌ملی‌مجدداً بازار مطبوعات ملی بارونق شد ونشریات صورت بهتری بخودگرفت . جرائد طریق تکامل درپیش گرفته وهریك باسبك مخصوص ومسلك خاصی شروع بانتشار نمودند .

بعدازافتتاح دوره‌سوم مجلس‌شورای ملی‌مطبوعات ازحالت‌خمودگی خارج وروزنامه‌های نوی همچون (بامداد روشن) (جارچی ملت) وغیره طلوع نمودند .

دراوایل‌کودتای۱۲۹۹ قسمتی ازروزنامه‌هامانند(طوفان) (ستاره ایران) وغیره طوفان ومدیر آنها مورد ضرب وشتم وحبس وتبعید قرارگرفته حتی میرزاده عشقی مدیر روزنامه قرن بیستم‌که درحقیقت ارکان اقلیت مجلس‌چهارم بود جانش‌را روی اینکارگذارد ومانند محمدمسعود ترورشد وقاتل او شناخته نشد .

بعدازکشته شدن میرزاده عشقی وتبعید مدیرطوفان دیگردردوره قدرت‌بیست‌ساله رضاشاه کبیر جرایدمحدود شدند آنهاهم که بودند درحقیقت رسمی یا نیم‌رسمی بودند .

ولی بلافاصله پس‌ازاستعفا وتبعید پهلوی جرایدی طلوع نمودندکه غالباً مردمـانی‌گمنام بوده وعفت قلم نداشتند. قوام‌السلطنه درحکومت خود یکمرتبه تمام جـرایدرا توقیف نمود و

شرایطی برای روزنامه نگاری وضع کرد ولی بعداز سقوط مجدداً هرج ومرج روزنامه نگاری شدت پیدا کردکه هنوز دنباله دارد .

لردکرزن درکتاب خود مینویسد : مطبوعات ایران‌هم یك موضوع معماآمیز مرموزیست، درعین‌حال‌که ایران وزارت مطبوعات ومطبعه وروزنامه دارد ازهرگونه آزادی قلم و اظهار عقیده وفکر ممنوع است . درسال ۱۲۶۷ هجری قمری امیرکبیر یك روزنامه‌ای درتهران دایر نمودکه مدیر وسردبیرآن انگلیسی بود . پس‌ازقتل امیرکبیر روزنامه ومدیرش ناپدید شدند . مجدداً درسال۱۲۸۳ یك روزنامه‌ای بنام **تهران** انتشاریافت وبزودی موقوف شد .

اکنون درسال ۱۳۰۷ سه روزنامه درایران دایر میباشد : اول ایران روزنامه رسمی ماهی دومرتبه نامرتب تحت نظر وزیر مطبوعات انتشارمییابد. شاه ایران‌گاهگاهی مقاله برای روزنامه ایران میدهد ...

دوم روزنامه نیم رسمی **اطلاع** تحت‌نظر وزیر انطباعات بطورنامرتب منتشرمیگردد .

سوم روزنامه **شرف مصور** عکس وزیران وبزرگان ایران را چاپ میکنند . بهای تکشماره هریك ازاین روزنامه‌ها یك قران است ...

هنگامیکه ناصرالدینشاه ازسفراول فرنك برگشت میرزاحسنخان‌سپهسالار باکمك یك‌مدیر اروپائی روزنامه‌ای فرانسه وفارسی بنام **وطن** (لاپاتری) تأسیس‌نمود نخستین‌شماره آن درپنجم فوریه ۱۸۷۶ (۱۲۹۳) منتشرگردید . . درسال ۱۳۰۳ یك روزنامه فرانسه فارسی دیگربنام «اکودولاپرس» درتهران انتشاریافت وبزودی تعطیل شد .

یك مجله قشونی‌هم چندماهی در تهران چاپ شده وازمیان رفت ... انتهی » در دوران مشروطیت روزنامه‌های متعددی درتهران چاپ شده وچون بعضی‌ازآنها بمقدسات‌ملی ویامقامات عالیه اهانت میکردند قانون مطبوعات محرم ۱۳۲۹ قمری آنهارا تااندازه‌ئی محدود نمودولی چون جرائم‌آن بپول امروزکم بود لـذا چندین قوانین‌جدید بمجلس رفت وتصویب شد واینك بیشترازهزارامتیازروزنامه‌درتهران‌باشخاص‌داده‌شده‌که مهمترین آنها اطلاعات وبعدکیهان‌است در بین روزنامه‌های فکاهی روزنامه باباشمل ، توفیق ، حـاجی بابا وبین مجلات مجله ماهیانه و هفتگی اطلاعات ، تهران مصور ، روشنفکر ، ترقی . بعضی از وزارتخانه‌ها وادارات وبنگاهها دارای نشریه ومجله مستقلی هستند .

کتابخانه های مهم تهران

درتهران‌کتابخانه وقرائت‌خانه بسیارکم است متأسفانه مشتری همین‌کتابخانه های انگشت شمارهم بسیار ناچیزاست . اگرکسی بصدها پیاله‌فروشی ومشروب فروشی سری بزند ملاحظه میکندکه پشت میزها وبارها جای خالی موجود نیست ولی مدیران کتابخانه‌ها ازکمی اربـاب رجوع غالباً چرت میزنند شما درتبلیغات رادیو وروزنـامه وغیره هیچ شنیده‌اید که مردم را دعوت برفتن فلان خانه بنمایند ؟ وحال‌اینکه ...

بگذرم سخن درمورد فرهنك ورغبت مردم بکتاب وکتابخانه بسیاراست روزی دریکی‌از کتابخانه‌های عمومی‌که ۲۵ نفرخواننده وارباب رجوع داشت رفتم وخواستم رغبت‌مردم را بنوع کتاب بدانم . ازاین تعدادکم ۱۷ نفررمان میخوانندند ۸ نفرکتب مختلفه ...

اینک کتابخانه های مهم :

	کتابخانه	
۱ ـ	کتابخانه ملی	درحدود پنجاه هزار (۴۰۰۰ آن خطی) کتاب دارد
۲ ـ	« مجلس شورای ملی	« چهل هزار (۶۰۰۰ آن خطی) کتاب دارد
۳ ـ	« دانشسرا و دانشکده ادبیات	بیست و پنجهزار کتاب
۴ ـ	« معقول ومنقول	« « «
۵ ـ	« دانشکده حقوق	« « «
۶ ـ	« حاج حسین آقا	هیجده هزار کتاب
۷ ـ	« دانشکده فنی	بیست هزار کتاب
۸ ـ	« بانك ملی	چهارده هزار و پانصد کتاب
۹ ـ	« دانشکده افسری	شانزده هزار کتاب
۱۰ ـ	« دانشگاه جنك	ده هزار کتاب
۱۱ ـ	« دانشکده پزشکی	دوازده هزار کتاب
۱۲ ـ	« باستان شناسی	چهار هزار کتاب
۱۳ ـ	« سلطنتی	دو هزار و پانصد کتاب
۱۴ ـ	« اطلاعات سفارت امریکا	ـ
۱۵ ـ	« روزنامه اطلاعات	ـ
۱۶ ـ	« بنگاه راه آهن	ـ

درتهران سابقاً قرائتخانه زیاد بود وحتی برای مدیران آن نیز استفاده مادی هم داشت ولی چون اجتماع روشنفکران وجوانان دراینگونه بنگاهها بگفتگوهای سیاسی واحیاناً زدوخورد منجر میشد لذا تدریجاً آنها بسته شد وفعلا درچند برزن قرائتخانه دایراست، قرائتخانه آریاهم پشت شهرداری چندیست دایراست .

انتشارات و تبلیغات

درتهران دو استودیو موجود است استودیوی کشور ، استودیوی نیروی هوائی .

رادیوتهران درحال حاضر روزهای عادی ۱۵ ساعت وروزهای جمعه وجشنها ۱۸ ساعت بوسیله سه دستگاه فرستنده باامواج مختلفه ۱۹ ـ ۳۱ ـ ۴۹ ـ ۷۵ و ۳۳۵ پخش میشود .

درتهران دومرکز فرستنده هست .

(۱) ـ مرکز فرستنده اداره کل تبلیغات سه دستگاه:
- ۳۲ کیلواتی
- ۲۰ کیلواتی
- ۲ کیلواتی

(۲) ـ استودیوی نیروی هوائی باقدرت ۸۰۰ اسب روی امواج ۴۸ و ۴۰۰

درشهرستانها نیز استودیوی فرستنده هست که قدرت مختلف دارند مانند :

۱ ـ تبریز روی موج ۴۹ و ۲۰۰   ۲ ـ مشهد م ۴۸ و ۲۰۰   ۳ ـ اصفهان م ۴۴

۴ ـ شیراز م ۳۶٫۵   ۵ ـ رشت م ۲۰۰   ۶ ـ کرمانشاهان م ۲۰۰

۷ ـ کرمان م ۳۷٫۵   ۸ ـ رضائیه م ۴۴   ۹ ـ اهواز م ۳۷

۱۰ ـ کردستان م ۴۴٫۵   ۱۱ ـ خرم آباد م ۴۴ .

فرستنده تبریز بین شهرستانها ازهمه قویتر و برنامه آن روزانه سه مرتبه صبح وظهر وعصر درحدود هشت ساعت برنامه اجرا مینماید .

بهداری و بهداشت

وضع بهداشت تهران نسبت بسایر شهرستانهای ایران خوبست ولی هنوز بپایه بهداشت پایتخت های کشورهای مترقی نرسیده .

لردکرزن درکتاب خود مینویسد :

«درایران بهداری وجود ندارد، بیماریهای تیفوس وتیفوئید، اسهال‌خونی، وبا ، طاعون، آبله واخیراً سل بطورمزمن وساری درسراسر ایران یافت میشود ...

ناصرالدین‌شاه پس‌ازمسافرت باروپا ودیدن اوضاع ارتش آنجا درصدد برآمد درتهران یك بیمارستان نظامی تأسیس‌کند . بیمارستان نظامی تهران بیست تختخواب دارد . بودجه آنرا یکی ازافسران پیرمیدهد ... بدیهی‌است‌که چنین بیمارستانی هیچوقت پزشك ودارو وپرستار نخواهد داشت وهروقت ازاوضاع آنجا تحقیق کند میگویند سپاس خدایرا که تمام سربازان و جانبازان قبله عالم‌کوچکترین ملالی ندارند ... انتهی» .

مقصود لردکرزن بیمارستان احمدیه است که اوایل سلطنت پهلوی فقید برچیده وتبدیل ببیمارستان شماره ۲ ارتش گردید ودرمدت سلطنت رضاشاه کبیر بهداشت تهران تااندازه‌ئی ترقی کرد وبعد برتعداد بیمارستانها افزوده شد که دنباله توجه بازدیاد بیمارستانها هنوز ادامه دارد .

اینك صورت مؤسسات بهداشتی :

الف) آنچه مربوط بوزارت بهداریست .

۱ ــ بیمارستان شفا یحیائیان	خیابان ژاله
۲ ــ بیمارستان نجات	خیابان سپه
۳ ــ بیمارستان سیصد تختخوابی	جنوب باغشاه
٤ ــ بیمارستان مسلولین بوعلی	میدان فوزیه
٥ ــ بیمارستان فیروزآبادی	شهر ری
٦ ــ درمانگاه شماره ۱	هدایت خیابان اسلامبول
۷ ــ درمانگاه شماره ۲	سیروس خیابان سیروس
۸ ــ درمانگاه شماره ۳	ری کوچه دربدار
۹ ــ درمانگاه شماره ٤	خیابان خراسان
۱۰ ــ درمانگاه شماره ٥	نظام‌الملك عشرت‌آباد
۱۱ ــ آسایشگاه مسلولین	شاه‌آباد شمیران
۱۲ ــ بیمارستان پلشت	ورامین
۱۳ ــ بیمارستان علیشاه عوض	شهریار
۱٤ ــ بیمارستان شهناز پهلوی	حصارك

ب) بیمارستانهائیکه مربوط بشهرداریست :

۱ ــ پرورشگاه بینوایان مخصوص‌کودکان	خیابان قزوین

۲ ــ شیرخوارگاه	خیابان شاهرضا
۳ ــ تیمارستان درجه ۱	خیابان سینا
٤ ــ تیمارستان درجه ۲	خیابان سی‌متری
ج) ــ آنچه مربوط بسازمان شاهنشاهی است :	
۱ ــ بخش یکصد تختخوابی بیمارستان پهلوی	جمشیدیه
۲ ــ درمانگاه مبارزه با کچلی	خیابان قوام‌السلطنه
۳ ــ بخش یکصد و پنجاه تختخوابی حوادث و سوانح	بیمارستان ابن‌سینا
٤ ــ درمانگاه عکس برداری	خیابان مارشال استالین
٥ ــ درمانگاه مبارزه با بیماریهای آمیزشی	ناحیه ۱۰
٦ ــ آموزشگاه پرستاری ودرمانگاه اشرف پهلوی	باغ فردوس
د) ــ سایر بنگاهها :	
۱ ــ بیمارستان بازرگانی	خیابان ری
۲ ــ درمانگاه دریفوس	انتهای خیابان شهباز
۳ ــ بیمارستان مفرح	نازی آباد

٤ ــ درمانگاههای حومه جی و بریانك ــ نیاوران ــ تجریش ــ قلهك ــ یافت‌آباد

٥ ــ بیمارستانهای : رازی ، روزبه ، فارابی ، وزیری ، امیراعلم ، پهلوی ، گوهرشاد ، امریکائی ، باهر، حافظی ، چهرازی ، میثاقیه ، رضانور ، ریاضی ، مهر ، لولاگر ، نجمیه ، مازندران ، ویژه، یزدی ، بیمارستان شوروی، بانك ملی، وزارت راه، شهربانی و بیمارستانهای ارتش . ضمناً درتهران ۸۰۰ پزشك (تمام ایران ۲۵۰۰) و ۳۰۰ ماما (تمام ایران ٦۰۰) و ٤۰۰ داروساز (تمام ایران ۱۰۰۰) و ۲۵۰ دندان پزشك (تمام ایران ٦۵۰ نفر) مطب دایر کرده‌اند .

بنگاههای خیریه تهران

بعلت هجوم بیکارها یاافراد تنبل ومملول دهات وآبادیها بتهران مخصوصاً ازشهریور ۱۳۲۰ ببعد بنگاههای دولتی و ملی برای نگاهداری آنان تشکیل شده که مؤسسات مهم آنها عبارتند از :

الف) **سازمان شاهنشاهی** درفروردین ۱۳۲٦ بنام سازمان شاهنشاهی وخدمات اجتماعی درتهران تشکیل شد وتاکنون قریب یکصد درمانگاه که بوسیله پزشکان آلمانی، اطریشی وایرانی‌اداره میشود درنقاط مختلفه ایران تشکیل شده .

بعلاوه کانون کار وآموزش ، آموزشگاه پرستاری ، آموزشگاه فنی ازتأسیسات آنست ضمناً با فقر و بیسوادی مبارزه میکنند .

ب) **بنگاه حمایت مادران** که درسال ۱۳۱۹ تشکیل‌شد شامل: زایشگاه ، شیرخوارگاه، درمانگاه ومطب عمومی میباشد .

ج) **جمعیت شیروخورشید ایران** که دردوران اعلیحضرت فقید سروصورتی بخود گرفته وهنگام سیل وزلزله وآتش‌سوزی وغیره کمك قابل‌توجهی بمصدومین واشخاص مینماید .

د) **بنگاه تعاون عمومی امین آباد** که درحکومت سپهبد رزم‌آرا تأسیس شد .

ه) پرورشگاه شهرداری که قریب ۶۰۰ دختر و پسر بچه‌را نگاهداری و آنها‌مشغول تحصیل و کسب حرفه های صنعتی میباشند .
و) شیرخوارگاه شهرداری که درحدود ۴۰۰ نفر طفل‌شیرخوار نگاهداری مینماید .

روشنائی تهران قدیم

سابقاً بازارها و گذرها بوسیله چراغ موشی کـه بوسیله فتیله آلوده به پیه میسوخت روشنائی شهررا تأمین مینمود ، ولی ناصرالدین‌شاه ازفرنگستان‌که مراجعت نمود متخصصی باخود آوردکه برق تهران بوسیله گاز تأمین شودگویند حتی لوله‌های گازرا درخیابان چراغ گاز (کـه بعداً اسم او چراغ برق وفعلا خیابـان امیرکبیر نامیده میشود) کار گذاردند و بعللی حاج میرزا حسین‌خان سپهسالار ازادامه کارخود منصرف گردید .
تاچندی روشنائی شهر بوسیله شمع گچی درفانوس یاچراغهای فتیله‌ای نفتی نمره (۵) یا (۷) تأمین میگردید
تااینکه کارخانه برق وارد شد ومردم باروشنائی وخواص‌آن تدریجاً آشنائی پیداکردند .
یك موتور برق درسرپل‌امیربهادر متعلق بحاج‌امین‌الضرب بودکه باقوه ۲۰ اسب وقدرت ۸ کیلوات‌که تا ۵۰۰ متر اطراف بوسیله ۱۹۲ لامپ ۱۶ و۲۲ شمعی روشن میشد .
یك موتور برق‌هم درارك بودکه فقط درشبهای‌جشن‌عمارتهای‌سلطنتی ومحوطه باب‌همایون را روشن میکرد ولی بازهم‌کفاف حوائج حوزه سلطنتی را نمینمود .
یك موتور دیگر درخیابان چراغ برق (امیرکبیر) نصب شد (۱۲۸۸ شمسی) بقوه ۵۰۰ اسب وقدرت ۳۰۰ کیلوات‌که ۱۴۰۰ لامپ درخانه‌ها ومعابر نصب نموده بود .
ولی این تأسیسات مختصر که جریان برق را بوسیله تیرهای چوبی وخطهـای هوائی توزیع مینمود وفقط هنگام شب دائر بود شایسته شئون پایتخت‌کشورشاهنشاهی نبود لذا در ۱۳۱۴ اعلیحضرت فقید دستور تأسیس برق جدید صادر نمودند ولی متصدیان امر بدون درنظرگـرفتن احتیاج روزافزون تهران مبنای قدرت برق را روی ششهزارکیلوات‌گذاردند .

روشنائی و برق جدید تهران

شرکت اشکودا که برنده مناقصه شناخته شده بود چهار دستگاه توربو ژنراتور هرکدام بقدرت ۱۶۰۰ وششهزاروات سفارش داد وهمچنین مقداری کابل ششهزار وهزارولتی و۴۲ پست ترانسفورماتور هرکدام بقدرت ۳۰۰ کیلوات در۴۲ نقطه شهرنصب‌گردید .
مردم تهران بدواً استقبالی ازبرق نمینمودند ولی‌هنگامیکه پی‌بفوائد آن بردند مخصوصاً کارخانه‌ها ومؤسسات وغیره لذا ازسال۱۳۱۸ مردم برای‌گرفتن برق فشار آوردند .
آمارزیر توجه وعلاقه تدریجی مردم تهران را به برق نشان میدهد :
درسال ۱۳۱۶ مشترك ۱۱ نفر .
درسال ۱۳۱۸ مشترك۴۶۹۲ نفروهرسال برتعداد مشترکین‌افزوده میشد ناچار کارخانه‌های سلطنت‌آباد وکارخانه سیمان ازبرق مازادخودکمك به برق تهران مینمودند .
تهران یکصدهزارکیلوات قدرت ونیرو لازم داردکه فعلا بیست هزارکیلوات‌آن مهیاست (کارخانه سلطنت‌آباد دوهزارکیلوات‌وکارخانه‌سیمان یکهزاروپانصد کیلوات‌کمك میدهد و برای

چهارساعت اول شب درحدود پانصدکیلوات ازکارخانه‌های بانك ملی، سیلو، دانشگاه وزارهٔ آهن به برق تهران کمك میشود).

بنگاه برق تهران فعلا درحدود چهل هزار مشترك داردکه سالیانه یکصدوشصت میلیون ریال عایدی وساعتی ۵۰ میلیون کیلوات مصرف دارد.

فرهنگ

وضع فرهنگ امروزما مخصوصاً طرزتحصیل محصلین دبیرستان ودانشکده بصورتی درآمده که ارزش سیاسی آن بمراتب بآموزش و پرورش میچربد اصولا بسیاره‌ای ازدانشجویان و آموزگاران فکرکسب دانش یاتربیت شاگرد نبوده کلاسهای درس را تبدیل بمراکزتبلیغ مرامی احزاب ساخته‌اند.

فرهنگ ایران دردوران صفویه فقط جنبه ادبی و مذهبی داشت دانشمندانی بودندکه اقلا عربی خوب مینوشتند ومیخواندند فقه، اصول وغیره میدانستند.

در دوران قاجاریه سلاطین وعده‌ئی ازرجال باروپا رفتند، بدواً فکر تأسیس دارالفنون بدست توانای مرحوم میرزاتقی خان امیرکبیرپیدا شد وپس ازتشکیل هم تاچندی که مستقل بود یعنی برنامه آن تقلیدی نبود وافرادی تربیت میکردکه وجودشان برای کشور اگر مفید نبود مضرهم واقع نمیشدند.

اینك قسمتی ازکتاب مرآت‌البلدان و نظریه لردکرزن انگلیسی را دراینخصوص مینگاریم:

مرآت‌البلدان: «مدرسه مبارکه دارالفنون درارك پادشاهی درمحلی که اکنون درخیابان ناصریه وخیابان الماسیه است نهاده ومعلمین برای هرعلمی ازدولت استریه طلبیده ومسیوجان داود مترجم اول دولت علیه که باین مسأموریت بوینه رفته بود، اعلیحضرت امپراطور استریه اورا بانیل مرام معاودت داد وچندنفرمعلم بااوهمراه نمودند...

بعدازآنکه معلمین مذکور بدارالخلافه تهران رسیدند وطرف شرقی مدرسه مبارکه نیز تمام شد روزیکشنبه پنجم ماه ربیع‌الاول این‌سال (۱۲۶۸ ه) اولاد شاهزادگان عظام وامرا و اعیان ورجال دولت که برای تحصیل دراین مدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمدعلیخان وزیر دول خسارجه شرف‌اندوز خاکپای مبارك شده بعداز آن بمدرسه مبارکسه آمده بمیمنت شروع بتحصیل کردند..

ابتدا علمی که شروع کردند: مشق پیاده نظام، مشق توپخانه، مشق سواد وهندسه، طب، جراحی، علم دواسازی وعلم معدن بود ومقررشدکه هردسته لباس علیحده بپوشندکه فقط ازوضع لباس شغل هریك معلوم شود».

لردکرزن درکتاب خود مینویسد:

«درهرشهر وده ایرانی چندین مکتب‌خانه است حق‌الزحمه آخوند مکتبی‌ها از ماهی»
«یك‌قران تاسه قران است. دراین بنگاهها خواندن ونوشتن فارسی وتلاوت قرآن‌را میآموزند.»
«قرآن را طوطی‌وار میخوانند، یعنی کمترین توجهی بمفاد ومفهوم آن ندارند. طرز تدریس»
«درمکتب ایرانی‌طوریست که بیشترفارغ‌التحصیل‌ها فارسی‌میخوانند ولی نوشتن نمیدانند، کسانیکه»
«هردوهنررا دارند بلقب عالی (میرزا) ملقب میشوند».

«مدارس عالی ومتوسطه بمفهوم اروپائی درایران یافت نمیشود، در مدارس مذهبی»
«ایران بطورعجیبی علوم طب وفقه وفلسفه تدریس میشود، باین‌معنی کسه درمدارس مزبور»

«برنامه ودوره تحصیلی و سایر مقررات معموله وجود ندارد وهرکس هروقت بخواهد بدان»
«مدارس رفته ومطابق دلخواه ازآنجا بیرون بیاید».

« **دارالفنون** : ناصرالدین‌شاه درآغاز سلطنت خویش مدرسه‌ای بنـام دارالفنون»
«تأسیس کرد . عمارت این مدرسه را مطابق‌اسلوب مدارس فرنك ساختند وعلاوه براطاقهای»
«کلاس دارای کتابخانه، سالون‌کنسرت وتئاترمیباشد . عمارت‌اخیر یعنی سالون تئاتروکنسرت»
«وموزیك بحکم ملاهای تهران ازحیز انتفاع افتاده‌است» .

«مواد درسی این مدرسه عبارتست از : فارسی ، عربی ، انگلیسی ، فرانسه ، روسی،»
« آلمانی ، ریاضی ، طب ، نقشه‌کشی ، فیزیك ، شیمی ، معدن شناسی، جغرافی ودروس‌مربوطه »
«بنظام هست معلم اروپائی دردارالفنون تدریس میکنند که عبارتند ازیك معلم انگلیسی ، سه»
«معلم فرانسوی ، سه معلم آلمانی ، یك معلم لهستانی بعلاوه یك معلم ارمنی جلفائی‌که زبان»
«روسی درس میدهد» .

«من شخصاً بکلاسها سرکشی کرده وحضوراً ازشاگـردان امتحان حساب ، فرانسه ،»
«انگلیسی وغیره بعمل‌آمد بخوبی‌ازعهده برآمدند . بطوریکه شایع‌است دانشجویان دارالفنون»
« نمونه‌کاملی ازهوش وذکاء ایرانی میباشند» .

«شماره‌کلیه آنان به ۲۵۰ میرسد ازآنجمله چهل‌شاگرد درکلاسهای علمی‌وادبی و ۷۵»
«درکلاسهای علوم‌نظام مشغول تحصیل هستند، دوره تحصیل ابتدائی‌ومتوسطه وعالی‌دارالفنون»
«شش تاهفت سال است .. »

«چوب وفلك معمولی‌هم دراینجا راه یـافته و غالباً بکارمیرود ، بودجه مدرسه سالی»
«۸۵۰۰ لیره یاسی‌هزارتومان بدست‌مخبرالدوله وزیرمعارف ومدیرمدرسه سپرده شده‌است».
«جای بسی تأسف است که معارف جدید ایران تاهمین‌اندازه محدود ومقید مانده از»
«آن بدترآنکه ازچهل‌سال قبل تابحال همان وضع عادی دیرین را که دربدو تأسیس داشته»
« بدون‌کوچکترین پیشرفتی محفوظ داشته‌است   انتهی» .

اینطور استنباط میشودکه اقلا آنروزها مدرسه‌ای بوده درمورد برنـامه خرد استقلالی داشته وکسانی بآن مکان‌مقدس قدم میگذاردندکه میخواستند درس بخوانند .

ولی رفته رفته فرهنك ما ترجمه مختصر وناقصی ازفرهنك فرانسه شده و فکر تقلید از برنامه بیگانگان ورسوخ سیاست وعناصر نامحرم وفاسد دراین دستگاه حساس‌کاررا بجائی‌رسانده که دیگر نه‌نظم وترتیبی‌درمدارس هست ونه‌آموزش وپرورش‌باید فرهنك را ازسیاست برکنار نمود ، دبستانها دولتی وتعلیم اجباری‌باشد ولی دبیرستانها حتماً ملی‌شوند تامسئول‌جوانان‌کشور معلوم باشد ، اگرمدیر یاآموزگاری ازحدود وظائف وشئونات خود تجاوزکرد یا درکانون‌دانش بتبلیغات سیاسی واموری خارج ازبرنامه پرداخت اولیای اطفال وانجمن‌های خانه و مدرسه حق بازخواست ازمرتکب داشته باشند وبتوانند دست ردبسینه آنها بزنند . در تهران فعلا قریب ۴۵ دبیرستان و ۴۰۰ دبستان موجود است بعلاوه دانشکده‌های طب ، دادوسازی ، دامپزشکی، دندان پزشکی ،کشاورزی ، فنی ، ادبیات ، حقوق ، هنرهای زیبا ، معقول ومنقول که آنهـا تابع دانشگاه‌بوده واستقلالی‌دارند ، آیا حقیقتاً دراین دبیرستان ودبستان ودانشکده درس‌خوانده میشود ؟ آیا استادان دردادن درس تحصیلی ونمره بشاگردان آزادی عمل دارند ؟

تعجب‌آنجاست که وزرا ورؤسای دانشگاه بلندپروازی‌هم میکنند . دستگاهی کـه هنوز

بدوی‌ترین قدمهارا برنداشته وتعلیمات ابتدائی را عمومیت نداده ، درصدد تأسیس دانشگاههای متعدد برآمده وچراغی‌راکه بخانه‌رواست درمسجد افروخته وپولی‌راکه باید صرف باسوادکردن مردم‌شود درراه دایرنگاهداشتن‌دانشگاههای متعددکه نه معلم ونه وسیله تعلیم‌دارند بهدرمیدهند.

برنامه تحصیلی ما «آش شله قلمکار» است دوثلث اجتماع ما هنوز خواندن ونوشتن نمیدانند زیرا دستگاه فعلی هنوز نتوانسته درک‌کندکه ایران محتاج بعلم است وایرانی‌را باید قبل‌ازهرچیز باسواد نمود .

بانک های تهران

این بانکها دربیست وچند ساله اخیر درتهران تأسیس ومشغول فعالیت هستند :

۱ ــ بانک ملی ۲ ــ بانک تعاونی سپه ۳ ــ بانک رهنی ایران

٤ ــ بانک‌کشاورزی وپیشه وهنر ٥ ــ بانک بازرگانی ایران ٦ ــ بانک برنامه

۷ ــ بانک ساختمانی ۸ ــ بانک توسعه صادرات ۹ ــ بانک پارس

۱۰ــ بانک بیمه بازرگانی ۱۱ــ بانک تهران ۱۲ــ بانک صادرات ومعادن

۱۳ــ بانک روس وایران .

تاریخچه بانکداری در ایران

بانکداری وتأسیس بانک درایران ازسال ۱۲٦۷ جمادی‌الاول ۱۲۸۹ هـ . ق شروع میشود واین تاریخ موقعیست‌که بنگاهی بنام «بانک جدید شرقی» که یک بنگاه انگلیسی بود تصمیم‌گرفت‌که ایران وبازرگانی آنرا زیرتسلط خود قراردهد وبدون تحصیل امتیاز شعبه‌هائی درمراکز مهم بازرگانی ایران بازنمود واسکناسهای پنج قرانی زیادی صادر ومنتشر نمود ولی پس‌از دوسال‌بانک شاهنشاهی‌ایران شعبات وکل دارائی‌آنرا به ۲۰۰۰۰۰ لیره خریداری نمود.

بانک شاهنشاهی ایران ــ شالوده این‌بانک توسط بارون جوليوس دوررویتر ریخته شد. امتیازتأسیس‌این‌بانک را ناصرالدین‌شاه قاجاربرای مدت ۷۰ سال بنامبرده واگذار نمود ، لکن این امتیاز علاوه برانحصارکامل تجارت ، ساختمان راه‌آهن وواگن‌های برقی درکلیه نقاط ایران ، شوسه‌کردن جاده‌ها ، استخراج معادن وتهیه وسایل آبیاری ، اجاره‌گمرکات وغیره وغیره را بدست اومسلم ومحرز میساخت وازاین نظر باسیاست داخلی وخارجی دولت تماس و مغایرت‌کلی پیدا میکرد .

ولی بارون نامبرده موفق باجرای مواد پیمان خود نشد وبا تأدیه چهل‌هزارلیره ضمانت بانکی امتیاز او لغوگردید .

مجدداً درتاریخ ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۰٦ هجری قمری امتیازی جهة تأسیس بانک و استخراج معادن بدست آورد که مدت شصت سال آزادی حق تجارت درسرتاسرکشور تأسیس بانک وحق صدور اسکناس وغیره را بدست آورد .

بانک شاهنشاهی ایران درماه اوت ۱۸۸۹ باسرمایه یک میلیون لیره (صدهزار سهم ده لیره) مرکزخودرا درلندن تشکیل داد واین بانک پول واقتصاد ودارائی وکلیه امور بازرگانی کشور را سالهای متمادی دردست داشت تااینکه درسال ۱۳۰۹ دولت ایران مبلغ دویست‌هزار لیره برای جبران‌الغای حق صدوراسکناس را بآن‌بانک پرداخت وصدوراسکناس ببانک‌ملی‌ایران اختصاص یافت ودرسال ۱۳۲۸ اساس بانک شاهنشاهی بکلی برچیده شد .

بانک روس و ایران

درسال ۱۲۶۸ شمسی روسها دربرابر انگلیس‌ها برای سازمان بانکی درایران امتیازی ازدولت گرفتند وبنگاهی بنام بانک استقراضی ایران درکشور تشکیل دادند.

این بانک شعبه‌ای ازبانک‌دولتی روسیه وتابع وزارت دارائی آن‌کشور بود ومانند بانک انگلیس دراغلب شهرستانها شعباتی دایرنمود.

چون منظور ازتأسیس این بانک توسعه نفوذ دربرابر انگلیسها بود لـذا باتجار رویه عادلانه‌ای را پیش‌گرفت ومحبوبیتی پیداکرد. پس‌ازانقلاب اکتبر اساس این‌بانک درهم ریخت وبانک روس ازبقایای همان بانک است.

بانک تعاونی سپه درسال ۱۳۰۴ در محـل محقری بـاسرمایه ۳،۸۸۳،۹۵۰ ریال (موجودی بازنشستگی افسران ودرجه‌داران وافراد ارتش) تأسیس یافت وحقوق بـازنشستگی ومستمری افسران ودرجه‌داران وافراد نظامی وورات آنهارا مرتباً میپردازد تااینکه این‌تعداد اخیراً (شهریور ۱۳۳۲) به ۷۲۹۸ نفررسیده‌است.

دراین مدت این بانک قریب سی‌وهشت میلیون‌ریال بدولت مالیات داده ویکصدوشانزده میلیون ریال سود خالص داشته وبیشتراز بیست میلیون‌ریال صرف ساختمان اداری مرکزی نمود. و درشهرستانها ۱۷ شعبه دایر نموده‌است.

بانک ملی

بانک ملی ایران ــ فکرتأسیس این بانک درابتدای مشروطیت پیدا شد ولی‌دستهائی مانع انجام آن شد تااینکه در۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ درزمان اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر قـانون تأسیس بانک ملی بتصویب مجلس شورایملی رسید وسرمایه اولیه‌آن بیست میلیون ریالی بود که دولت دراختیار بانک گذارد.

درهفدهم شهریور این بانک رسماً افتتاح شد وفعلا ۱۵٤ شعبه دارد وترقی این بـانک بجائی رسیده‌است‌که چندین برابر سرمایه اولیه خود ساختمان نموده وچندین برابرآن بدولت وشهرداری وبنگاه لوله‌کشی وغیره وام داده‌است وبیشترازسیصد میلیارد ریال سودخالص‌آنست این ترازنامه نشان میدهدکه بانک استقراضی روس وبانک شاهنشاهی‌انگلیس چه ثروتی ازاین کشور بدست آوردند.

یکی ازتأسیسات بانک ملی بنگاه صندوق پس‌انداز است‌که اخیراً هشتصدوپنجاه میلیون ریـال موجودی داشت. در آخر سال‌مالی ۱۳۳۱ سرمایه بانک ملی به دومیلیارد ریـال افزایش یافت.

مطالبات بانک

بستانکاری ازبنگاهها وشرکت‌های دولتی وبانکها و شهرداریها درحدود یکصدوپنجـاه میلیون‌تومان(۱۵۰۲،۳٦٤۳،۲۹٤،٦٤۳،۱۰٤۳ ریال) ازاین مبلغ۱۰۱۱٦٥ میلیون ریال بشرکت ملی‌نفت و۲۰۱۱ میلیون ریال بسازمان‌لوله‌کشی تهران داده‌است.

سود ویژه بانک درسال ۱۳۳۱ مبلغ ۲۹۵،۱۷۷،۹۰۹،۲٦٥ ریال بوده‌است‌که پس‌از وضع هزینه کل واستهلاکات بدست آمده.

بانك كشاورزی

بموجب قانون شهریور ۱۳۰۹ وزارت دارائی مجاز گردید سالیانه مبلغی که از پانصدهزار تومان کمتر نباشد برای تشکیل سرمایه بانك فلاحتی ببانك ملی ایران تأدیه نماید ودرتاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۱۲ قانون تأسیس بانك فلاحتی وصنعتی بتصویب مجلس شورایملی رسید واین بانك بصورت شرکت سهامی باسرمایه ۲۰ میلیون ریال درروز ۲۵ تیرماه ۱۳۱۲ افتتاح یافت ، درچهل شهرستان شعبه ودر سی بخش یاشهرستان کوچك نمایندگی تأسیس نموده‌است .

کارمهم این بانك عبارتست ازدادن وامهای کشاورزی بشرکتها و برزگران واجاره داران .

وضع قضائی تهران

دادگاههای استان ۱ و ۲ مشتمل بر ۱٦ شعبه دادگاه استان که ٤ شعبه آن بامور جنائی رسیدگی خواهد نمود و ۱۳ دادگاه شهرستان بشرح زیر :

۱ — دادگاه بخش ۱٦۹ شعبه آن درتهران ویك شعبه درکرج ویك شعبه درورامین است.

۲ — رشت ...

۳ — لاهیجان ...

٤ — قزوین ...

دیوان کشور که مافوق کلیه دادگاه هـا وشامل ۹ شعبه ومحل آن درتهرانست علاوه بر سازمان عمومی فوق دادگاههای زیر بنوبه خود انجام وظیفه مینمایند .

الف) دادگاه عالی انتظامی مخصوص رسیدگی بتخلفات و اخلاق و اعمال ورفتار منافی باحیثیت وشئون قضائی وسوء شهرت مسامحه درانجام وظیفه همچنین ترفیع کارمندان قضائی در پایتخت تشکیل میشود. این دادگاه یك رئیس وچهارعضو عالیرتبه دارد .

ب) دادگاه شرع .

ج) دادگاه بخش شهرداری .

د) دادگاه کیفر گرانفروشان .

ه) دادگاههای اختصاصی نظامی ارتش .

ازشهریور ۱۳۲۰ باینطرف کمتر روزی اتفاق افتاده که درتهران حکومت نظامی برقرار نباشد بنابراین بیشتر پرونده‌های جنائی بدادگاه‌های نظامی تابع فرمانداری نظامی رجوع شده‌است.

امور ورزش و باشگاهها

برای بکارانداختن نیروی جوانان همچنین رشد وتقویت نیروی جسمانی مردم ایران در فروردین ۱۳۱۳ انجمن ملی تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران تحت ریاست عـالیه اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی درتهران تشکیل گردید .

رؤسای فدراسیون‌ها (اسکی ، فوتبال ، وزنه برداری وغیره) کلیه دستورات خودرا ازاین انجمن دریافت میدارند .

وجود این انجمن درپیشرفت امورورزشی ایران مخصوصاً اثر بسیار نیکوئی داشته بطوریکه

درمسابقات بین‌المللی جوانان ما موجبات سربلندی وافتخار ایران را فراهم آوردند و دراین مدت درتهران باشگاههای زیر تشکیل شده‌است :

باشگاه : ۱ — آرارات خیابان شاهپور ۲ — آهنین خیابان شاه
۳ — بانك ملی ۴ — ببر خیابان عطار
۵ — بوستان ورزش امجدیه خیابان روزولت ۶ — پینك پونك کلوب زیبا خیابان شاهرضا
۷ — پولاد گذر وزیردفتر ۸ — تاج خیابان ایرانشهر
۹ — تهران میدان شاهپور ۱۰ — دارائی میدان بهارستان
۱۱ — دخانیات اداره دخانیات ۱۲ — راه‌آهن بنگاه راه‌آهن
۱۳ — ژاندارمری خیابان مختاری ۱۴ — شاهین امجدیه
۱۵ — شماع خیابان چرچیل ۱۶ — لشگرگارد جاده شمیران
۱۷ — باشگاه‌گارد سلطنتی جمشیدیه ۱۸ — نیکنام حشمت‌الدوله
۱۹ — نیرو وراستی شاه‌آباد

استخرها عبارتست از :

۱ — استخراشتراوس‌پارك چاله‌هرز ۲ — استخر امجدیه ۳ — بوت‌کلوب خیابان‌پهلوی
۴ — بوستان ورزش امجدیه ۵ — استخرخرم نیاوران ۶ — رامسر خیابان شاهرضا
۷ — استخرراه‌آهن درهمان بنگاه ۸ — استخر شهرری ۹ — استخر منظریه
۱۰ — استخر ورزنده خیابان شاهرضا .

اماکن عمومی پایتخت

شهر تهـران دارای پنج هتل (هتل پارك ، هتل پلاس ، هتل رکس ، هتل ریتز وهتل فردوسی) و۲٦ میهمانخانه ازجمله (بلوار، جهان ، دربند ، ری ، گیلان ، گیلان نو، لیستر‌پلاس و نادری میباشد) وپنج پانسیون (آلابن بلنبر، بانوتنتونی پالیسوس ، خـاورمیانه ، فیلادلفیا و مای‌تسین) همچنین یکصدوسی‌وهشت مسافرخانه وسیصدوهفده کافه رستوران است .

۱ — یك ناهارکامل‌که عبارت از اردور، سالاد فصل ، سوپ ، دوخوراك یکی خوراك فصل ازقبیل دلمه وسبزیجات فصل واملت ، یکی خوراك‌گوشت (یا ماهی یا پرنده) دسر وقهوه وچای مجموعاً درمهمانخانه وکافه رستوران درجه ۱ چهل ریال درجه ۲ سی وچهارریال درجه ۳ ۳۰ ریال میشود .

۲ — شام کامل‌که عبارت از اردور ، سالاد فصل ، سوپ ، دوخوراك (یکی‌گوشت یکی ماهی یا پرنده) دسر، قهوه یا چای مجموعاً درمهمانخانه وکافه رستوران درجه یك ۵۰ ریال درجه دو ۴۰ ریال درجه سه ۳۵ ریال .

۳ — صبحانه کامل : نان ،کره ، پنیر، دوعدد تخم مرغ ومربا یاعسل ، شیر وچای یاشیر

وقهوه ، یاشیر وکاکائو مجموعاً درمهمانخانه وکافه‌رستوران درجه۱ بیست‌ریال درجه۲ هفده ریال درجه۳ پانزده ریال‌میشود .

کرایه تختخواب واطاق در مهمانخانه های درجه ۱

۱ – کرایه اطاق بایك تختخواب ۶۰ ریال .
۲ – کرایه اطاق بادو تختخواب ۹۰ ریال .
۳ – کرایه تختخواب دراطاق بیش‌از دونفر هرنفری ۳۰ ریال .
۴ – کرایه اطاق بایك تختخواب وحمام خصوصی ۱۰۰ ریال .
۵ – کرایه اطاق بادو تختخواب وحمام خصوصی ۱۲۰ ریال .
۶ – استفاده ازحمام مهمانخانه برای هردفعه ۲۰ ریال

کرایه تختخواب و اطاق درمهمانخانه های درجه ۲ و ۳

	درجه ۲	درجه ۳	
۷ – کرایه اطاق بایك تختخواب	۴۰ ریال	۳۶ ریال	کرایه تختخواب دراطاق بیش‌از
۸ – « « « بادو «	۵۰ «	۴۵ «	دونفر هرنفری ۱۵ ریال

تماشاخانه و سینما

درتهران ۹ تماشاخـانه (ایران ، جامعه بارید ، دهقان ، سعدی ، شاهین ، شهرزاد ، فردوسی ، فرهنگ وگیتی) و ۱۱ سینما درجه یك (ایران ، برلیان ، پارك ، تهران ، دیانا ، رکس ، ری ،کریستال ، مایاك ، متروپل وسینما هما) ۱۷ سینما درجه۲ (البرز، امیریه، پارس، تمدن ، خورشید ، خیام ، دماوند ، زیبا ، فری ،کشور ، ملی ، می‌امی ، میترا ، میهن ، نور و سینما هولیود) دایر میباشد .

درتهران ۲۳ میدان (امین‌السلطان ، ایستگاه راه‌آهن، ۲۴ اسفند ، بهارستان ، پاستور، خراسان ، ژاله ، سرچشمه ، سپه ، سیروس ، شاه ، شاهپور، شوش ، فردوسی ، شهناز، قزوین، کاخ ، گمرك ، مازندران ، مخبرالدوله ومیدان محمدیه) احداث‌شده .

محوطه سنگلج سابق‌که درزمان پهلوی فقید بزمین مسطح تبدیل شده بود بصورت زیبا ومصفائی درخت‌کاری وگلکاری شده وبگردشهای عمومی اختصاص داده شده‌است .

درتهران ۱۰۲ مسجد بناشده‌که مهمترین آنها مسجد سپهسالار ، مسجد شاه ، مسجد جامع ، مسجد مجد ، مسجد ارك ومسجد حاج سید عزیزاله میباشد .

وسائط نقلیه شهر تهران

تاچندی پیش اتوبوسرانی خط هـای مختلفه تهران به ۳۴ خط تقسیم شده بود . وضع اتوبوسرانی تهران فوق‌العاده نامنظم و بهیچوجه متناسب بایك پایتخت را ندارد . قانونی در اواخرسال ۱۳۳۱ ازمجلس شورای ملی‌گذشت‌که اتوبوسرانی شهرتهران بشرکتی واگذارشود که نصف سهام آنرا شهرداری داشته‌باشد ولی‌این‌موضوع که بی‌مطالعه‌و بعجله ازمجلس گذشته بود

بموقع اجرا گذارده نشد فعلا خطوط اتوبوسرانی تهران را به ۱۸ خط شمالی وجنوبی وخاوری وباختری تقسیم نموده‌اند تا بعداً خطوط فرعی برآن افزوده شود .

تعداد وسائط نقلیه پایتخت :

۱ – اتوبوس شهری ۱۲۳۴ اتوبوس بیابانی ۱۱٦٤ اتوبوس شخصی ۱٦
۲ – سواری شخصی ۹۳۳۲ سواری کرایه ٦۸٦ تاکسی ۲۲۷٦
۳ – باری شخصی ۳٥۳ باری شهری ۹۳۲ باری بیابانی ٤۳۳٥
٤ – اتومبیلهای سیاسی ۲۰۹ سواری دولتی ۹۲۷ بارکش دولتی ٥۱٦
٥ – موتورسیکلت ۹۲۳ آمبولانس « ۳٦ اتوبوس « ٥۱٦
آمبولانس شخصی ۱٦

وسایط نقلیه ارتش، ژاندارمری وشهربانی دراینصورت منظور نشده. نرخ سواری اتوبوس ازمبدأ تامقصد سابقاً (اتوبانك اتوبوسهائی بود متعلق ببانك سپه که درتهران مبتکر اتوبوسرانی بود واتو دانمارك که یك شرکت دانمارکی اتوبوسهای شیك وراحتی وارد کرده ولی ورشکست شد) ۸ شاهی بود وفعلا داخله شهر یکریال حضرت عبدالعظیم ۲ ریال شمیران ۵۰ر۳ کرج ٥ ریال میباشد. نرخ تاکسی ۱۰ ریال ۲ نفر ۱۰ ریال وسه نفر ۱٥ ریال ولی بزودی تغییرات اساسی درمورد اتوبوسرانی تهران داده خواهد شد اتوبوسهای مدرن «مرسدس ازآلمان وارد میشود تعداد آنها درحدود هشتصد دستگاه برای وهله اول درنظر گرفته شده وماشین هرخطی رنك مخصوصی خواهد داشت .

بخش نهم = شهرستانهای تابع استان

اطلاعات تاریخی وجغرافیائی تهران بتفصیل گفته شد ولی چون تهران امروزه به استان تبدیل گردیده وشهرستانهای **ساوه** ، **قزوین** ، **دماوند** ، **قم** و **محلات** تابع آنست تشریح هریك ازپنج شهرستان دیگر بطورخلاصه لازم بنظر رسید .

۱ – **ساوه** – این شهرستان ازشمال محدوداست بخساك **تهران** و**قزوین** از باختر به **همدان** از جنوب به **اراك** وازخاور به **قم** .

خاك ساوه را ۸۱ دهستان و۳۹٦ ده تشکیل میدهد ازنظر زراعت غله‌خیز بوده، خربزه وانار آن مشهوراست .

مرکز این شهرستان **ساوه** درزاویه شمال باختری آن واقع شده ، پهنای آن ٤۵ و درازای آن ۵۰ کیلومتراست . ازخاور متصل بباطلاقهای شوره زار میشود ، شعب سه‌گـانه زرینه رودکه رشته شمالی‌آن ازکوههای خرقان ورشته باختری آن ازکوهسای الوند ورشته جنوبی آن‌که معروف بدوآب است و ازکوههای جاپلق سرچشمه میگیرد شهررا مشروب میکند. فاصله آن ازتهران ۱۳۰ کیلومتر جمعیت آن ۱۲۹۰۵ نفر. درسال ٦۱۷ هجری شمسی‌این‌شهر توسط سپاهیان مغول غارت شد. کتابخانه معروف آنرا که بزرگترین کتابخانه‌های دنیا بود آتش زدند .

علاوه برمسجدی‌که درداخل شهراست مسجد دیگری بنام مسجد جامع درخارج است‌که ازبناهای‌کهن است .

دهستانهای ساوه

۱ – **دهستان بیات** از۲۹ قریه تشکیل شده کـه ۱۸ قریه آن درجلگه بقیه در کوهستان واقع ، هوای آن معتدل مایل بسردی است . بـرای زراعت ازآب چشمه ، قنات و رودخانه استفاده مینمایند . درجنوب قریه ستق دروسط یك‌تپه چاه عجیبی معروف به باباکرکر واقعست . یك دبستان و۱۱ مکتب‌خانه دارد .

۲ – **دهستان جعفرآباد** – دارای ۳۱ قریه همگی درجلگه واقع هوای‌آن معتدل مـایل بگرمی است ، برای زراعت ازآب قنات و فـاضل‌آب رودخانه سفرقان استفاده میشود زراعت آن غله ، پنبه وسردرختی‌آن انار فراوانست .

۳ – **دهستان حومه شهر** – دارای ۸۰ قریه است‌که ٤ قریه‌آن درکوهستان وبقیه درجلگه واقعست ، هوای آن‌کمی‌گرم وبـرای زراعت ازآب رودخانه سفرقان و مزدقانچای ، قنات وچشمه استفاده میشود .

محصول آن غلات ، پنبه واشجارآن انار وانجیر وانگور است ٤ دبستان ویك مکتبخانه دارد ، شاه عباس در زرینه رود سدی بسته که آثار آن وبناهای تـاریخی دیگر دلیل قدمت تاریخی آنست .

۴ـ دهستان خرقان ـ که دارای ۹۵ قریه کوهستانی وهوای آن سرد وازآب رودخانه وچشمه وقنات مشروب میشود . محصول آن غلات ، حبوبات وسیب زمینی میباشد . یك دبستان و ۱۴ مکتب‌خانه دارد .
دره پیغمبر که مقبره اشموئیل درآن واقعست وآثار تاریخی دیگری دردهات آن دیده میشود.

۵ ـ دهستان رزق چای ـ از ۹ قریه که همگی درجلگه‌اند تشکیل شده هوای آن معتدل وازآب رودخانه ، قنات وچشمه سارها برای زراعت استفاده مینمایند . محصول آن غلات، حبوبات ، سیب زمینی وپنبه است . ۶ مکتب خانه دارد .

۶ـ دهستان زرند ـ ۹۳ قریه است که ۴۷ آبادی آن درجلگه بقیه درکوهستان واقعست ، هوای آن معتدل وبرای زراعت ازآب قنات وچشمه استفاده مینمایند . محصول عمده آن غلات، پنبه وچغندراست. خربزه آن معروف است . دراین دهستان ۴ دبستان و ۶ مکتب‌خانه دایر است .

۷ ـ دهستان کوهپایه ـ که از ۲۹ قریه کوهستانی تشکیل شده هوای آن سرد برای زراعت ازآب قنات و چشمه سارها استفاده مینمایند . محصول عمده آن غله . حبوبات و سیب زمینی است . دراین دهستان ۳ دبستان و ۴ مکتب‌خانه دایراست .

۸ ـ دهستان مزدقانچای ـ دارای ۶۶ قریه که ۵۵ قریه آن درجلگه بقیه در کوهستان واقعست ، هوای آن معتدل ، ازآب رودخانه ، قنات و چشمه سارها استفاده مینمایند محصول عمده آن : غلات ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر وپنبه است ۳ دبستان و ۲۹ مکتب‌خانه دارد آثارقدیمی آن مقبره امامزاده نوح ومناره چهل دختراست .

دماوند

این شهرستان ازشمال محدوداست بخاك مازندران ازجنوب بورامین ازباختر بتهران و مازندران ازخاور به سمنان ارتفاع آن ۲،۳۰۰ متر وبوسیله دورودخانه ازخاور وشمال باختریست که بعد رودخانه دماوند نامیده میشود مشروب میشود .

دماوند ازشهرهای قدیمی ونام کهن آن **پشیان** بوده است . باغهای متعدد وانواع میوه دارد سیب دماوند شهرت کامل دارد . تاکنون چندین مرتبه دراثرزلزله خراب شده . مهمانخانه و ابنیه عالی درسالهای اخیر بناشده . چون هوای آن ییلاقیست تابستان عده زیادی از اهالی تهران بآنجا میروند .

بخشهای آن عبارتست از : ۱ ـ حومه مرکزی دماوند ، شامل دهستانهای : تارود ـ جمع‌آب رود ـ سیاهرود .

۲ ـ فیروزکوه ، شامل : حومه ، قزقانچای ، افتر و پشت‌کوه وحبله رود .

۳ ـ گرمسار ، شامل : قشلاق بزرك، ریکان، یاطری وارادان .

۴ ـ ایوانکی .

جمعیت شهردماوند درحدود یازده هزارنفر .

قله دماوند مرتفع ترین قلل البرز ودر ۲۵ کیلومتری دماوند و ۷۵ کیلومتری تهران واقع

مخروطی‌شکل بوده و از هرطرف دره‌های عمیق دارد . ارتفاع آن ۵۶۷۱ متراست . نزدیک بقله محلی‌است بنام دودکوه که همیشه دود رقیقی از آن متصاعد است .

دهستانهای معروف دماوند

۱ ـ **دهستان ابرشیوه** ـ از ۱۵ قریه کوهستانی تشکیل‌شده ، هوای آن سرد است برای زراعت از آب جاجرود و چشمه‌سارهـا استفاده مینمایند ، محصول آن غلات ، حبوبات ، سیب زمینی‌ومیوه سردرختی . مراتع برای‌گله داری موجود ۳دبستان و ۵ مکتبخانه دارد . درقریه عین ورزان آبشارهای متعدد موجود است .

۲ ـ **دهستان جنوب خاوری** ـ دارای شش قریه‌کوهستانی که هوای آن سرد محصول عمده آن : غلات ، حبوبات ، سیب زمینی واشجارمیوه ، تربیت طیورخانگی وحیوانات اهلی معمول است . ۱ دبستان و ۱ مکتبخانه دارد .

۳ ـ **دهستان جمع‌ابردو** ـ از ۱۴ قریه کوهستانی تشکیل‌شده ، هوای آن سرد ، محصول‌عمده : غلات ، حبوبات ، سیب زمینی واشجارمیوه ـ ۳دبستان دارد ازآب قنات وچشمه استفاده مینمایند .

۴ ـ **دهستان بارود** ـ دارای ۱۶ قریه‌کوهستانیست، هوای‌آن‌سرد، محصول‌عمده آن غلات ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر واشجارمیوه ، ازآب رودخانه وقنات وچشمه‌استفاده مینمایند ، تربیت حیوانات اهلی وطیورخانگی معمول است . کارخانه مهم شیمیائی واسلحه‌سازی ارتش درقریه پارچین واقعست، بقاع متبرکه مقبره ابوسعید است .

۵ ـ **دهستان سیاهرود** ـ از ۶ قریه تشکیل شده ، هوای‌آن سرد، محصول عمده آن : غلات ، حبوبات ، سیب زمینی وانواع اشجارمیوه ، ازآب رود وچشمه استفاده مینمایند تربیت حیوانات اهلی وطیور معمول است . چشمه‌های‌آب معدنی قریه آه معروفست .

۶ ـ **دهستان شمالی** ـ از ۸ قریه‌کوهستانی تشکیل‌شده ، هوای آن سرد محصول‌عمده آن : غلات ، حبوبات ، اشجارمیوه ، ازآب چشمه اعلمی وچشمه‌های دیگر استفاده مینمایند ، تربیت حیوانات اهلی و طیورخانگی معمول است .

ادارات دولتی‌آن عبارتست از: فرمانداری ، پست وتلگراف ، بهداری ، ژاندارمری .

اماکن متبرکه دماوند : امامزاده‌عبدالله ، امامزاده شمس‌الدین محمد ومسجد جمعه‌است .

شهرستان قم

قم ازشمال بتهران ازجنوب بکاشان ومحلات ازباختر به ساوه واراک وازخاور به کویر محدود است .

شهرستان قم ازشهرهای قدیمی ودرباختر دریاچه حوض‌سلطان واقعست. بعلت واقع‌شدن سرراه : تهران ، کاشان ، اراک ، اصفهان وعبور راه‌آهن سرتاسری ایران که باهواز وکاشان میرود دارای موقعیت مهم میباشد بخصوص ازنظرمذهبی‌که مرقد مطهرحضرت معصومه دختر امام موسی‌کاظم (ع) دروسط شهرواقعست ودارای صحن وسیع وگنبد وایوان طلا میباشد . بعضی‌از

سلاطین صفوی وقاجاریه درقم مدفونند . امامزاده‌های دیگری درقم نیزمدفونند .

درمعجم‌البلدان و نزهة‌القلوب ازآب شهر وهوای آن همچنین انار وانجیر وخربزه آن تعریف شده . ساختمان آنرا بطهورث نسبت میدهند . کوزه گری، شیشه گری ، صابون وسوهان قم وحلوا ارده قم شهرت دارد . جمعیت ثابت آن درحدود (۶۰۰۰۰) نفراست .

بخشهای تابعه قم

۱ـ **بخش مرکزی** ، شامل دهستانهای : (قم رود ، قنوات ، اراضی نیزار) .

۲ـ **دستجرد** ، شامل دهستانهای : (طغرود ، راهجرد ، مرداب) .

۳ـ **کهك** ، شامل دهستان قهستان .

دهستانهای مهم :

۱ ـ اردهان ـ درجنوب جاسب ،کوهستانی ، باختر کاشان ، هوای آن سرد محصول آن : غله ، حبوبات ، سیب زمینی ، نگاهداری گاو وگوسفند بین اهالی معمول است مرکز آن مشهد اردهان بقعه شاه سلطانعلی درآن واقع است .

۲ ـ دهستان پشت گدار ـ دارای ۸ قریه کوهستانی، هوای آن سرد ، محصول آن غله ، حبوبات ، تربیت حیوانات اهلی وطیورخانگی معمول است .

معدن سنك مرمر وآثاری ازدوره جمشید دراین دهستان موجوداست .

۳ ـ دهستان خلجستان ـ درجنوب باختری قم ناحیه‌ایست کوهستانی و پرآب از ۷۹ قریه تشکیل شده که ۲۳ قریه آن کوهستانی است هوای آنهاسرد وبقیه معتدل است محصول آن غله ، حبوبات وچغندر ، ازآب قنات وچشمه استفاده مینمایند .

بواسطه مراتع زیاد مسکن ایلات خلج میباشد ۹ دبستان و ۸ مکتب‌خانه دارد .

۴ـ دهستان طغرود ـ این دهستان ۲۳ قریه داردکه ۲ قریه آن کوهستانیست، هوای آن گرم محصول آن غلات ، حبوبات ، چغندر وپنبه است، نگاهداری دامهای اهلی معمول‌است ازآب رودخانه‌های قم وساوه وچشمه وقنات استفاده مینمایند ، ٤ مکتب‌خانه دارد.

۵ـ دهستان قنوات ـ ۲۵ قریه داردکه همگی دردشت واقعند ، هوای آن کمی گرم محصول آن غلات ، حبوبات ، پنبه ، خربزه وچغندراست ، ازآب رودخانه قم و قنات استفاده مینمایند ، ٤ مکتب‌خانه دارد ، نگاهداری دام نیزمعمول است .

۶ـ دهستان قهستان ـ این دهستان که تنها دهستان بخش کهك است ۲۱ قریه دارد که ۷ قریه آن درکوهستان وهوای آن سرد وهوای قراء جلگه معتدل‌است محصول آن : غلات، حبوبات ، پنبه ، چغندر وتربیت دامهای اهلی معمول است ازآب قنات استفاده مینمایند ، بقاع متبرکه آن: مقبره شاه‌اسمعیل وشاهزاده‌نورعلی وقریب بیست مسجدکه تاریخ بنای بعضی‌ازآنها چهارصد سال پیش است .

۷ ـ دهستان نیزار ـ دارای ۱۱ قریه است که همگی درکوهستان واقع ، هوای آن

معتدل است ، محصول آن : غلات، حبوبات، پنبه وصیفی کاریست، ازآب رودخانه وقنات استفاده مینمایند ، آثارتاریخی آن قلعه آقاخان محلاتیست یك دبستان ویك مکتب خانه دارد .
ییلاقات قم عبارتست از: وشنوه ٤٢ کیلومتری جنوب باختری ، دستجرد خلجستان ٦٠ کیلومتری جنوب قم وقهستان ٣٧ کیلومتری جنوب باختری .

شهرستان محلات

شهرستان محلات ازشمال محدوداست به قم واراك ازخاور بکاشان ازباختر بکمره از جنوب به گلپایگان وشامل سه بخش است :

١ ــ حومه مرکزی شامل دهستانهای : (حومه ــ پشت گداز)
٢ ــ خمین « « : (رستاق ، کله زن ، دالائی وخمرلو)
٣ ــ دلیجان « « : (حومه ــ نراق ، جاسب)

از ٥٣ قریه تشکیل میشود مرکزآن شهرستان محلات وازتاریخ پنجم آذر ١٣٢٥ شهرستان شناخته شد ، جمعیت شهر درحدود ١٠ هزارنفر .

دراطراف محلات چشمه های آب گرم معروفی است . دراین شهر یك دبیرستان و٣ دبستان دایراست . محصول آن : غلات، حبوبات ، صیفی کاری، پنبه وتریاك است که تریاك آن مرغوب میباشد ، اشجارمیوه فراوان دارد ، تربیت دامهای اهلی وطیورخانگی معمول است .
دردهات محلات ٦ دبستان دولتی و٣ مکتب خانه دایراست .

اینك اسامی دهستانهای مهم

١ ــ دهستانهای تابع دلیجان ــ از ٢١ قریه کوهستانی تشکیل شده ، هوای آن معتدل . برای زراعت ازآب رودخانه **آناربار** وقنات استفاده میشود . مرکزاین بخش قصبه دلیجانست که سرراه تهران ــ اصفهان واقع شده ودارای ٤٨٢٤ نفر نفوس است دراین قصبه یك مسجد ازآثارکهن برجاست .

٢ ــ دهستان جاسب ــ درشمال خاوری محلات ، دارای ٧ قریه کوهستانی، هوای آن سرد وبرای زراعت ازآب قنات استفاده میشود .
ازابنیه قدیمه دراین دهستان ١٣ مسجد موجوداست که تاریخ بنای آن ٢٠٠ تا ٤٠٠ سال پیش است .

٣ ــ دهستان نراق ــ دارای ٧ قریه است که همگی درجلگه واقع وهوای آن معتدل وبرای زراعت ازآب رودخانه قم وقنات استفاده مینمایند . محصول آن: غلات ، حبوبات، پنبه، چغندر وصیفی کاریست. مرکزدهستان قصبه نراق است که ٣٥٥٦ نفرجمعیت دارد . دراین دهستان ٢ دبستان و٢ مکتب خانه دارد .

قزوین

شهرستان قزوین ازشمال به گیلان ازخاور بتهران ازجنوب به همدان وساوه ازباختر به زنجان محدود است . خاك قزوین را ١٤ دهستان و ٨٣٣ قریه تشکیل میدهند . ارتفاع آن ١٣٢٠ متر جمعیت آن درحدود ٦٥ هزارنفر .

آثار تاریخی آن : مسجد جامع ، مقبره شاهزاده حسین، مقبره حمدالله مستوفی ، ساختمان عالی قاپو، عمارت چهل‌ستون ، مسجد حیدریه است .

دهستانهای قزوین

۱ ـ دهستان اقبال ـ سرراه قزوین ـ زنجان ـ ۲۷ قریه دارد که همگی درجلگه واقع شده‌اند، هوای آن معتدل ـ محصول عمده آن غلات، حبوبات ازآب چشمه وقنات استفاده مینمایند.

۲ ـ دهستان الموت ـ ٦۲ قریه داردکه ۳٤ قریه آن درکوهستان وبقیه درجلگه وکنار رودخانه شاهرود واقع شده‌اند . هوای آن درقسمت کوهستانی سرد وبقیه معتدل میباشند برای زراعت ازآب‌رودخانه وچشمه استفاده مینمایند، محصول عمده آن غلات ، حبوبات ، چغندر وبرنج است ، آثارتاریخی آن : **قلعه نویذر ـ** قلعه آیلان ـ قلعه تاریخی شهرت الموت ـ این دهستان ۳ دبستان و ٤ مکتب‌خانه دارد .

۳ ـ دهستان افشاریه ـ دارای ٦٥ قریه‌است ۲۰ قریه آن درکوهستان بقیه درجلگه واقع‌شده هوای آن معتدل‌مایل بسردی است . محصول‌عمده آن غلات، حبوبات ، پنبه وچغندراست. ازآب رودخانه **خررود** وقنات وچشمه استفاده مینمایند اماکن متبرکه آن امامزاده ابراهیم در **طرزك** امامزاده پیغمبر درشن‌تق‌علیا ، امامزاده علی‌اکبر وحلیمه‌خاتون درجعفرآباد .

۴ ـ دهستان بشاریات ـ از ٥٤ قریه تشکیل شده که ٤۳ آبادی درجلگه بقیه در کوهستان واقع شده ، محصول آن حبوبات ، غله، کرچك وانواع میوه است ، ازآب رودخانه وقنات استفاده مینمایند ٤ دبستان و ٦ مکتب‌خانه دارد . دوامامزاده درقریه قباد وقریه قشلاق ویك کاروانسرای شاه عباسی درده محمدآباد خره است .

ه ـ دهستان خرقان ـ از ۱۳۱ قریه کوهستانی تشکیل شده هوای آن سرد محصول عمده آن غلات ، حبوبات، چغندر. ازآب‌رودخانه وقنات وچشمه استفاده مینمایند ـ درعباس‌آباد غار عجیب وغریبی میباشد ٤ دبستان ۱۲ مکتب خانه دارد .

٦ ـ دهستان دودانگه ـ ۳۳ قریه استکه ۲۹ قریه آن کوهستانیست، آب وهوای آن سرداست محصولات عمده آن غلات، حبوبات، پنبه، چغندر، کرچك وانگوراست ۳ دبستان و ۱۸ مکتب‌خانه دارد .

۷ ـ دهستان دشت آبی ـ درجنوب‌قزوین و٦۱ قریه‌داردکه‌در لگه واقعند. محصول عمده‌آن : غلات، حبوبات، پنبه وانگور، ازآب‌خررود وقنات استفاده مینمایند ۲ ۳مکتبخانه دارد.

۸ ـ دهستان رامند ـ ۱۲ قریه داردکه درجلگه واقعند، آب وهوای‌آن معتدل ، محصول عمده‌آن : غلات ، حبوبات ، پنبه وکرچك است ، ازآب خررود وقنات مشروب میشود ۱۸ مکتب‌خانه و۲ دبستان دارد .

۹ ـ دهستان رودبار ـ ۱۰۹ قریه داردکه بیشترآن درکوهستانست ، هوان آن معتدل ، محصول‌عمده‌آن غلات، حبوبات ، پنبه ، برنج ومیوه‌های سردرختی، یك معدن زغال‌سنك ۳ دبستان و ۷ مکتب‌خانه دارد .

۱۰ ـ دهستان زهرا ـ ۲۸ قریه دارد که درجلگه واقعند، هوای آن معتدل، ازقنات مشروب میشوند محصول عمده آن : غلات، حبوبات، پنبه، چغندر ۲ کاروانسرای شاه عباسی ۲ دبستان ۸ مکتب خانه دارد .

۱۱ ـ دهستان طارم سفلی ـ ۴۷ قریه دارد که بیشتر آنها درکوهستانند آب هوای آن سرد ومعتدل محصول عمده آن غلات ، حبوبات، پنبه وبرنج است، ازآب سفیدرود استفاده میکنند یك معدن زاج سفید دارد .

۱۲ ـ دهستان فشکل دره ـ ۱۲ قریه کوهستانی دارد، هوای آن سرد، ازآب قنات استفاده میکنند محصول آن : غلات، حبوبات وانگور، گله داری معمول و ۷ مکتب خانه دارد .

۱۳ ـ دهستان قافزان ـ دارای ۱۴۸ قریه است که ۱۰۸ قریه آن درکوهستانست ، هوای آن سرد ومعتدل است . محصول عمده آن غلات ، حبوبات ، صیفی کاری ، سردرختی ـ چشمه آب گرم آن معروفست .

۱۴ ـ دهستان کوهپایه ـ ۴۶ قریه است که ۳۲ ده آن درکوهستان ، هوای آن سرد ومعتدل است محصول آن : غلات، حبوبات ، پنبه، چغندر، تربیت اغنام واحشام معمول است بقاع متبرکه آن شاه سبزپوش ، امامزاده علی ، امامزاده سالار ۱۶ مکتب خانه دارد ، ازآب رودخانه وقنات استفاده مینمایند .

تعداد خانوار و جمعیت سر شماری شده شهر تهران

در شهریور ۱۳۲۹
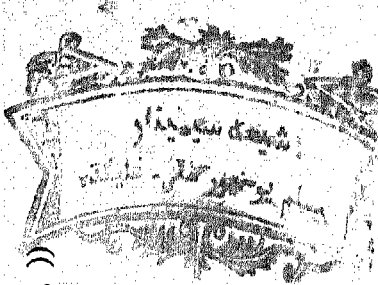
عده خانوار	جمعیت		
	مرد	زن	جمع
۲۲۴۹۶۵	۵۱۹۶۳۱	۴۷۰۲۴۰	۹۸۹۸۷۱

«آمار با سواد و بیسواد شهر تهران در اسفند ۱۳۱۸»

با سواد			بی سواد			جمع کل		
مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
۱۳۷۴۳۰	۶۸۱۵۶	۲۰۵۵۸۶	۱۷۴۶۰۸	۱۵۹۸۹۳	۳۳۴۵۰۱	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰۴۹	۵۴۰۰۸۷

«آمار تجرد، تأهل اهالی تهران در اسفند ۱۳۱۸»

ن و مردهائیکه حق ازدواج دارند			مجرد در اثر طلاق و فوت			زن دار و شوهر دار			جمع کل		
مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
۱۷۹۶۳	۹۳۶۱۱	۲۷۳۲۴۱	۱۱۴۹۷	۳۶۷۷۸	۴۸۲۷۵	۱۲۰۹۱۱	۹۷۶۶۰	۲۱۸۵۷۱	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰۴۹	۵۴۰۰۸۷

«آمار مذاهب مختلفه در تهران در اسفند ۱۳۱۸»

مسلمان		زردشتی			کلیمی			ارمنی			سایر مذاهب			جمع کل		
زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	-
۲۰۰۵۳٤۱	٤۹۰۰۷۳	۹۰۷	٦۰۱	۱۵۰۸	۷٦۷٦	٦۷۷۷	۱٤٤۵۳	۱٤۲۰۸	۱۱٦٦۹	۲۵۸۷۷	٤۵۱۵	۳٦٦۱	۸۱۷٦	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰٤۹	۸۷

«جدول آمار پیشه وران شهر تهران در اسفند ۱۳۱۸

نوع حرفه	مرد	زن	جمع
کشاورزی ، درخت کاری	۳۱۷۲٤	۷۷	۳۱۸۰۱
صنعتگر	٦۰۰٦۹	۵۲٦۷	٦۵۳۳٦
باربری پیك نامه ومخابرات	۱۹۰۷۱	٤۰	۱۹۱۱۱
داد وستد بازرگانی	٤۰۹۷۳	۹۳۳	٤۱۹۰٦
کارهای آزاد	۵۳۲۱	۱۸۸۲	۷۲۰۳
کارمندان دولت وبنگاهها	۲٦۹۹۲	۷۹٤	۲۸۷۸٦
کارهای خصوصی	۱٦۱۷۳	۱۲۷۳۳	۲۸۹۰٦
کارهای غیرمعلوم	۱۳٤۵۰	۲٤۵	۱۳٦۹۵
دانش‌آموز ، خانه دار ، بیکار ، اطفال	۹۸۲٦۷	۲۰٦۱۱٤	۳۰٤۳۸۱
جمع کل	۳۱۲۰٤۰	۲۲۸۰۸۵	۵٤۱۱۲۵

وضع امروز احتیاج به آمار دارد تا تعداد بیکاران وکارمندان دولت معلوم شود چند برابر ۱۵ سال پیش شده است .

خوانندگان عزیز درسطور این کتاب باوضاع تهران گذشته و دی آشنا شدند آنچه درنگارنده بیشتر اثر کرد فصل حوادث بود گرچه برای آنکه خوانندگان عزیز متأثر نشوند ما سرو ته مطلب را بهم دوخته و آنچه واقع شده بود و از آن خونهای پاك ومطهری ریخته شده بود و از ناله های جانسوز مادرهای پسرمرده، وبچه های پدرمرده و حجله های سیاهپوش نوعروسان چیزی نگفتم . اگر ناصرالدینشاه میرزاتقیخان امیرکبیررا نمیکشت قطعاً بااین دوران طولانی پنجاه ساله سلطنت نه تنها ایران افغانستان و ترکستان را ازدست نمیداد بلکه محرومیت ها و شکست های گذشته را جبران مینمود. در دوره سلطنت مظفرالدین شاه سلطان علیل باآن دربار ننگین بحران و فروریختگی اوضاع بشدت رسید و محمد علیشاه کـه خود ننگ سلاطین ایران بود باکمك شاپشال SHAPSHAL ولیاخوف LYAKHOFF روسی باملت خودجنگید و ننگ ورسوائی بارآورد . دردوران احمدشاه که پس ازیك سلسله انقلابات درطفولیت بسلطنت رسیده و وارث اوضاع آشفته‌ای بود چه میتوانست بکند جزآنکه اوضـاع درهم ریخته کشور هرچند یکمرتبه اورا بفرنگستان فراری میداد دراین هنگام وضع آشفته کشور ازنظرداخلی وخارجی بمنتهای خرابی وبیچارگی رسیده وهیچکس امیدی ببهبود اوضاع نداشت، خزانه تهی بجای حقوق آجر وکاه بمستخدمین میدادند ـ رشته انتظامات طوری ازهم گسسته بودکه برای سرکوبی رضا جوزانی چندماه وقت دولت صرف تجهیز صد سواربختیاری شد ، گیلان ومـازندران درآتش انقلاب میسوخت ، آذربایجان وکردستان لگدکوب سواران وحشی سمیتقو ، خاور ایران مورد تاخت وتازبیرحمانه تراکمه ، صفحات جنوب تیول قشقائی ، بختیاری ، بهارلو وعرب بویراحمدی بلوچستان وخوزستان که حالشان معلوم بود. پایتخت هم صحنه بازیگری جمعی الکرد وورشکستگان بازاری وبیگانه پرستان که ناله وطنخواهان را درسینه خفه مینمودند شده بود . ارتش ایران را دسته هائی بنام قزاق که خودرا تابع دربار تزارهامیدانستند وپلیس جنوب . S . P . R که مطیع لندن بودند ، ژاندارمری برهبری سوئدیها ، سربازوغیره که نه تنها هیچیك ازهم تبعیت نمیکردند بلکه روزی نبودکه سرپل امیربهادر یادرکوچه قاجار وجاهای دیگر زدوخورد ژاندارم وقزاق یاسرباز وپلیس را نشنوند چنان مارا بجان یکدیگر انداخته بودند که تاریخ نظیرآنرا درهیچ کجای دنیا نشان نمیدهد. دوران بیست ساله پهلوی کبیر برحسب ظاهرهم شده سروصورتی باوضاع داد، کشور دارای بودجه مرتبی شد، ارتش یکی شد ، فن معماری وعلاقه بساختمان درایران رواج گرفت خلاصه خیلی کارها شد که هیچکس پیش بینی آنرا نمینمود ولی همینکه این مردرا ازاین کشور بردند اوضاع طوری بهم ریخت که صدرحمت بدوران پیش ازکودتا . کشور مارا هردم بپرتگاه سقوط میبردند ولی نگاهدارنده توانا اورا حفظ مینمود وایران کهن مانندکوهی برپای ایستاده امیداست تحت رهبری شاهنشاه جوانبخت وفداکاری رجال پاکدامن خرابیها وویرانیهای اینمدت نیز اصلاح وآب رفته بجوی آید .

میگون ـ شهریور ۱۳۳۲